

نشریه انجمن نجات

شماره ۵۰

# امغار کریم یا غایة الطالبین

اللهم اجعلني في هذه المتعة كائناً عليك، الفلتنت لدك  
المتعة والبريم فيها يارب يسّع مد طاهر سلام هنوز عند مطلع الفجر

تیر ماه ۹۳



# نشریه انجمن نجات

شماره ۵۰



تیرماه ۱۳۹۳

[WWW.NEJATNGO.ORG](http://WWW.NEJATNGO.ORG)

E.MAIL: [info@nejatngo.org](mailto:info@nejatngo.org)



عنوان	فهرست مطالب	صفحه
* نامه بنیاد خانواده سحر به خانم جین هال لوت		۷
* ویلپنت ، پرده ای بر جنایات رجوی در لیبرتی		۸
* منافقین در ایران بی اعتبار هستند ، از آنها دوری کنید		۱۰
* نامه کاظم شهیدی به برادرش لفته اسیر در فرقه رجوی		۱۱
* ملاقات نمایندگان انجمن ایران ستارگان با مسئولین سفارت عراق در سوئیس		۱۳
* ویلپنت پاریس یا آب در هاون کوبیدن!		۱۵
* حمید رضا از آلبانی: اشک تماسح مریم رجوی برای نیجریه		۱۷
* ویلپنت و چند نکته		۲۰
* مقایسه سازمان مجاهدین و گروههای تروریستی داعش و النصره		۲۲
* مورخ آمریکایی: گروه تروریستی مجاهدین همانند گروه داعش است		۲۶
* محکومیت مجاهدین خلق توسط وزارت خارجه و کمیسیون خارجه مجلس فرانسه		۲۷
* مجاهدین خلق (رجوی) و نتانیاهو : مذاکرات هسته ای با ایران را ادامه ندهید		۲۹
* گردهمایی بزرگ یا لشگرکشی عظیم دروغ		۳۰
* کتاب «خداآوند اشرف ؛ از ظهور تا سقوط» خاطرات عضو شورای مرکزی مجاهدین منتشر شد		۳۲
* علاوه از حامیان مجاهدین از داعش به عنوان یک گروه بدنام تروریستی یاد کرد		۳۴
* رجوی در ویلپنت به دنبال چیست؟		۳۶
* گفت و گوی «وطن امروز» با کارگردان «فیلم ناتمامی برای دخترم سمیه»		۳۸
* ادوارد رندل فرماندار پیشین: از منافقین (فرقه رجوی) پول گرفته ام		۴۴

صفحه	فهرست مطالب	عنوان
٤٥	* آویختن به تروریست های داعش ، تلاش نافرجام مجاهدین خلق برای بقا	
٤٧	* توهمندی قدرت طلبی ، وجه قرابت رجوی و داعش	
٤٩	* خانم بابائی : از خدا می خواهم تا قبل از مرگم یک بار دیگر پسرم را در آغوش بگیرم	
٥٠	* خط ترویر در داخله و خفغان و سرکوب در مناسبات	
٥١	* درد و دل یک پدر درد کشیده از جنایات رجوی ها	
٥٢	* خیانت رجوی به نیروهای خودی	
٥٦	* جریان مسئله داری در سازمان مجاهدین خلق و سخنی با هواداران	
٥٩	* استرون استیونسون : من نماینده منافقین ( فرقه رجوی ) در اروپا هستم	
٦١	* پشت نمایش ویلپنت در حمایت از رجوی، سیاست امریکا و صهیونیسم خوابیده است	
٦٢	* مریم رجوی در ویلپنت : داعش علیه بنیادگرایی است؟!	
٦٤	* آدرس استانها ( تلفن - فکس - صندوق پستی )	



که در اردوگاه لیبرتی محبوس بوده و دستشان به جائی نمی رسد می رود و آنان باز همچون گذشته آماج حملات انتقامی قرار خواهند گرفت. اطلاع داریم که فضای مسئله داری و سرپیچی از فرامین فرماندهان در داخل اردوگاه، که تماماً توسط مسئولین فرقه رجوی اداره می شود، افزایش یافته به طوری که مسئولین سازمان حتی به فکر حذف برخی از عناصر درونی افتاده اند. همچنین مطلع شده ایم که در درون اردوگاه زندگی سنگری به راه انداخته شده و نفرات به بهانه مسائل امنیتی مجبور هستند در سنگرهای زیر زمینی زندگی کرده و شرایط سختی بر آنان تحمیل گردیده است. نشست های سرکوب روانی و تققیش عقاید روزانه و هفتگی با شدت هر چه بیشتر برای مغزشوئی و القای تفکرات فرقه ای ادامه دارند و این در حالی است که مصاحبه های کمیساريای عالی ملل متعدد در امور پناهندگان قطع شده و سران فرقه هرگونه ارتباط اعضا با مسئولین ملل متعدد و صلیب سرخ را خط قرمز عبور نکردنی اعلام نموده اند. اکنون حدود ۶ ماه است که شما به عنوان مشاور ویژه دیبر کل ملل متعدد جهت انتقال اعضای فرقه رجوی در عراق به کشورهای دیگر منصب شده اید. اطلاع داریم که شما در مأموریت های قبلی خود همیشه موفق عمل کرده و فردی توانا هستید. سؤال ما از شما اینست که چه اقداماتی طی این مدت برای انتقال این افراد به مکانی امن صورت گرفته و چه موانعی بر سر راهتان است و چه تدبیری در این خصوص اندیشیده اید؟ ما، از جانب خانواده های دردمند و رنج کشیده اعضای گرفتار در دست فرقه رجوی در اردوگاه لیبرتی، مصراوه از شما تقاضا می نمائیم تا پاسخی در این خصوص به ما بدهید و تصویری از آینده این نفرات و برنامه اعزام آنها به کشورهای دیگر ارائه نمایید.

بنیاد خانواده سحر

بغداد - ۲۷ ژوئن ۲۰۱

نامه بنیاد خانواده سحر به خانم جین هال  
لوت (خانواده ها نگران آینده نفرات  
لیبرتی هستند)

سایت بنیاد خانواده سحر ، چهارشنبه ۱۱  
تیر ۱۳۹۳

بنیاد خانواده سحر نامه ای به ”مشاور ویژه دیبر کل ملل متعدد بان کی مون جهت انتقال ساکنان اردوگاه لیبرتی به خارج از عراق“، خانم جین هال لوت، نوشته است که در زیر عیناً جهت اطلاع خوانندگان آورده می شود. این نامه همچنین در اختیار رسانه ها و ارگان های ذی ربط قرار گرفته است:

خانم جین هال لوت

ملل متعدد - عراق

۲۰۱۴ ژوئن ۲۷

خانم عزیز

با توجه به وضعیت جدید در عراق، در حال حاضر شرایط اردوگاه لیبرتی که اعضای سازمان مجاهدین خلق (فرقه رجوی) در آن استقرار دارند بسیار دشوار و خطربناک است؛ اما مسعود رجوی همچنان تلاش می کند تا این نفرات را به هر قیمت شده جهت به کشتن دادن همگی آنها در عراق نگاه دارد. شاید در جریان باشید که سران سازمان مجاهدین خلق به صورت علنی از گروه های تروریستی در داخل عراق که به قتل و غارت مردم بی گناه مشغول هستند حمایت نموده و از این بابت ابراز خرسندی و شادمانی می نمایند. همچنین شواهدی در دست است که نشان می دهد مسئولین فرقه رجوی، همچون زمان صدام حسین، علیه عالی ترین مصالح و منافع ملت عراق وارد عمل شده و دست به اقداماتی زده اند که طبعاً دود آن به چشم کسانی



اعماق خود معادلات را به نحوی غیرمنتظره علیه  
رجوی عوض کرد.

## ویلپنت، پرده‌ای بر جنایات رجوی در لیبرتی

اگر از آن تعدادی که خود را دست مایه و آلت دست سازمان قرار می‌دهند و شرف و حیثیت خود را به سران فرقه رجوی اجاره می‌دهند بگذریم که البته و با کمال تأسف کم هم نیستند، شخصیت‌ها و مجامع بین‌المللی، اروپایی و آمریکایی اند که تحرکات این فرقه را قطعاً طور دیگری مانیتور می‌کنند. همزمانی بلوای عراق و ورود نیروهای تروریستی داعش و کشتار مردم بیگناه عراقی با تبلیغات و برپایی جلسه ویلپنت توسط رجوی‌ها، کشاکشی بود که متظر اعمال تصمیم‌های جدی‌تر توسط باند رجوی را می‌طلیید. اخبار از تزدیک شدن روز به روز تروریستهای داعش به بغداد می‌داد و همه نگران وضعیت ساکنین لیبرتی بودیم. اخبار مربوط به تجاوز‌های برنامه ریزی شده به زنان عراقی در موصل و... نیز که در خبرگزاری‌های به سرعت انتشار یافته بود مزید بر نگرانیهای قبلی بود. بسیاری که از قصد جابجایی باقیمانده ساکنین لیبرتی به رومانی توسط سازمان ملل با خبر بودند، مستمراً پیگیری می‌کردند که، پس چرا اینها نرفته‌اند؟ و چرا های دیگری که بی‌واسطه، سران فرقه رجوی را هدف قرار می‌داد، که چرا این بجهه‌ها را بی‌دفاع وسط عراق رها کرده‌اند، مگر از جان این بجهه‌ها چه می‌خواهند که این قدر با بی‌اعتنایی با آنها رفتار می‌کنند!

حسینی، انجمن نجات مرکز تهران،  
۱۰ تیرماه ۱۳۹۳

مراسم ویلپنت رجوی امسال نیز برگزار شد. امسال فرقه رجوی عدد حاضرین را اعلام نکرد و تعداد انجمن‌های وابسته‌ی بکار گرفته شده به عنوان کمیت حضور اعلام شده است.

چند سال پیش وقتی خبر خروج از لیست تروریستی مطرح بود، خیلی‌ها چنین می‌نوشتند که نباید چنان بشود و حقوق بشر کجا رفته است و... چون فرقه رجوی را فرقه‌ای تروریستی و سکت می‌دانستند. که البته همه حرفها و نوشته‌ها درست و مستدل بود.

ولی در آن هیاهو، سران فرقه رجوی امکان سوء استفاده و تبلیغ به نفع خود را به خوبی بدست آوردند. که مخالفان، سر و سری با سرویس‌ها دارند و مطالب و خواسته‌ها تم مشترکی دارد و از این نوع حرف‌ها، و به قول معروف از آن داستان برای خود کلاهی دست و پا کرده و موقتاً خود را با مماشات حفظ کردند.

مراسم ویلپنت ۲۰۱۴ علیرغم اینکه رجوی و باند تباهی اش آنرا به نام قله پیروزی‌های سیاسی خود و متحد کننده طیف هوادارانش تلقی می‌کنند. در



در گرماگرم افکار خودم بودم ، خبر جدیدی که حاکی از چرخش معادلات می داد ، موقعیت جدیدی را برایم تصویر می کند .

معاون وزارت خارجه فرانسه بعد از برگزاری ویلپنت رجوی ، می گوید : « نسبت به تحرکات مجاهدین مشکوک هستیم . و به هیچ وجه مورد حمایت ما نیستند » .

گویا ! آش آنقدر شور شده است که صدای مدعیان را هم برتابیده است . ولی صدای دل شکسته خانواده های چشم انتظاری که سودایی جز فرزندشان ندارند ، کی و کجا شنیده خواهد شد ؟ این سؤالی است که مستمر در گوشم زنگ می زند .

سرنوشت را چطور خواهند نوشت ؟

دعا و استعانت خانواده ها از خداوند رحمان و رحیم در مقابل وحشی گیری فرقه رجوی ، تا کجا صبر خواهد کرد . رجوی قصد دارد با برپایی جلساتی مانند ویلپنت ، افکار را از فجایعی که می آفریند منحرف کند . رجوی آن چیزی نیست که ویلپنت را برگزار کرده است ، رجوی کسی است که جان ۳ هزار نفر را در عراق بازیچه مطامع خود قرار داده است . رجوی کسی است که قصد ایجاد جبهه ای تروریستی در منطقه را کرده است .

تمام نگرانی ها از یک طرف و رفتار عجیب و غریب فرقه از سویی دیگر خیلی ها را مات و مبهوت خود کرد . سایتهای فرقه رجوی سعی در رتوش تحولات تروریستی داعش در عراق داشتند . تا جایی که برخی از نیروهایی که با داعش هم پیمان بودند را فرزندان عراقی شمردند . بعد هم که فضا را بسیار پس و ضد خود دیدند داعش را به ایران نسبت دادند .

چشمها و گوشها همه متظر خبری بود که از پایان لجاجت فرقه ای رجوی و جاجایی سریع السیر ساکنین لیبرتی به خارج از عراق باشد . که با کمال تأسف دود دم دزدی و سرقت اموال به جا مانده در اشرف را در سایتهای باند رجوی شنیدیم .

عجب ! گویا ارزش انسانها برای رجوی فقط به خون و جسدشان است که دست مایه تبلیغاتی ای برایش باشد .

برگزاری ویلپنت ، بدون هیچ اغراقی صدها هزار دلار برای فرقه هزینه برداشته است . سخنران اجاره ای آمریکایی و اروپایی که صحنه خوبی را برای چتربازی و پر کردن جیب های خود یافته اند ، چون مگسانی گرد شیرینی ، همیشه حاضر و در مقابل قرائت متونی از پیش تعیین شده هزاران دلار به جیب زده و می روند .

سؤال هم چنان در مقابل چشمانم خود نمایی می کند . رجوی تا کجا پیش خواهد رفت ؟



شدت توصیه کرد تا از این سازمان دوری شود. در همین حال «لن مارسود» از دیگر اعضای کمیسیون هم موافقت خود را با ضرورت دوری جستن از منافقین عنوان کرد. وی در جریان گفتگو با دیگر اعضاء کمیسیون گفت: من هم با این صحبت ها کاملاً هم نظر هستم. فرقه تروریستی مجاهدین خلق به دلیل ساختار فرقه ای، سابقه و ماهیت تروریستی اش مورد انتقاد سازمان های بین المللی حقوق بشری است.

چند روز گذشته نیز سخنگوی وزارت خارجه فرانسه با انتشار بیانیه ای شدید الحن از فرقه تروریستی مجاهدین خلق به عنوان یک فرقه خشن، غیر دموکراتیک و خشن یاد کرد. «روم نادال» سخنگوی وزارت خارجه فرانسه که در جمع خبرنگاران صحبت می کرد، در مورد موضع این کشور در قبال گروهک منافقین گفت: «فرانسه هیچ ارتباطی با «مجاهدین خلق ایران» که به اقدامات خشونتبار معروف است، ندارد. آنها هیچ موجودیت قانونی ای به عنوان یک سازمان در فرانسه ندارند.»

سران گروهک منافقین سال هاست در پاریس اقامت قرار دارند. با این حال فرانسه ارتباط با این گروه و حمایت از آن را منکر شده است. آقای نادال در بخش دیگری از این نشست گفت: «ایدئولوژی خشونتآمیز و غیردموکراتیک این گروه تاکنون توسط چندین سازمان حقوق بشری افشا شده، از جمله سازمان عفو بین الملل که اقدامات فرقه ای و خودداری این گروه از محکوم کردن رسمی خشونت را گزارش کرده است.»

وی سپس نسبت به اقدامات این گروهک برای انتشار اخبار نادرست هشدار داده و گفت: «ما نسبت به تلاش گسترده ای که آنها برای انتشار اخبار غلط و اثرگذاری (از این طریق) رهبری می کنند، هشدار می دهیم.»



### منافقین در ایران بی اعتبار هستند، از آنها دوری کنید.

چهار تن از نمایندگان عضو کمیسیون امور خارجه مجلس ملی فرانسه از پارلمانترها و مقامات این کشور خواستند که از فرقه تروریستی مجاهدین خلق دوری کنند.

### انجمن دفاع از قربانیان تروریسم، تهران، ۱۱ تیر ماه ۱۳۹۳

به گزارش انجمن دفاع از قربانیان تروریسم به نقل از سایت مجلس ملی فرانسه، در جلسه کمیسیون امور خارجه مجلس ملی فرانسه، «فیلیپ کوش» از اعضاء کمیسیون امور خارجه عنوان کرد: «از تمامی همکاران از صمیم قلب تقاضا می کنم که در پاسخ هایشان به اصرار و دعوت مکرر گروهک مجاهدین خلق نهایت احتیاط را به خرج دهید. اعضای پارلمان فرانسه می دانم که اینها امکانات و ارتباط قوی و بسیار زیادی در فرانسه دارند ولی این نکات به هیچ وجه نماد جایگاه آنها در ایران نیست.» در همین حال «زاک میارد» عضو دیگر کمیسیون امور خارجه ضمن تأیید سخنان «فیلیپ کوش»، افزود: «ما باید مراقب باشیم. مجاهدین خلق خشن بوده و از همین رو کاملاً در ایران بی اعتبار هستند.» خانم «الیزابت گیگو» رئیس کمیسیون امور خارجه مجلس ملی فرانسه نیز به



لفته جان بعد از پدر حالا مادرمان و ما چشم انتظار دیدن دوباره تو هستیم ، مادر الان پیرو خسته شده و هر روز صبح جلوی درب حیاط می نشیند به امید اینکه برگشتن تو را ببیند ، نگذار حسرتی که بردل پدرمان ماند بردل او هم بماند .  
 برادر جان از سال ۸۹ تا سال ۹۱ من و مادر چندبار به همراه دیگر مادر و پدران چشم انتظار به امید دیدن دوباره شما به کنار کمپ اشرف در عراق آمدیم اما مسئولان همان سازمانی که تو عمر و زندگی ات را برای آنها تلف کردی با پستی و رذالت تمام ما را به بارانی از سنگ ، فحش و ناسزا بستند و باید بدانی که در یک صحنه وقتی من و مادر و بقیه در ضلع شرقی کمپ اشرف کنار کانکس ایستاده بودیم نفرات نگهبان کمپ و یا همان برادران به اصطلاح مجاهد خلق !! یک تیر آهنی که نمی دانم با چه وسیله ای با شدت زیاد به سمت ما پرتاب کردند که از کنار مادر گذشت و دیوار کانکس را سوراخ کرد . واقعًا این بود جواب یک مادر از طرف مدعيان کذايی آزادی خلق !!!

همان موقع به خودم گفتم اگر لفته از این موضوع با خبر شود آیا باز هم حاضر است یک دقیقه درآن کمپ نفرت انگیز و سازمانی که بویی از انسانیت نبرده است بماند؟

برادرجان باور کن در این سالیان هر وقت اتفاقی درکشور بحران زده عراق می افتاد ما با دلشوره شب را به صبح رساندیم بخصوص این روزها که اوضاع عراق با حملات گروه کثیف داعش بحرانی تر شده ، نگرانی ما هم از بابت سرنوشت و سلامتی تو بیشتر شده . که نمی دانم چگونه مسئولین سازمان و شخص رجوى می خواهد جواب این همه نگرانی های مارا بدھند !!!

لفته جان هنوز نگذاشتیم مادر متوجه اوضاع بد عراق شود و گرنه نمی توانستیم یک لحظه هم او را آرام کنیم .

برادرم باورکن وقت آن شده که از خواب غفلت



### نامه کاظم شهیدی به برادرش لفته اسیر در فرقه رجوی

خانواده های اعضاء ، شنبه ۱۴ تیر ۱۳۹۳

لفته جان برادر خوبیم سلام .

باورکن به اندازه ۳۵ سالی که از ما دور بودی حرف و درد دل دارم که با تو درمیان بگذارم .  
 برادرم از اوایل سال ۵۹ که تو برای تحصیل به کشور هندوستان رفتی به جز اینکه تا سال ۶۳ چند بار با ما تماس گرفتی الان حدوداً ۳۵ سال می گذرد که ما تو را ندیدیم و بیش از ۳۲ است که حتی صدایت را هم نشنیدیم .

راستش هنوز در تعجبم چون اصلاً تو که اهل گروهی نبودی چگونه سر از عراق و گروه منفور و خانوی مثل سازمان مجاهدین که با دشمن مردم و کشورمان یعنی صدام هم قسم شد سر درآوردی ؟  
 بعد از اینکه دیگر خبری از تو نشد پدرمان تا وقتی که درقید حیات بود هر بار می گفت : ای کاش لفته را برای تحصیل به کشور غریب نمی فرستادم .  
 البته گناهی نداشت نمی دانست که حقه بازار و دزدانی مثل عوامل سازمان مجاهدین ثمره یک عمر زندگی اش را می دزند و حسرت دیدارش را تا ابد به دلش می گذارند .



**یک عضو فهرست ائتلاف قانون  
عراق: دولت پاسخ قاطعی به  
مجاهدین خواهد داد**

**خبرگزاری ایسنا، ۱۱ تیر ۱۳۹۳**

یکی از نمایندگان فهرست ائتلاف دولت قانون از پاسخ قاطع دولت عراق به گروه تروریستی مجاهدین در صورت اثبات دست داشتن آنها در عملیات‌های تروریستی خبر داد. به گزارش خبرگزاری دانشجویان ایران (ایسنا) عباس بیاتی در گفت و گو با اشرف نیوز بیان کرد: دستگاه‌های ذی‌ربط در عراق به اطلاعاتی دست یافته‌ند که نشان می‌دهد عناصر گروه تروریستی مجاهدین که از کشورهای اروپایی آمده‌اند، به گروه تروریستی داعش پیوسته‌اند. او با بیان این که حضور اعضای این گروه را در توطئه‌های جاری در کشور و هدف قرار دادن ارتقش عراق بعيد نمی‌داند، افزود که تروریسمی که گروه مجاهدین ایجاد کرده همان تروریسمی است که داعش، جبهه النصره و دیگر گروه‌های تکفیری که چیزی جز زبان خون و کشتار نمی‌دانند، ایجاد کرده‌اند. بیاتی گفت که در صورت اثبات دست داشتن این افراد در عملیات‌های تروریستی علیه نیروهای امنیتی در استان نینوا دولت عراق پاسخ قاطعی به آنها خواهد داد. این در حالی است که دستگاه‌های اطلاعاتی عراق اعلام کرده بودند که نزدیک به ۱۲۰ تن از عناصر گروه تروریستی مجاهدین به منظور همکاری با داعش از طریق مرزهای ترکیه وارد استان نینوا شدند.

بیدارشود تا ببینید که جز تباہ شدن زندگی تان در این سالیان چیز دیگری عایدتان نشده !!

خدا لعنت کند رجوی را که علیرغم اینکه می‌بیند از بابت اوضاع داخلی عراق به هم ریخته شده و جان و سلامتی شما در خطر است اما همچنان توجهی به این موضوع ندارد و عجیب و دردناکتر اینکه در این وانفساً بساط جشن را برای خودشان در فرانسه پهن کردد !!

آیا این رفتار رجوی برای شما سؤال ایجاد نکرده که از سران سازمان پرسید وقتی ما در شرایط کنونی در خطر هستیم چنین مراسمی در پاریس چه معنی دارد؟!!

بنابراین برادر خوبم آنچه معلوم است رجوی وعواملش ذره ای برای زندگی و جان شما ارزش قائل نبوده و نیستند و گرنه می‌بایست بجای خرج کردن برای جشن‌های بی‌محتوای خود و پرکردن جیب یکسری از مفت خورهای خارجه نشین که درد شما و ما را نمی‌دانند به فکر بیرون بردن شما از عراق بحران زده می‌بود.

برادر خوبم تا دیر نشده تصمیم بگیر و خودت را از اسیرکشان رجوی نجات بده و بدان که ما دوست داریم و این خانواده ات هستند که شب و روز در اضطراب به سر می‌برند نه آنهاست که جان خود را به در برده اند و در کشور امن مشغول خوش گذرانی هستند.

به امید آزادی و بازگشت دوباره ات به آغوش خانواده

برادرت کاظم شهیدی



این روزها در تمامی جهان موجی از انژجار عمومی را می شود نسبت به این گروه قاتل دید ولی گروه منفور رجوی ضمن حمایت از این قاتلان و آدم کشان با سران آنها هم ملاقاتهای پنهانی می کنند و هم این جانیان را مورد حمایت مالی و... قرار می دهند!!!

نمایندگان انجمن ایران ستارگان ضمن محکوم کردن جنایتهای این گروه تروریستی و ضد انسانی و محکوم کردن حمایتها و همکاریهای فرقه رجوی با این گروه ضد بشر و ضمن همدردی خود با مردم داغدار عراق از مسئولین عراقی خواستند تا حساب رهبران فرقه رجوی را از اعضاء اسیر و گرفتار جدا بدانند.

نمایندگان ایران ستارگان تأکید کردند که اعضا این فرقه کسانی هستند که فریب این گروه را خورده اند و اغلب هم با وعده زندگی بهتر به آنها قاچاق شده اند، لذا این افراد خود قربانی این گروه مافیایی و جنایتکار هستند و خود محتاج کمک هستند.

نمایندگان انجمن ایران ستارگان از مسئولین عراقی خواستند که هر چه زودتر اقدام به فرستادن اعضای فرقه به خارج از عراق یعنی به کشور سوم بکنند و مسرانه از کشورهای اروپایی بخواهند که این افراد را در کشورهای خود جا بدهند.

فرقه رجوی با تمام قوای بـه گروه جنایتکار داعش کمک می کند که به خیال خود حکومت فعلی عراق سقوط کند و رجوی به آرزویش که همان برگشت صدامیان است رسیده و باز هم در عراق لانه ای به نام اشرف داشته باشد و افراد را در آنجا نگه دارد و به خیال خودش فرقه منهدم شده اش را نجات بدهد.

لذا بهترین کار قیچی کردن دم این سازمان مافیایی می باشد یعنی فرستادن اعضا به کشورهای سوم که اولاً هم این افراد اسیر نجات پیدا می کنند



**مقالات نمایندگان انجمن ایران ستارگان با مسئولین سفارت عراق در سوئیس**

### ایران ستارگان ، یکشنبه ۸ تیر ۱۳۹۳

روز جمعه ۶ تیرماه ۱۳۹۳ نمایندگان انجمن ایران ستارگان در رابطه با حمایت و همکاری و ملاقاتهای پنهانی رهبران فرقه رجوی با گروه تروریستی داعش که به کشتار و قتل و عام مردم بی پناه روی آورده است با مسئولین سفارت عراق دیدار و گفتگو کردند و با توجه به تجارب خود و شناخت عمیقی که از این گروه دارند مشورهای لازم را در این زمینه و در زمینه های مختلف دیگر به مسئولین سفارت عراق دادند.

در حالی که گروه تروریستی و جنایت کار داعش با کشتار مردم بی پناه عراق دل هر کوچک و بزرگی را به درد آورده است و تمامی سازمانهای حقوق بشری ، دولتمردان و کوچک و بزرگ همگی جنایتهای این گروه بد نام را به شدت محکوم می کنند فرقه رجوی ماهیت حقیقی و واقعی خود را بار دیگر به همگان نشان داد و این گروه جانی و ضد انسانی را انقلابیون و مردم عشایر به پا خواسته !! خواند ، چرا که به راستی از کوزه همان بروند ترواد که در اوست .



## هشدار شدیداللحن عراق به گروهک منافقین

۱۳۹۳ تیر ۱۰

عضو کمیسیون امنیت و دفاع پارلمان عراق نسبت به مشارکت عناصر منافقین در عملیات های ضد ارتضش هشدار داد.

به گزارش شبکه اطلاع رسانی دانا "عباس البیاتی" در مصاحبه با پایگاه خبری اشرف نیوز با اشاره به اینکه طرفهای عراقی از اطلاعاتی که در مورد ورود عناصر منافقین از کشورهای اروپایی به عراق و پیوستن آنها به صفوی داعش منتشر شده، اطلاع یافتند، گفت: در صورت اثبات دست داشتن عناصر منافقین در عملیات های تروریستی بر ضد نیروهای امنیتی عراق در استان نینوا، دولت عراق تدابیر قاطعانه ای در قبال این موضوع اتخاذ خواهد کرد.

وی در ادامه مشارکت عناصر منافقین در توطئه جاری علیه ارتضش عراق را بعید ندانست و تاکید کرد: تروریسمی که منافقین بنا نهاد همان چیزی است که داعش و جبهه النصره و دیگر گروههای تکفیری که جز زبان خون و کشتار نمی فهمند، بنا نهادند

و به دنبال زندگی خود می روند و هم رجویها اینگونه و دیوانه وار نمی توانند در کشور عراق دخالت کنند.

نمایندگان انجمن با توجه به تجارب خود و شناخت خود از رجویها راه کارهای مختلفی را برای خروج اعضا از عراق تقديم مسئولین عراقی کردند که در آن خروج این افراد را تسهیل می بخشد و مانع دخالت رجویها و سنگ اندازی آنها می شود.

آقای میرباقر صداقی و آقای مهدی نیکبخت به صورت خلاصه هر کدام از زندگی خود در قلعه مخوف اشرف صحبت کردند، از زندان و شکنجه، زور و ظلم، بیگاری، طلاق اجباری و ...

همین طور از پولهای مردم عراق صحبت کردند که چگونه صدام در ازای اطلاعات ایران این پولها را گونی، گونی به فرقه می بخشید و آن زمان مردم عراق می بایست شبها گرسنه سر به بالین می گذاشتند.

حالا رجویها آرزوی برگشت آن دوران را دارند و برای همین است که وحشیانه به حمایت و همکاری و کمک این گروه جانی رفته اند.

مسئولین عراقی ضمن تشکر از اعضای انجمن ایران ستارگان گفتند که آنها فرقه بد نام رجوی را می شناسند و می دانند که آنها هیچ ربطی به ایران و ایرانی ندارند و تنها تشنه رسیدن به قدرت هستند و برای رسیدن به قدرت از هیچ جایی نمی گذرند و می دانند که این فرقه حمایتی بین مردم ایران نداشته و ندارد.

و همینطور در مورد اعضای فرقه و انتقال آنها به کشورهای سوم قول مساعدت داده شد و اینکه تمامی مواردی که در جلسه گفته شد به مسئولین عراقی گزارش داده شود.



چگونه راه حنیف از مضمون اصلی خود منحرف شد و در قهقرایی ترین نوع دیکتاتوری درون تشکیلاتی غرق شد و چهره استبداد فرقه ای به خود گرفت، و به شکل رجویسم رشد و نمودار شده است؟

بله رجویسم تنها آفت و مصیبت تلخ در فرهنگ سیاسی امروز ماست و پاشنه آشیل تمامی کم کاریها و افول مبارزاتی تمامی تشکلها و احزاب سیاسی ایران است، واقعه می‌توان به جد پرسید آیا لیاقت تاریخی ما این بوده است که دچار چنین مصیبت و ج Zam شویم؟

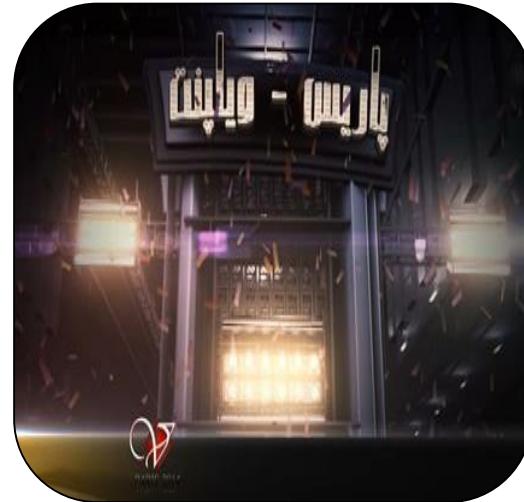
از دید من، برای رهائی از استبداد فرقه ای در جامعه باید درد یا دردهای اصلی را به روشنی شناخت و شناساند.

متاسفانه بررسی نشان می‌دهد مهمترین علت بقای فرقه‌های استبدادی عدم شناخت مردم دنیا از ماهیت فرقه‌های استبدادی است و جامعه باز و دموکراسی موجود در کشورهای اروپایی از جمله کشور فرانسه امکان سوء استفاده این فرقه تزوریستی را فراهم می‌کند.

در اینجا به گزارش سخنگوی وزارت خارجه فرانسه از رویکرد فرقه رجوی در فرانسه اشاره می‌کنم:

«رومن نادال» سخنگوی وزارت خارجه فرانسه که در جمع خبرنگاران صحبت می‌کرد، در مورد موضع این کشور در قبال گروهک منافقین گفت: «فرانسه هیچ ارتباطی با «مجاهدین خلق ایران» که به اقدامات خشونت‌بار معروف است، ندارد. آن‌ها هیچ موجویت قانونی به عنوان یک سازمان در فرانسه ندارند.»

آقای نادال در بخش دیگری از این نشست گفت: «ایدئولوژی خشونت‌آمیز و غیردموکراتیک این



ویلپنت پاریس یا آب در هاون کوییدن!

میر باقر صداقی، ایران ستارگان،  
۱۳۹۳ تیرماه ۱۱

۱۰ سال تمام تکرار شوی ویلپنت پاریس بدون هیچ سود سیاسی با هزینه میلیونها دلار برای گردآوری افانها، عربها، آفریقاها، اروپایها، آسیایها و تعدادی سناطور از رده خارج شده و جنگ طلب با وعده ساندیس و ساندویچ و سفر مجاني به پاریس با هزینه هتل اقامت و پرداخت ۲۰ یا ۳۰ هزار دلاری برای سخنرانی این و آن، و مطرح کردن خانم رجوی بعنوان رئیس جمهور مادام العمر، تمام زور سیاسی فرقه ایست که خود را تنها آلت‌ناتیو سیاسی می‌داند.

آیا خنده دار نیست فرقه ای با سابقه ۴۹ ساله توان راه اندازی حتی یک راهپیمایی در ایران را ندارد؟ چقدر باید بی بوته باشی که در پیشگاه وطن و ملاء اجتماعی ایران بربده و منفورشده باشی.

باید به همه جوانانی که عمرشان را وقف مبارزه کرده اند حق داد که با شدت و شگفتی و اعتراض از رجوی پرسند که چرا اینگونه شد؟



میلیونها دلاری کوشش می کنند تا قدرت کسب کنند.

غالباً هدف وسیله را توجیه می کند و بی دلیل نیست در این ۱۰ سال گذشته ویلپنت پاریس از نان شب برای فرقه رجوی واجبتر بوده است عدم مشروعيت از دید فرقه رجوی خریدنی است نه کسب کردنی.

از این رو ویلپنت پاریس آب در هاون کوییدن است و هر کس چه آگاه و چه ناآگاه بخواهد با این فرقه هم کاسه شود تا فرق سر با خیانهای آنها عجین شده است.

برای رهائی از فرقه استبدادی نظیر فرقه رجوی طبیعی است تنها راه کار دوری کردن از این فرقه است.

**غالباً در سازمان مجاهدین  
خلق هدف وسیله را توجیه  
می کند و بی دلیل نیست در  
این ۱۰ سال گذشته ویلپنت  
پاریس از نان شب برای فرقه  
رجوی واجبتر بوده است عدم  
مشروعيت از دید فرقه رجوی  
خریدنی است نه کسب  
کردنی. از این رو ویلپنت  
پاریس آب در هاون کوییدن  
است و هر کس چه آگاه و چه  
ناآگاه بخواهد با این فرقه هم  
کاسه شود تا فرق سر با  
خیانهای آنها عجین شده  
است.**

گروه تاکنون توسط چندین سازمان حقوق بشری افشا شده، از جمله سازمان عفو بین‌الملل که اقدامات فرقه‌ای و خودداری این گروه از محکوم کردن رسمی خشونت را گزارش کرده است.»

وی سپس نسبت به اقدامات این گروه‌ک برای انتشار اخبار نادرست هشدار داده و گفت:

«ما نسبت به تلاش گسترده‌ای که آن‌ها برای انتشار اخبار غلط و اثرگذاری (از این طریق) رهبری می‌کنند، هشدار می‌دهیم.»

از این رو فرهنگ سیاسی عامه ما هنوز که هنوز است از ساز و کار غافل هست و به سازو کارها کمتر می‌پردازد بدین جهت هنوز مشاهده می‌شود بخش زیادی از مردم فکر می‌کند که اگر قدرت دست این و یا آن شخص نباشد کشور اتوماتیک در پی استقرار آزادی، عدالت و حقوق‌مداری خواهد رفت.

ولی با کمال تأسف باید گفت تجربه نشان داده است هیچ یک از انقلابها در جهان در این ۱۰۰ سال گذشته برای مردم آزادی به ارمغان نیاورده است از انقلاب شوروی گرفته تا چین کمونیست تا مصر و تونس و لیبی و...

خلاصه بگوییم رهبری جمعی در میان مردم جائی ندارد از این رو در تحقیق دموکراسی لنگ می‌خوریم حال رهبری عقیدتی فرقه رجوی که حکم خدا را در این فرقه ایفا می‌کند و هیچ انتقادی را تحمل نمی‌کند چگونه می‌تواند منجی باشد؟

غالباً فرقه‌ها کوشش نمی‌کنند نفوذ و رابطه مستمر با مردم خودشان داشته باشند بلکه همه جا با فرصت طلبی و وطن فروشی و با هزینه‌های



می دانند که این یک حرف غیر واقعی است و هرگز کشوری پیدا نمی شود که چنین خواسته ای را قبول کند و اردوگاهی با حاکمیت مطلق دار و دسته تروریستی رجوی ایجاد نماید.

گروه تروریستی نیجریایی ۲۰۰ دختر را گروگان گرفته اند و البته در قبال دریافت پول آنها را آزاد خواهند کرد؛ ولی مسعود رجوی بیش از ۳ هزار نفر را گروگان گرفته و از آنها یک دیوار انسانی برای حفظ خود و پیشبرد منافع فردی اش ساخته و دارد با جان و سرنوشت این سه هزار نفر بازی می کند و معلوم نیست در ازای چه چیزی آنها را آزاد خواهد کرد.

مگر رجوی مدعی نیست که می تواند هر نوع دعوای حقوقی و سیاسی را پیش برده و گروهی از وکلای کارکشته در اختیار دارد؟ پس چرا از آنها و لایهای قویش در غرب کمک نمی گیرد و افراد را به کشورهای مختلف منتقل نمی نماید؟ خود او هم می داند که عراق دیگر جای ماندن نفراتش نیست و جانشان در عراق در خطر است و همچنین استراتژی او در آنجا به بن بست رسیده و شکست خورده است.

بنابراین اگر واقعاً مریم رجوی اهل حقوق بشر است باید جان این سه هزار نفر را نجات دهد و طی فراخوانی اعلام نماید که آماده همه نوع همکاری با ملل متحد و سایر ارگان های بین المللی برای نجات جان این سه هزار نفر می باشد.

بهتر است خانم رجوی بیش از این سنگ حقوق بشر برای مردم کشورهای دیگر را به سینه نزند. او بهتر است این مسخره بازی را کنار گذاشته و به فکر آن سه هزار نفر اسیر ساکن در لیبرتی که دارند روز و شب از آنها بیگاری می کشند باشد.

**حمید رضا از آلبانی: اشک تماسح مریم رجوی برای نیجریه (چرا رجوی برای نجات سه هزار ساکن لیبرتی فراخوان نمی دهد؟)**

**بنیاد خانواده سحر، ۱۴ تیرماه ۱۳۹۳**

نویسنده مقاله : حمید رضا (نجات یافته از فرقه رجوی در آلبانی)

خبری خواندم مبنی بر فراخوان مریم رجوی برای نجات جان ۲۰۰ دختر نیجریایی که توسط یک گروه تروریستی به گروگان گرفته شده اند. البته حمایت از این دختران و محکوم کردن جنایت این گروه تروریستی وظیفه تک تک افراد و گروههای سیاسی و اجتماعی است، ولی یک نکته ظریف در این میان وجود دارد که جای تأمل دارد.

خانم رجوی خود را دایه مهربان تراز مادر نشان داده و می خواهد بگوید که او شدیداً به دنبال حقوق بشر و خواهان نجات جان آن گروگانها است، ولی اگر راست می گوید اول به فکر هزار زن ایرانی و دو هزار مرد ایرانی باشد که الان در اردوگاه لیبرتی جانشان در خطر است، یا به بیان درست تر جانشان توسط او و همسرش مسعود رجوی به خطر انداخته شده است.

اگر راست می گوید فراخوانی برای نجات جان سه هزار ساکن لیبرتی ، البته فراخوانی واقعی و نه ساختگی ، بدھد. همه ما بازها شاهد پیامهای بیرونی مسعود و کنفرانس‌های تبلیغی مریم بوده ایم که در آن می گویند حاضر به خروج از عراق هستند به شرطی که همه افراد یکجا به ایالات متحده آمریکا یا یکی از کشورهای اتحادیه اروپا منتقل شده و در آنجا در یک کمپ همانند پادگان اشرف و تحت کنترل فرقه رجوی زندگی کنند. همه



## وضعیت در آلبانی

توانایی برای پیش برد مبارزه مسلحانه در قالب ارتش آزادیبخش ملی مجبور است بگوید که: "می خواهیم هزار اشرف در فرانسه و در اروپا و آمریکا بسازیم". باید از مسعود رجوی پرسید که پس آن گلو پاره کردنها و آن داد و فریادها که می گفتی "کوهها از جا بجنبد ، اشرف از جای خود تکان نخواهد خورد" چه شد؟ "شرف شهر شرف" چه شد؟ تا کی می خواهی به فریب و نینگ ادامه دهی؟ تا کی می خواهی جسم و روان نفرات را به تباہی بکشانی و تلف نمائی؟ سی سال است که فقط وعده می دهی که حتی یکی از آنها هم تابحال برآورده نشده و جز هدر دادن عمر و هستی نفرات سازمان حاصل دیگری نداشته است.

### فریبکاری فرقه رجوی در اردوگاه پناهندگان در آلبانی

حسن نایب آقا مسئول فرقه رجوی در امور افرادی که به آلبانی منتقل شده اند طوری وانمود می کند و فریبکاری می نماید که گوئی تمامی کارهایی که دارد صورت می گیرد از جانب سازمان و با پول و تلاش سازمان است. اما در عمل به نمونه های زیر نگاهی بیندازید :

کمکی به نفرات مريض که تعدادشان کم نیست و به دليل کارهای طاقت فرسا در اشرف به اين وضع دچار شده اند نمی کند. کمکی در امورات جاري زندگی نفرات نمی نماید. توجهی به نیازهای مالی افراد ندارد. مدام به نفرات وعده های تو خالي داده می شود که تاکنون حتی یک مورد عملی نشده است. نفرات اردوگاه تاکنون چندين بار برای درخواست کمک مالی رفته اند ولی با جوابهای سربالا روبرو شده اند. جدیداً ترفندی را شروع کرده اند و می گويند که سازمان دارد کارها را دنبال می کند تا نفرات بعد از گرفتن پاسپورت به کشورهای دیگر بروند. اگر هیچ کس نداند ولی ما که چندين سال در کثار این فریبکاران بوده ايم به

می خواهم اشاره ای به وضعیت ۲۰۰ نفری بکنم که از لیبرتی به آلبانی آمده اند و در اینجا مستقر هستند. يك تعداد از آنها همچنان اسیر ذهنی و عینی فرقه رجوی می باشند و اجازه خروج از ساختمانهایی که مسئولین سازمان کترل آنها را بدست گرفته اند را ندارند. بقیه افراد هم در شرایط بدی به سر می بزنند و از اولیه ترین استانداردهای پناهندگی نیز برخوردار نیستند. مسعود و مریم رجوی مدعی هستند که آنها این افراد را به آلبانی فرستاده اند و این اقدام هیچ ربطی به کمیسیاریای عالی پناهندگان و کمک های بین المللی ندارد. اگر این حرف درست است پس چرا دیگر هیچ کمکی به آنها نمی کند. در حال حاضر این نفرات در آپارتمان هائی زندگی می کنند که کمتر از چهار ماه قرارداد آنها یکساله می باشد که کمتر از چهار ماه دیگر از مهلت این قرارداد ها باقی مانده است و بعد از آن دیگر هیچ سرپناهی برای این افراد وجود ندارد. از بابت کار هم دولت آلبانی به این افراد اجازه کار نداده است و اگر هم بدهد در آلبانی کار وجود ندارد و اقتصاد فروپاشیده این کشور توان پاسخگویی به دویست متقارضی کار را نخواهد داشت. مردم و بیویه جوانان خود این کشورها بیکار می باشند و هیچ گونه کاری در این کشور پیدا نمی شود. حال رجوی که همیشه مدعی است می خواهد برای آنها چکار بکند؟

شعار مریم رجوی برای یازدهمین گردهمایی سالانه خود در ویلنیت :

### ساختن هزار اشرف در فرانسه و اروپا

بعد از اینکه تمامی سیاستهای مسعود رجوی به بن بست رسید و شکست خورد و نتوانست اشرف را حفظ نماید، حالا برای سرپوش گذاشتن بر عدم



## مرگ‌های مشکوک و ناپنهنگام اعضاي مجاهدين خلق در تشکيلات رجوی

برای ما به خوبی روشن است که چرا مرگهای مشکوک و ناپنهنگام اعضاي مجاهدين خلق در تشکيلات فرقه رجوی به وجود می آيند، چون خط و کار فرقه همین است که نفرات مخالف و منتقد و ناراضي را يك به يك از بين بيرد و به افراد در ليبرتي نشان دهد که عاقب کار چه خواهد بود. از كشتار در اشرف گرفته تا موشك باران ليبرتي جاي شکي نیست که خود مسعود رجوی تمامی اين اقدامات را برنامه ريزی و هدایت کرده تا بتواند بر ناکامی های خود سريوش گذاشته و حیات خفيف و خائنه خود را قدری طولاني تر نماید. مسعود رجوی اعتقاد دارد که خون راه فرقه اش را باز می کند و با همین منطق تا الان جان صدها نفر را گرفته تا با اين وسیله بتواند خودش را حفظ نماید. در اشرف و در ليبرتي چندين نفر را نگذاشتند تا به مراکز درمانی عراق منتقل شوند و در همان جا جان باختند و به همه ثابت کردند که عاقبت همه مردن در عراق است.

### درخواست کمک برای جداسدگان در آلبانی

از تمامی دوستانی که می توانند ما را در کشور آلبانی ياري برسانند درخواست کمک داريم.

ما را در خصوص کارهائی که می توانیم انجام دهیم مطلع سازید تا بتوانیم تصمیمات بهتری اتخاذ کرده و زندگی خود را که سازمان از ما گرفته است مجدداً باز پس بگیریم.

خوبی می دانیم که همه اينها وعده های بی محتواست که هرگز عملی نخواهد شد. برای هرکس بهانه اي می تراشند تا کاري برایش نکند. به يکي می گويند که مامور وزارت اطلاعات است. به آن يکي می گويند که آشنايي در خارج ندارد و کاري نمي شود کرد. به ديگري می گويند فعلاً صير کند چون کارش کمي پيچ دارد. سازمان به تمامی نفراتش در اروپا گفته که اسپانسر نفراتي است که از ليبرتي به آلبانی منتقل شده اند و از اين طريق از اروپائي ها کمک مالي و پول می گيرد. الان چندين ماه است که نفرات از ليبرتي به آلبانی رفته اند ولی دریغ از هرگونه کمک که سازمان و عده آنرا به تمامی اروپا و از جمله به کيساريان عالي پناهندگان داده بود و گفته بود که تمامی تضادها و مشكلات را خودش حل می کند اما نکرد.

### نشست حسن نایب آقا با نفرات اردوگاه در آلبانی

نشست لایه ای برای انتقالی ها از ليبرتي به آلبانی مجدداً گذاشته شد.

نایب آقا در اين نشست باز تکرار کرد که سازمان دارد کار نفرات را دنبال می کند تا بتوانند از کشور آلبانی به کشورهای ديگر بروند و بتوانند در آنجا زندگی جدیدی را شروع کنند.

همه اين حرفها که سازمان به نایب آقا می گويد تا برای ما تکرار کند يك مشت دروغ بيش نیست. سازمان می خواهد بتواند با چنین ترفندهایی دوباره تمامی نفرات را زير تشکيلات خود نگه دارد و سياستهای خود را به راحتی پيش بيرد و دوباره قيمت بلندپروازی های رجوی را از اعضا بگيرد.



رجوی دیگر جرأت نمی کند در پایان ارجیح خود بگوید " رود خروشان خون شهیدان خامن پیروزی محروم است " .

چرا که او خلق قهرمان که هیچ حتی گل و گیاهی را هم که در داخل ایران می رویند و رشد می کنند را دشمن خود می داند و اگر دستش به آنها بر سر خشکاندن آنها را جزو تعهدات خود می دارد .

ویلپنت چه راندمانی برای رجوی و فرقه اش دارد . و چه مشکلی از تشکیلات توریستی مجاهدین حل می کند ؟

رجوی در سرفصل رژه نظامی در سالهای ( ۷۰-۷۱-ش ) با کرایه و تحت امر گرفتن انبوهی نیروی انسانی عراقی و کارگران مصری و سودانی و... و خودرو و تجهیزات نظامی کرایه ای صدام و خدمه آنها اقدام به یک رژه نظامی کرد و با آن قصد مانور و قدرت نمایی برای خلق یک نقطه عطف را داشت .

این را خودش در جمع بندی و ایضاً در مصاحبه اش با رادیو صدای مجاهد گفت که او قصد دارد اینگونه سرفصل ها و نقطه اوج ها را با هر شکلی خلق کند تا با وارد کردن شوک و نمایش به هر قیمتی حمایت غرب را به دست آورد و با این گونه بزرگ نمایی ها خود را به عنوان آلترا ناتیو حکومت ایران به غرب تحمیل کند .

اما فی الواقع اینگونه شد ؟ یا این گونه نمایش ها و ترفندهای مسخره به ضد خودش مبدل شد ؟ مگر در نهایت همه ای این نمایشات و خلق نقطه عطف ها به سوختن در عراق و مرگ تدریجی نیروها و گرفتار شدن در چارچوب اسیران مفلوک و بی مصرف در کمپ ترلزیت لیبرتی نشد ؟

تضاد و تناقض صد روی صد فرقه مجاهدین در استراتژی و خیانت و مزدوری را تا ابد به همراه دارد و نمی تواند بدون آنها حیات دیگری داشته باشد لذا اینگونه وارونه نمایی ها جز عقبگرد محصول دیگری نمی دهد .

## ویلپنت و چند نکته

### انجمن نجات مرکز کرمانشاه ، دوشنبه

۱۶ تیر ۱۳۹۳

سناریوی پوشالی و زنگ زده هرساله فرقه مجاهدین در ویلپنت ادامه همان جوسازی های هرساله به نام روز زندانیان و سالگرد استارت مبارزه مسلحانه (بخوانید اوج ترور و خونریزی ) است .

اما چند سال است که مریم همسر سوم رجوی و رئیس جمهور منتخب شوهرش آن را با زنگ و لعاب دیگری به فرانسه منتقل کرده و با بسیج انبوه افراد غیر ایرانی و عمداً گرسنگان کنار خیابان و ملبس کردن و مجبور کردن آنها به پوشیدن کاور مجاهدین ، می خواهد همچنان استراتژی ارشیه صدام و به نام رجوی را حفظ نموده و از آن به نحو احسن حراست نماید .

مریم رجوی می خواهد برای فریب اسیران داخل فرقه اش و منحرف کردن افکار عمومی خود را تحفه جدید خارج از عراق معرفی نماید .

شاخص این ترفندهای مریم قجر این است که دیگر او مثل شوهرش نمی گوید " بنام خلق قهرمان ایران " چون تا چند ماه پیش او با زنگ و تکه های میلگرد به صورت پدر و مادرهای پیر پشت دیوار اسارتگاه اشرف حمله ور می شد و اینها همان خلق قهرمان ایران بودند .

رجوی در گذشته ها به طعنه می گفت از این خلق قهرمان هم هیچ بخاری بلند نمی شود او می گفت خواهان شورای رهبری سفیران مریم در اروپا بدانند جلب حمایت یک پارلمانتر و سناטור خارجی بهتر از علاف شدن به دنبال خلق بی بخار است .

اکنون مریم در عمل خلق قهرمان را حذف کرده و به شهرداران و کارمندان بازنیسته درجه سه و یا اخراجی های کشورهای غربی دخیل بسته و به رنگین پوستان و شرکت های مقاطعه کار تبلیغی هم وطن می گوید .



**نماينده فراکسيون الاحرار خواستار  
صدور حکم بازداشت بين المللي  
براي رهبران سازمان خلق (فرقه  
رجوي) شد**

**بنیاد خانواده سحر به نقل از  
الاحرار، ۱۷ تیرماه ۱۳۹۳**

بغداد - بخش سیاسی - خبرگزاری الرأي

”عواد العوادي“ نماينده فراکسيون الاحرار وابسته به جريان صدر در پارلمان عراق از دادستانی اين کشور خواست تا حکم بازداشت بين المللي از طريق پليس اينترپل برای رهبران سازمان تروريستی خلق و در راس آنان مسعود و مریم رجوي صادر شود. ”العوادي“ در واکنش به ورود برخی عناصر سازمان تروريستی خلق به شهر موصل که پيش از اين در اروپا حضور داشتند و از طريق خاک ترکيه برای پيوستان به صفواف گروه داعش وارد عراق شدند اظهار داشت: «اين مساله تهدیدي برای امنيت عراق به حساب می آيد و اين حق حکومت عراق است که مسأله را از طريق طرف هاي بين المللي پيگيري کند.» عضو ائتلاف ملی عراق در ادامه اظهار داشت: «ما پيش از اين به حکومت عراق نسبت به خطر بقای عناصر سازمان تروريستی خلق در اين کشور هشدار داده بوديم؛ چرا که اين عناصر در آغوش نظام سرنگون شده بعث پرورش يافته اند. وى همچينين بر لزوم برخورد جدي و قاطع با اين سازمان تروريستي تأكيد کرد.

چون چند ساعت بعد از ويلپنت همه‌ی مهمانهای کرابه‌ای می‌روند و جز سیه رویی و پاره‌ای تبلیغات بی‌حاصل چيزی گير رجوی نخواهد آمد اين را تجربه چند دهه به آغاز رسانده . و اما ويلپنت هاي ديگر رجوی ها در گذشته كجاها بوده و چه راندماني داشته؟

الف- مانور سيمرغ و جمع کردن خبرنگاران دنيا و وعده حرکت برای سرنگونی رژيم / وعده قریب الوقوع به کجا ختم شد؟

ب- حمایت ۵/۵ ميليون عراقيان برای دفاع از مجاهدين چه شد و به کجا ختم شد؟ مگر نه اينکه اين خلق نقطه عطف هم به ليبرتي ختم شد؟

ج- پروژه کنسرت ها و ساز و دهل و دایره و دمبک و بازار لهو و لعب در فرانسه و جذب رقصان و بساز و بفروش فرهنگی و هنری چه راندماني برای رجوی ها داشت؟

مگر اين تاكتيك هم دنبال نقطه عطف سازی نبود؟

د- آب و دان دادن به قبائل و شيوخ و تحت پوشش هاي حزب بعث و روز مزد آنها در دوران خلع سلاح و طی ايزولاسيون حقارت در اشرف برای چه نقطه عطفی بود؟

وآيا مانع از سقوط رجوی ها به زندان ليبرتي شد؟ ختم کلام: سئوال از نیروهای بی دفاع و اسیر در چنگ رجوی این است آیا به نظر شما رهبران فرقه از پایان سیاه و عاقبت تاریک خود آگاه نیستند؟

قطعاً شما هم واقعیت را خوب می‌دانید چون تجربه زیادی در بردن فاکت در دو دستگاه و به ته داستان رسیدن دارید.



دارند دفاع می کنند، خود دارای چه ماهیتی هستند؟!

در تاریخ ۱۳۹۳/۰۴/۱۲ سایت دویچه وله فارسی به نقل از «دیلی میل» نوشت: «سازمان تروریستی داعش که نام خود را به "خلافت اسلامی" تغییر داده جغرافیای خلافت مورد ادعای خود را منتشر کرده که شامل تمام کشورهای اسلامی، نیمی از آفریقا و بخش بزرگی از اروپاست. جالب آن که در این نقشه ادعایی ایران به سه قسمت تقسیم شده است.»

و اما آنچه که در این میان جای سوال بوده و تعجب آدمی را بر می انگیزد این است که :

براستی چرا مجاهدین در یک اطلاعیه رسمی اعمال خشونت آمیز و ضد بشری داعش چه در سوریه و چه در عراق و ادعاهای آنان در مورد ایران را محکوم نمی کنند؟ واقعاً چه چیزی مانع از این محکومیت از سوی رهبران مجاهدین می شود؟ چگونه باور کنیم رهبرانی که دفاع از حقوق بشر، دموکراسی و آزادی را همچنان لق لقه زبان شان کرده اند و داد ارگانهای حقوق بشری را نیز آورده است، چنین جنایاتی را محکوم نمی کنند؟

باید گفت علت یکی بیش نیست و آن اعتقادات فرقه یی با برداشت های ارجاعی از اسلام و توسل به خشونت بعنوان یک استراتژی تمام عیار در هویت تمامی گروههای تروریستی از جمله مجاهدین است که بین آنها چنین پیوند قوی ایدئولوژیک با درک و حس مشترکی را ایجاد می کند و به همین دلیل هست که ساختار تشکیلاتی تمام این گروهها نیز با اندک تفاوتی، مشابه یکدیگر است.

بنابراین بررسی ساختار تشکیلاتی گروه تروریستی داعش، جبهه النصره و سازمان مجاهدین خلق

## مقایسه سازمان مجاهدین و گروههای تروریستی داعش و النصره

حس مشترک

حجت سید اسماعیلی، ایران دیدبان، ۱۵ تیرماه ۱۳۹۳

بدست گرفتن ابتکار عمل توسط ارتش و دولت عراق در جنگ با گروه تروریستی داعش و بقایای حزببعث باعث گردید تبلیغات خبری و انکاس عملیات ضد انسانی و حمایت های تلویحی مجاهدین از این جریانات، افت قابل توجه و البته مقطوعی در سایتها رسمی و غیر رسمی مجاهدین داشته باشد.

فعالیت های تبلیغی گسترده و پیچیدن تروریست های داعش در زر ورق هایی از قبیل "عشایر انقلابی"، "انقلابیون" و "عشایر مبارز" و توههم سقوط دولت مالکی، خیلی زود جای خود را به سکوت داد. بویژه اینکه وقتی از پس پرده چنین القابی، وحشی مانند گروه تروریستی داعش و بقایای حزب بعث بیرون زد و بار دیگر ماهیت فرقه یی و خشونت طلبی مجاهدین و پیوند ایدئولوژیکی آنان با چنین گروههای افراطی را بیش از پیش به نمایش گذاشت.

پایگاه الغد پرس در گزارشی درباره گروه داعش آورده است: «کارشناسان و شهروندان بر این باورند که تروریست های داعش جاهلانی هستند که در صحرابا حیوانات زندگی کرده اند و مفهوم زندگی انسانی را نمی فهمند. آنها ذهن بسته ای دارند که از شریعت اسلامی هیچ نمی دانند.» حال بنگرید کسانی را که اینگونه از چنین گروههای وحشی که صرفاً شکل و ظاهر انسان را با خود



یکی از وظایف مجلس شورا تأیید صلاحیت والیان ولایتها و اعضای شورای نظامی برای ارائه به بغدادی است. اعضای این مجلس می‌توانند به صورت نظری، رئیس تشکیلات را برکنار کنند، اما اجرای عملی این تصمیم امری دست نیافتنی است. (در تشکیلات مجاهدین هم تأیید صلاحیت مسئولین پائین‌تر توسط شورای رهبری مجاهدین صورت می‌گیرد).

شورای امنیت و اطلاعات داعش (مثل ستاد امنیت مجاهدین) هم مسئولیت تهیه اماکن اقامت بغدادی و تعیین قرار ملاقات‌ها و جابجایی‌های وی را به عهده دارد و بر اجرای احکام قضایی و اقامه حدود و محافظت تشکیلات از جاسوسی و نفوذ عوامل بیگانه نظارت می‌کند.

”ابوعلی الانباری“ افسر سابق سازمان اطلاعات عراق ریاست این شورا را به عهده دارد. سه تن دیگر از افسران سابق ”صدام“ دیکتاتور معذوم عراق نیز در این شورا عضویت دارند.

داعش یک موسسه رسانه‌ای هم دارد که ریاست آن با ”ابوالاثیر عمرو العبسی“ است و اعضای آن وظیفه اطلاع رسانی الکترونیکی و اداره پایگاه‌های اینترنتی موسوم به ”جهادی“ را به عهده دارند.

### جبهه النصره

جبهه النصره که یکی از شاخه‌های القاعده است در اوخر ژانویه ۲۰۱۲ میلادی و در شرایطی که هنوز کمتر از ده ماه از آغاز بحران سوریه نگذشته بود، تأسیس گردید و بعد از درگیری‌های متعدد با نیروهای ارتش سوریه بر تعدادی از شهرها و روستاهای حلب، رقه، حسکه و دیرالزور تسلط یافت.

عنوان سه گروه عمدۀ تروریستی در منطقه می‌تواند به درستی این ادعا صحه بگذارد.

به نوشته رسانه‌های معتبر عربی و بین‌المللی به دلیل مخفیانه بودن مراتب تشکیلاتی داعش، این گروه تروریستی درباره سلسۀ مراتب تشکیلاتی خود اعلان رسمی نداشته است، اما با توجه به مدارک به دست آمده و نتایج پژوهش‌های مربوط به گروه‌های بنیادگرای افراطی، تصویری از ساختار شوراهای و هیات‌های داعش به دست آمده است.

ساختار تشکیلاتی داعش هرمی شکل است. ( مثل تشکیلات مجاهدین). ”ابوبکر بغدادی“ در رأس هرم است و تعدادی هیات و شورای نظامی و شرعی در زیر مجموعه قرار دارند.

”ابراهیم عواد ابراهیم البدری السامرایی“ معروف به ابوبکر البغدادی، حاکم مطلق داعش است و تمام تصمیم‌گیری‌ها و عزل و نصب‌ها به دست اوست. تعیین امیران و فرماندهان، صدور اوامر شورای نظامی توسط او انجام می‌گیرد و هر تصمیمی که خلاف نظرش باشد نقض می‌کند.

شورای نظامی داعش به ریاست ”ابوامحمد العلوانی“ دارای ۳ عضو دیگر نیز هست و مهم‌ترین وظیفه‌اش برنامه‌ریزی و مدیریت فرماندهان نظامی و پیگیری عملیات‌ها است. رئیس شورای نظامی توسط شخص بغدادی و بعد از مشورت با مجلس شورا تعیین می‌شود. ( مشابه شورای رهبری در تشکیلات مجاهدین).

رئیس مجلس شورا ”ابوارکان العامری“ است و تعداد اعضا‌یاش بین ۹ تا ۱۱ نفر از افراد شاخص تشکیلات هستند. این اعضا نیز توسط بغدادی تعیین می‌شوند.



مسئولیت ها گمارده می شوند. مجاهدین دارای منابع عظیم مالی و یک رسانه تصویری تحت نام "سیمای آزادی" و دهها سایت و بیلگ رسمی و غیر رسمی برای تبلیغ عقایدشان می باشند.

در ۱۹ بهمن سال ۶۴ در اور سوراواز، مسعود رجوی طی سخنانی بر شیوه انتخاب رهبر در تمام سازمان ها و احزاب معاصر خط بطلان کشید و خود را رهبر دینی مجاهدین خواند. در همان سخنرانی، او تشکیل فرماندهی نظامی برای استان های مختلف را (مشابه آنچه که در تشکیلات النصره و داعش هم بکار گرفته می شود) اعلام نمود که بعد این فرماندهی ها به عراق منتقل شدند.

اگر به آرم سازمان مجاهدین هم توجه شود نشانه هایی دال بر اینکه آنها خود را سازمان جهانی که برای جهاد بر علیه آنچه آنرا ظلم و ستم و رسیدن به جامعه اسلامی واقعی می نامند، دیده می شود.

این گروه عملیات زیادی در اشکال مختلف آن از جمله؛ انتخاری، ترور، ایجاد رعب و وحشت، کشتن مردم بی گناه، خودسوزی و... را در پرونده خود دارد. از سوی دیگر باید گفت نقض حقوق بشر درون گروهی نیز از جمله ویژگیهای مشترک این گروهها محسوب می شود. در خصوص مجاهدین نقض حقوق بشر بارها توسط مجامع حقوق بشر بین المللی و تعدادی از اعضای پارلمان اروپا محکوم شده است. در تاریخ ۲۹ اردیبهشت سال ۱۳۸۴ برابر با نوزدهم می ۲۰۰۵ سازمان دیدبان حقوق بشر یکی از معتبرترین نهادهای بین المللی با انتشار گزارش مفصلی پرده از جنایات هولناک باز فرقه رجوى عليه اعضای خود برداشت که بسرعت مورد توجه رسانه های جهان قرار گرفت.

ساختم تشکیلاتی جبهه النصره مطابق الگوی عمومی القاعده در دیگر مناطق است. به این ترتیب، فردی به نام الجولانی که سابقه مبارزه مسلحانه در کشورهای افغانستان و عراق را داشته است، به عنوان رهبر سیاسی و دینی جبهه فعالیت می کند. در سطح دوم، شورای مجاهدین (همانند شورای رهبری در مجاهدین خلق) قرار دارد که به مثابه قوه مقننه جبهه قلمداد شده و مسئولیت اتخاذ راهبردهای عملیاتی و تشکیلاتی را بر عهده دارد. در سطوح محلی نیز هر منطقه دارای سه فرمانده میدانی است که تابع اوامر شورای مجاهدین می باشند. علاوه بر این، جبهه النصره دارای ۱۱ شورای نظامی در استان های مختلف سوریه می باشد که در هماهنگی کامل نظامی، سیاسی و فقهی با دیگر گروههای تابعه جبهه فعالیت می کنند.

## سازمان مجاهدین خلق

تشکیلات مجاهدین نیز هرمی شکل است و رجوى رهبر خودخوانده این گروه در رأس آن قرار دارد. رجوى خود را رهبر عقیدتی (دینی) و سیاسی مجاهدین قلمداد می کند. در تشکیلات مجاهدین همه تابع دستورات رهبری هستند. خروج از فرمان رجوى حکم مرگ را دارد. مریم رجوى همسر مسعود رجوى در موضع معاون وی ایفای نقش می کند. بعد از مسعود و مریم رجوى شورای رهبری مجاهدین با تعداد مشخصی عضو اصلی مسئولیت پیشبرد فرامین رهبری این گروه را در زمینه های سیاسی، نظامی و دینی بعهده دارند.

مسئولیت مردان صرفاً در کارهای اجرایی است و جایگاهی در فرماندهی راهبردی این گروه ندارند. بالاترین جایگاه آنان تنها در حد معاونین اجرایی اعضای شورای رهبری است. در تشکیلات مجاهدین انتخابات معنا و مفهومی ندارد. تمامی فرماندهان اعم از زنان و مردان بشکل انتصابی در



سازمان حقوق بشری افشا شده ، از جمله سازمان عفو بین‌الملل که اقدامات فرقه‌ای و خودداری این گروه از محکوم کردن رسمی خشونت را گزارش کرده است.» اما بدترین وجه مشترک چنین گروههایی سوء استفاده جنسی از زنان است که اعمال اخیر گروه داعش در سوریه و عراق دنیا را تکان داد.

«تن خود را در اختیار معارضان در سوریه قرار دهید تا جای تان در بهشت تثبیت شود». این فتوای مفتی‌های سلفی است که در ادبیات تروریست‌ها جهاد نکاح نام گرفته است. پدیده جهاد نکاح در ابتدا برای دنیای بیرون از سوریه آنچنان غیر قابل باور می‌نمود که فقط محدود بود به گمانه زنی در رسانه‌ها . مدتی بعد اما با انتشار شواهد و مستندات غیر قابل تردید از جبهه معارضان سوری ، موضع‌گیری در رابطه با جهاد نکاح آغاز شد.

این عمل ضد انسانی و زشت در جریان درگیریهای اخیر گروه داعش در عراق نیز اتفاق افتاد و براساس فتوای رهبران آن زنان براحتی مورد سوء استفاده های جنسی این وحوش قرار می گرفتند. در تشکیلات مجاهدین نیز این عمل زشت و قبیح نهادینه شده است و با فتوای رجوی زنان به اجبار از شوهرانشان طلاق داده شده و به عقد او در می آیند. بدین ترتیب باید گفت برداشت های افراطی ، ارجاعی و غیر واقعی از اسلام و جهاد در راه خدا و سوء استفاده جنسی از زنان تحت عنوانی "نکاح جهادی" در گروه های تروریستی داعش و " محرومیت ایدئولوژیکی " در تشکیلات مجاهدین نقطه مشترک مواضع سیاسی و دینی این گروه هاست ، اما آنچه واضح است وظیفه اصلی آنها ، ترویج خشنونت ، ترور و ایجاد ترس در جامعه برای بدست گرفتن حاکمیت و نابودی نسل بشر است.

در اقدامی دیگر و بدنیال وقایع ۱۹ فروردین سال ۸۹ در قرارگاه اشرف و به کشته دادن ۳۶ تن از اعضای مجاهدین در درگیری با نیووهای عراقی توسط رهبران مجاهدین، تعدادی از قانونگذاران پارلمان اروپا از جناح های مختلف طی بیانیه ای خواستار محکمه ۵۰ تن از توریست های گروه مجاهدین در کمپ اشرف در عراق به اتهام «جنایت علیه بشریت» شدند.

علاوه بر این به گزارش آسوشیتدپرس ، روز جمعه (هفتم مهر ۹۱) یکی از مقامهای ارشد وزارت خارجه آمریکا هم در مصاحبه با خبرنگاران گفت : «به باور واشنگتن ، مجاهدین خلق گروهی نیست که به عنوان یک نیروی اپوزیسیون قادر به اشاعه ارزش‌های دموکراتیک در ایران باشد.»

همچنین هیئت ویژه سازمان ملل برای همیاری در عراق با همکاری دفتر کمیساريای عالی پناهندگان و حقوق بشر سازمان ملل در گزارشی در سال ۲۰۱۳ (۱۳۹۲) برای اولین بار و به روشنی بر ساختار دیکتاتوری تشکیلات فرقه رجوی تأکید کرد. در گزارش یونامی تأکید شده است مجاهدین که یک ساختار سلسه مراتبی و اتووریتر دارند ، محدودیت های سختی روی حقوق ساکنان اعمال می کنند: « مثل حق آزادی رفت و آمد در داخل کمپ و حق ترک کردن ارگانیزاسیون و حق ارتباط آزاد محدودیت ارتباط با اعضای خانواده - حتی در رابطه با خانواده هایی که با هم در کمپ لیرتی ساکن هستند - دسترسی به ارتباطات عمومی و پایه ای و دسترسی به مراقبت های پزشکی و درمان.»

و اخیراً نیز در تاریخ ۱۳۹۳/۴/۵ خبرگزاری آسوشیتدپرس به نقل از «رومن نادال» سخنگوی وزارت خارجه فرانسه که در جمیع خبرنگاران صحبت می کرد، گفت: «ایدئولوژی خشونتآمیز و غیردموکراتیک این گروه تاکنون توسط چندین



خلق عمل کنند. باید توجه داشته باشیم مجاهدین خلق نیز روش‌های وحشیانه‌ای برای اقدامات تروریستی خود استفاده می‌کند. البته علت اینکه تا کنون این گروه توانسته است در غرب جایگاهی داشته باشد، پولهایی است که آنها به سیاستمداران و مقامات کشورهای غربی می‌دهند و اصطلاحاً آنها را می‌خرند.

وی افزود: آنها برای مثال در آمریکا کنفرانس برگزار می‌کنند و پولهای کلانی به شخصیت‌ها و مقامات اطلاعاتی و غیره می‌دهند تا برای آنها سخنرانی کنند. البته باید توجه داشت پولهایی که آنها برای این سخنرانیها می‌دهند هنگفت است و از پول مالیات مردم آمریکا تامین می‌شود. در واقع به این ترتیب پول مالیات مردم آمریکا به جیب برخی از مقامات فاسد این کشور می‌رود. در سال ۲۰۱۲ سیمور هرش که روزنامه نگار و محقق معروفی است به این نتیجه رسید MEK در واقع شاخه‌ای از فرماندهی مشترک عملیات ویژه آمریکا بوده است که به نوعی می‌توان آن را تروریسم دولتی اطلاق کرد. در واقع حمایت گروهی از سیاستمداران و مقامات سابق آمریکایی به ویژه از جناح نومحافظه کار از این گروه بود که باعث شد نام آن از فهرست تروریستها خارج شود. در شرایط هرج و مرج و بحرانی فعلی در خاورمیانه حامیان مجاهدین از جمله فرانسه به این نتیجه رسیده اند که دیگر نمی‌توانند از این گروه حمایت کنند. به علت اینکه فرانسوها اولاند رئیس جمهور فرانسه بسیار نامحبوب است و نمی‌خواهد شبکه‌ای تروریستی را در داخل کشورش پناه داده باشد، به همین علت ترجیح می‌دهد موضعی تند در قبال این گروه اتخاذ کند. آنچه در ماههای آینده در سوریه و عراق اتفاق می‌افتد، پیامد آن در نهایت به آمریکا و اروپا و کشورهای غربی باز خواهد گشت. بنابراین سیاست مداخله و ترویج تروریسم قطعاً پیامدی جدی برای حامیان این سیاست دارد. چنین سیاستی بسیار کوتاه بینانه است.

## مورد آمریکایی: گروه تروریستی مجاهدین همانند گروه داعش است

کانون هابیلیان، دوشنبه ۹ تیر ۱۳۹۳

بول مالیات مردم آمریکا به جیب برخی از مقامات فاسد این کشور می‌رود. به گزارش هابیلیان به نقل از شبکه تلویزیونی پرس تی وی، "بستر گرفتگین تاریلی" در گفتگو با این شبکه درباره فعالیتهای گروه تروریستی مجاهدین در فرانسه و انتقاد دولت فرانسه از آن گفت: در سال ۱۹۸۶ که بمیگذاریهای زیادی در حومه پاریس انجام می‌شد، ژاک شیراک رئیس جمهور وقت فرانسه مجاهدین خلق MEK را بیرون کرد. اما این گروه بارها تلاش کرد دوباره به فرانسه بازگردد. در سال ۲۰۰۳ بار دیگر "نیکلا سارکوزی" که در آن زمان وزیر کشور بود و قرار بود نخست وزیر فرانسه شود تلاش کرد این گروه را دوباره از فرانسه بیرون کند. اما در سال ۲۰۰۹ اتحادیه اروپا از فرانسه خواست با این گروه خوش رفتاری کند. شاید بدترین اتفاق این بود که "هیلاری کلیتون" وزیر خارجه وقت آمریکا در سپتامبر ۲۰۱۲ نام "مجاهدین خلق" را از فهرست گروههای تروریستی خارج کرد. علت اینکه فرانسه این کار را اکنون انجام می‌دهد باید به داعش و تحولات سوریه و عراق مرتبط باشد. گروهی نظیر داعش از سیاری جهات شبیه گروه تروریستی مجاهدین است. حتی این دیدگاه در میان رهبران MEK وجود دارد که می‌گویند ما نیز باید در بحران سوریه و عراق مداخله کنیم در غیر این صورت نمی‌توانیم از غریبهایا و متحدان آنها پول دریافت کنیم. بنابراین آنها تلاش می‌کنند علیه سوریه کاری انجام دهند که هدف اصلی آن اقدام علیه ایران است. اگر حمله به موزه یهودیان را در بروکسل در نظر بگیرید که از بسیاری جهات به داعش نسبت داده شده است، احتمالاً این اتفاق مقامات فرانسوی را چنان نگران کرده است که تصمیم گرفته اند علیه مجاهدین



تمامی همکاران از صمیم قلب تقاضا می کنم که در پاسخ هایشان به اصرار و دعوت مکرر گروه مجاهدین خلق نهایت احتیاط را به خرج دهید. اعضای پارلمان فرانسه می دانم که اینها امکانات و ارتباط قوی و بسیار زیادی در فرانسه دارند ولی این نکات به هیچ وجه نماد جایگاه آنها در ایران نیست.“

در همین حال ”ژاک میارد“ عضو دیگر کمیسیون امور خارجه ضمن تأیید سخنان ”فیلیپ کوشيه“، افزود: ”ما باید مراقب باشیم. مجاهدین خلق خشن بوده و از همین رو کاملاً در ایران بی اعتبار هستند.“

خانم ”الیزابت گیگو“ رئیس کمیسیون امور خارجه مجلس ملی فرانسه نیز به شدت توصیه کرد تا از این سازمان دوری شود.

در همین حال ”الن مارسوند“ از دیگر اعضای کمیسیون هم موافقت خود را با ضرورت دوری جستن از فرقه رجوی را عنوان کرد. وی در جریان گفتگو با دیگر اعضاء کمیسیون گفت: ”من هم با این صحبت ها کاملاً هم نظر هستم.“

سالیان است که اعضاء جدا شده از فرقه رجوی مستمرآ جنایات و نقض وحشتناک حقوق بشر توسط فرقه رجوی نسبت به اعضاء هم چنین خط مشی قهر آمیز و خشونت طلب فرقه افشا گری می کنند و در این رابطه همواره توسط مریم قجر و هم چنین سایت های رنگارنگ آنها مورد بدترین دشنام هاو فحاشی ها و هم چنین تهدید به قتل می شوند. اما علیرغم همه این تهدید ها و مارک زدن های دروغین افراد جدا شده با قیمت و بهاء سنتگینی مروع تهدید ها و تهمت های ناجوانمردانه این فرقه نشده اند و در تمام دنیا دست از افشا گری نزده اند و در راستای همین



**محکومیت مجاهدین خلق (فرقه رجوی) توسط وزارت خارجه و کمیسیون خارجه مجلس فرانسه**

**غفور فتاحیان، یاران ایران، پاریس، ۱۵ تیرماه ۱۳۹۳**

فرقه رجوی با چمع آوری تعدادی افراد معلوم الحال و اتباع کشورهای افریقایی و عربی و افغانی در نمایش به اصطلاح ویلپیت متحمل یک رسوایی شده است.

از طرف دیگر وزارت خارجه فرانسه با انتقاد شدید از این فرقه جنایتکار این فرقه را دارای تفکرات غیر دموکراتیک و خشن خواند و منکر هر گونه ارتباطی با این فرقه شده است و مطرح کرد که :

«ایدئولوژی خشونتآمیز و غیردموکراتیک این گروه تاکنون توسط چندین سازمان حقوق بشری افشا شده ، از جمله سازمان عفو بین الملل که اقدامات فرقه ای و خودداری این گروه از محکوم کردن رسمی خشونت را گزارش کرده است».

از سویی دیگر مجلس ملی فرانسه ، ”فیلیپ کوشيه“ از اعضاء کمیسیون امور خارجه عنوان کرد: ”از



خودش خراب شده و اورا به عقب پرتاب کرده است. و همان چیزی را هم که داشته باخته است.

این همان منطق رجوی در اتحاد استراتژیک با صدام حسین بود که سرنوشت خود را با آن گره زد و ارتش خصوصی صدام که تا دندان مسلح بود به یک باره خلع سلاح شد و دود شد و به هوا رفت.

قلعه اشرف که نقطه اتکا رجوی برای به اصطلاح خودش پرش به داخل ایران بود. دود شد و به هوا رفت و... اکنون هم به شعر و سرود و باحیله و نینگ مدعی هزار اشرف است آن هم در اروپا و از طرفی رجوی خائن با ناجوانمردی اعتراض زندانیان بند ۳۵۰ را هم به بنام اشرف ۳۵۰ در اوین نام گذاری کرد و می خواهد با این اقدام کثیف اش تعدادی دیگر از زندانیان دربند را به کشتن بدهد و از خون آنها ارتزاق کند.

ما خواهان این هستیم با توجه به اقدامات کثیف و خشونت طلب هم سو بودن فرقه رجوی با گروه داعش و هم چنین تروریست های سوری و.... تمام دفاتر و لانه های فساد انها در اروپا و امریکا جمع اوری و تعطیل شود و سران جناتیکار این فرقه محکمه شوند.

ما عنوان اعضاء جدا شده حاضریم در محاکم بین المللی شهادت داده و با سند و مدرک جنایت های مریم قجر و همسر فراری اش را افشاء نمائیم.

غفورفتاھیان

انجمن یاران ایران - پاریس

تلاش هاست که ماهیت کثیف این فرقه بیش از پیش برای تمام دولت مردان و پارلمان های اروپایی روشن شده است. موضع گیری اخیر وزارت خارجه فرانسه و هم چنین کمیسون خارجی مجلس ملی این کشور منکر هر گونه رابطه با این فرقه شدند و اعمال خشونت امیز آن را را محکوم کردند.

ما خواهان اقدام عملی دولت مردان فرانسه هستیم که به قاطعیت هر چه بیشتر این فرقه جنایتکار را محکوم کرده و لانه فساد و جاسوسی و مرکز فرماندهی این فرقه در اور را بسته و مریم قجر را که عامل اصلی تمام اقدامات خشونت بار در عراق و سوریه و هم چنین مبلغ اصلی خشونت است را از خاک فرانسه اخراج کنند.

مریم قجر در خیمه شب بازی اخیرش با پرویی تمام اذعان به دخالت در عراق و سوریه کرد که این البته ناشی از ایدئولوژی خشونت بار این فرقه است و به زعم خودش می خواهد از این آب گل آلود ماهی بگیرد و چند صباحی بیشتر اسیران فرقه را در کمپ لیبرتی بیشتر نگه دارد. چون مریم قجر می داند که هر اسیری که از چنبره تشکیلاتش خارج شود و چشم اش به دنیای ازاد باز شود دیگر هیچ گاه در فرقه نخواهد ماند.

زیرا تا کنون هزاران نفر در طی این سالیان از این فرقه جدا شده اند. و این همان ترسی است که همواره سرکردگان فرقه از آن خواب راحت ندارند و تمام سرمایه گذاری انها در حال حاضر روی گروههای تروریستی در عراق و سوریه است که در این شکاف با منطق "از این ستون به آن ستون" شاید امدادهای غیبی به سراغ سران این گروهک بیاید و انها از این مهلکه جان سالم بدر بینند.

اما سی و چند سال گذشته بخوبی اثبات کرده است که استراتژیش شکافزی رجوی اخوش بر سر



شبکه تلویزیونی فاکس نیوز که بازتاب دهنده مواضع تندروهای حزب جمهوریخواه آمریکا است، هفته گذشته گفت و گوی خبرنگار خود با قجر عضدانلو را پخش کرد.

وی در این گفت و گو، در چارچوب تکرار ادعاهای ضد ایرانی رژیم صهیونیستی گفت: پیام می دهیم که به ایران اعتماد نکنید!

قجر عضدانلو در ادامه این گفت و گو با تکرار مواضع بنیامین نتانیاهو، اظهار کرد: مذاکره با ایران بی فایده است و نمی توان به جمهوری اسلامی اعتماد کرد. روند مذاکرات هسته ای نمی تواند از ساخت بمب توسط ایران جلوگیری کند.

### عناصر سازمان جنایتکار خلق در شهر موصل مبارزه می کنند سایت المراقب

پنجشنبه ۵ تیر ۱۳۹۳

برخی منابع آگاه از وجود ۱۲۰ تن از عناصر سازمان جنایتکار خلق در شهر موصل خبر دادند که در کنار داعش عليه ارتش عراق مبارزه می کنند. این در حالی است که وزارت خارجه ترکیه از اعضای کنسولگری خود خواست تا شهر موصل را "ترک نکنند؛ چرا که گروهک "داعش" دشمن ترکیه به حساب نمی آید. همچنین ۱۲۰ تن از عناصر سازمان جنایتکار خلق در کنار داعش و باقی مانده های رژیم سرنگون شده صدام در موصل، عليه ارتش عراق مبارزه می کنند. این منابع تکید کردن که عناصر سازمان خلق در مبارزات خود دوشادوشن داعش عليه ارتش عراق می جنگند و لباس های رسمی خود را به تن دارند.



### دشمنان دیروز !!! دوستان و شرکای امروز

سند نگین: جیات و ملکه کرووسی پایان ترویریستی در ایران - ۴۰۱ - ولین - از اسما

**مجاهدین خلق (رجوی) و نتانیاهو:**  
مذاکرات هسته ای با ایران را ادامه ندهید

ایران دیدبان ، ۱۴ تیرماه ۱۳۹۳

همزمان با ادامه فشارهای بی نتیجه رژیم صهیونیستی علیه روند مذاکرات هسته ای ایران و ۵ + ۱ که به مرحله پیش نویس توافق نهایی رسیده است، گروه مجاهدین نیز دیدگاههای ضدایرانی تل آویو را در باره این مذاکرات تکرار کرد.

گروه مجاهدین پس از اجرای برنامه اخراج بازمانده عناصر خود از عراق، افسای اسناد همکاری این گروه با صدام در جنگ علیه ایران، کشتار کردهای عراقی و همچنین انجام برنامه های رژیم صهیونیستی شامل عملیات ترویریستی و جاسوسی در ایران، همگام با این رژیم فعالیت خود علیه مذاکرات هسته ای تهران و ۱ + ۵ را تشدید کرده است.

به گزارش ایننا، مریم قجر عضدانلو (رجوی) سرکرده گروه ترویریستی مجاهدین با ابراز خشم از برگزاری چندین دور مذاکرات هسته ای با ایران که توسط طرفین مثبت ارزیابی شده است، روند کنونی را غیرقابل اعتماد خوانده است.



نمایش اعتراضی مجاهدین آورده می شوند. هر سال برای حصول به این جمعیت کثیر، دستگاه تبلیغاتی مجاهدین خلق به نحو مؤثری وارد عمل می شود.

هر چند که رهبر خودخوانده‌ی شورای ملی مقاومت و کیش شخصیتی رجوی، این گردهمایی را "بازتاب اراده‌ی ایرانیان از همه‌ی افشار اجتماع" می خواند، گزارش‌های مستند، تصاویر و شواهد شرکت کنندگان در گردهمایی ویلپنت همواره خلاف گفته‌ی رهبری را ثابت کرده است.

این گزارش‌های افشاگرانه دیگر به شکل سنتی در آمده است که هر سال چند روزی پس از برگزاری نمایش ویلپنت نمود می کند، شاید ماجراهی دانشجویان لهستانی را به یاد بیاورید که در سال ۲۰۰۸ نتوانستند در مقابل وسوسه‌های سفر به پاریس فقط به ازای پرداخت ۶ یورو، خودداری کنند!

یا به خاطر آورید روزنوشت‌های یک دانشجوی قرقیز که در سایت رادیو فردا منتشر شد.

آلینا که در پراگ پایتخت چک تحصیل می کرد سرگذشت سفر یک روزه‌ی خود به پایتخت فرانسه و شرکت در گردهمایی ایرانیان را ساعت به ساعت نوشت.

وی از صفات اتوبوس‌های دانشجویانی گفت که از کشورهای مختلف به ویژه شرق اروپا به مراسم "ایرانیان" آورده شده بودند.



### گردهمایی بزرگ یا لشکرکشی عظیم

دروع

مزدا پارسی، انجمن نجات، مرکز فارس،

۱۳۹۳ تیرماه

سازمان مجاهدین خلق هر ساله در سالگرد آغاز مبارزه‌ی خشونت آمیزش علیه دولت و ملت ایران، گردهمایی به اصطلاح بزرگ ایرانیان را با صرف مخارج هنگفت برگزار می کند. در این گردهمایی سالانه درویلپنت پاریس افراد زیادی از اقصی نقاط جهان گرد هم آورده می شوند.

این به اصطلاح شرکت کنندگان شامل سیاستمداران بازنشسته‌ی پول گرفته، سیاهان آفریقایی فقیر و دانشجویان اروپایی و ... می شوند.

شرکت کنندگان عادی که مشتاق سفر به پایتخت رمانیک و جذاب فرانسه هستند با اتوبوس به



دست کم یکصد سیاستمدار با پروازهای درجه یک و هتل های لوکس پذیرایی شدند - می توانست هزینه ای فرایند انتقال افرادی شود که توسط فرقه ای رجوی در شرایط بحرانی و وخیم عراق در قرارگاه لیبرتی ، تحت کنترل سیستم مغزشوی فرقه ، گروگان گرفته شده اند.

فهرست بلند بالای سیاستمداران سرشناس غربی - بیشترشان از اعضای احزاب جنگ طلب و افراطی - که در نمایش بالماسکه ای ویلپنت سخنرانی کردند نشان می دهد که این به اصطلاح گردهمایی بیش از هر چیز لشکرکشی دروغ و ریاست که هرگز در پی دستیابی به تمایلات ملت ایران نیست.

این مراسم تنها حرکت تبلیغاتی پرهزینه ای است تا مریم رجوی شهرت جعلی خود در میان ایرانی ها را به نمایش بگذارد.

اما گردهمایی امسال با واکنش بسیار وخیم تری روبرو شد؛ واکنش فوری و شدیدالحن دولت فرانسه.

سخنگوی وزارت امور خارجه ای فرانسه رومن نادال از مجاهدین خلق به دلیل رفتارهای خشونت آمیز و غیردموکراتیکش به شدت انتقاد کرد.

به گزارش اسوشیتدپرس ، نادال "ماهیت فرقه ای" و "لشکرکشی عظیم" ان برای "اعمال نفوذ و دروغ پردازی" مجاهدین را افشا کرد.

همچنین سخنگوی وزارت امور خارجه ای فرانسه اعلام کرد که دولت فرانسه هیچ ارتباطی با مجاهدین خلق که "مشهور به توسل به خشونت است" ندارد.

به گفته ای وی این گروه به شکل سازمانی هیچ موجودیت قانونی در فرانسه ندارد.

نادال هشدار داد که دولت فرانسه در مقابله با "کمپین دروغ پردازی و لابی گری شدید مجاهدین" بیشترین مراقبت را انجام خواهد داد.

در حالی که در مراسم ویلپنت مریم رجوی از ایالات متحده و سازمان ملل برای به گفته ای او نقص عملکردشان در انتقال ساکنان کمپ لیبرتی به کشورهای سوم انتقاد می کند، هزینه های برگزاری چنین مراسم پر زرق و برقی - که در آن



اعلام جنگ مسلحه در سی خرداد سال ۱۳۶۰ و شکست سنگین مجاهدین در این عرصه، راهی جز خروج از کشور بر رهبری و بدنی این گروه باقی نگذاشت.

در سال ۱۳۶۳ براساس خط سازمانی از کشور خارج وارد ترکیه شد و در دانشگاه Yildiz شهر استانبول در رشته مهندسی مکانیک مشغول به تحصیل شد.

یک سال بعد، به دستور سازمان ترک تحصیل کرد و در سال ۱۳۶۴ به همراه جمعی دیگر به کشور عراق انتقال یافت و پس از گذراندن آموزش‌های مقدماتی در قسمت حفاظت یکی از پایگاه‌های مرزی سازمانی به نام «تدین» مشغول به کار شد.

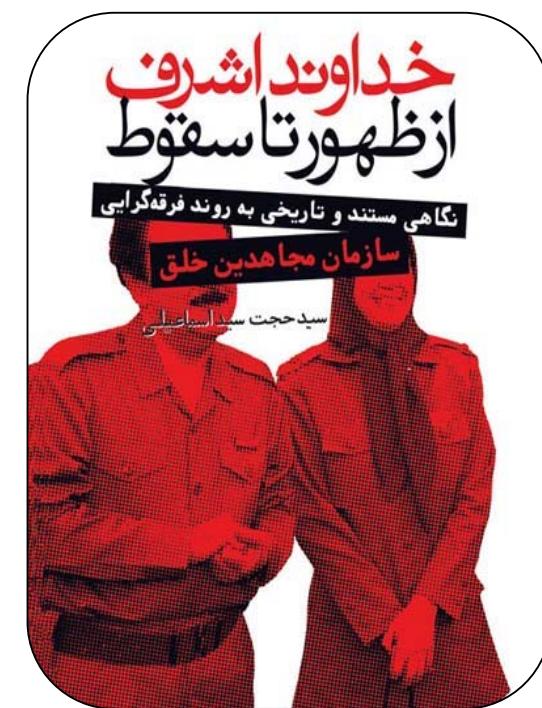
در اوایل سال ۱۳۶۵ وارد واحدهای نظامی سازمان شد و در زمستان سال ۶۵ و با اخراج سازمان از مناطق تحت کنترل گروههای گُرد عراقی در استان سلیمانیه، همراه سایر نیروهای سازمان به قرارگاه اشرف در نزدیک شهر خالص منتقل و در پشتیبانی یکی از تیپ‌های رزمی سازماندهی شد.

در سال ۱۳۶۷ به تیپ ۱۱، تحت فرماندهی حسین ربوی بانام مستعار فضلی منتقل و مسئولیت دفتر وی را عهده دار شد.

آقای سید اسماعیلی در جریان عملیات فروع جاویدان (عملیات مرصاد) در سوم مرداد ماه ۱۳۶۷ جزء تیم حفاظت فرماندهی این تیپ بود.

بعد از شکست عملیات فروع جاویدان و بازگشت نیروها به قرارگاه اشرف، به ستاد اطلاعات مرکزی سازمان در قرارگاه بدیع‌زادگان مقر اختصاصی مسعود رجوی در شمال بغداد انتقال یافت.

پس از چند ماه برای انجام یک مأموریت سازمانی به کشور ترکیه رفت و پس از سه سال اقامت در این کشور مجدداً به عراق بازگشت.



کتاب «خداوند اشرف؛ از ظهور تا سقوط» خاطرات عضو شورای مرکزی مجاهدین منتشر شد

**خبرگزاری فارس ، پنجشنبه ۵ تیر ۱۳۹۳**

مرکز اسناد انقلاب اسلامی کتاب «خداوند اشرف، از ظهور تا سقوط» نگاهی مستند و تاریخی به روند فرقه گرایی سازمان مجاهدین خلق نوشته سیدحجت سید اسماعیلی عضو پیشین شورای مرکزی مجاهدین را منتشر کرد.

به گزارش خبرگزاری فارس، مؤسسه فرهنگی هنری و انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی، این مرکز در جدیدترین اثر خود کتاب «خداوند اشرف، از ظهور تا سقوط» نگاهی مستند و تاریخی به روند فرقه گرایی سازمان مجاهدین خلق نوشته سید حجت سید اسماعیلی عضو پیشین شورای مرکزی مجاهدین را چاپ کرد.

سیدحجت سید اسماعیلی متولد ۱۳۳۹، عضو پیشین شورای مرکزی مجاهدین، در سال ۱۳۵۷ با پیروزی انقلاب به تشکیلات مجاهدین پیوست.



بنابراین ، شناخت عمیق و علمی بنیادهای فکری و مناسبات تشکیلاتی مجاهدین که در این کتاب بدان پرداخته شده است ، می‌تواند نقش بسزایی در افشاری ماهیت و حقیقت درون تشکیلاتی مجاهدین داشته باشد.

چون در دنیای امروزی ، فرقه‌ها تهدید جدی برای سلامتی جامعه به ویژه برای نسل جوان و تحصیلکرده کشورها به حساب می‌آیند.

که باید با افشاگری روابط حاکم بر مناسبات آنها و آگاهی دادن از تمامی راههای ممکن ، جامعه را از تهدید فرقه گرایی مصون ساخت.

این کتاب با الهام از کتاب معروف «فرقه‌ها در میان ما» اثر به جامانده از مارگارت تالر سینگر ، روانشناس کلینیکی و استاد ممتاز وقت دانشگاه کالیفرنیا در برکلی آمریکا در کادر مناسبات فرقه‌ای حاکم بر تشکیلات مجاهدین با ساختار فرقه‌ای آن نوشته شده است.

**واقعیت این است که  
سازمان مجاهدین ،  
منحصر به فردترین  
فرقه سیاسی - مذهبی  
یک هزار سال گذشته  
ایران است که  
توانسته بیشترین  
ضایعات انسانی را در  
ابعاد یک فاجعه بر  
جامعه ما تحمیل کند.**

در سال ۱۳۷۲ مجدداً برای انجام یک مأموریت دیگر به کشور اردن اعزام شد.

سید اسماعیلی به مدت ۱۶ سال از عمر تشکیلاتی خود را در ستاد اطلاعات مرکزی و بخش اطلاعات تعدادی از ارتش‌های سازمان گذراند.

وی در جریان حمله آمریکا به عراق که منجر به سقوط صدام حسین در فروردین سال ۱۳۸۲ شد ، به عنوان افسر اطلاعات در ستاد صدیقه حسینی از اعضای ارشد شورای رهبری سازمان که فرماندهی عملیاتی قرارگاه علوی با دو ارتش سوم و یازدهم را به عهده داشت ، فعالیت می‌کرد.

سید اسماعیلی طی مدتی که در سازمان حضور داشت ، از نزدیک شاهد انواع فشارهای روحی و روانی بر اعضای مجاهدین و فعالیت‌های جاسوسی این گروه به نفع کشور عراق در زمان حکومت صدام حسین ، نیروهای آمریکایی مستقر در خاک عراق بعد از سقوط صدام حسین و برخی دیگر از کشورهای منطقه و غرب بوده است.

بدین ترتیب وی پس از ۲۷ سال همکاری حرفه‌ای با تشکیلات مجاهدین با پی بردن به مناسبات فرقه‌ای و ضدمردمی این گروه ، تشکیلات مجاهدین را ترک و در اسفند سال ۱۳۸۳ به ایران بازگشت.

این کتاب حاصل چهار سال کار مستمر در ثبت مشاهدات و مستندات درخصوص بررسی علل و چگونگی بروز و تشریح ساختارهای فرقه‌ای و فعالیت‌های جاسوسی در تشکیلات مجاهدین است.

واقعیت این است که سازمان مجاهدین ، منحصر به فردترین فرقه سیاسی - مذهبی یک هزار سال گذشته ایران است که توانسته بیشترین ضایعات انسانی را در ابعاد یک فاجعه بر جامعه ما تحمیل کند.



داعش. علاوی در گفتگو با صدای آمریکا در خصوص مسئولیت اصلی درگیری های اخیر در عراق گفته است :

“ ما در باره سه مساله حرف می زنیم. نخست ، رشد و قدرت گرفتن القاعده و گروههای وابسته به آن ، مانند داعش ، که یک سازمان تروریستی بدنام است و خسارات زیادی به همه جا وارد کرده است. آنها اخیراً در عراق فعال شدند ، زیرا چشم انداز سیاسی کشور ، کاملاً مطلوب هدفهای نیروهای افراطی بوده است.”

علاوی در رابطه با راه حل برondon رفت از وضعیت موجود با تأکید بر اولویت دفع تحرکات تروریستی داعش از طریق بسیج مردم گفته است :

“ راه حل های زیادی هست . نخست تشکیل یک دولت وحدت ملی ، یک دولت بازسازی ؛ دولتی که عملاً دو وظیفه دارد.

یکی آشتی فوری در کشور ، که تروریست ها را کنار بگذارد و مردم را علیه داعش و القاعده بسیج کند.

دوم ، ایجاد نهادهای غیرفرقه ای ، که سرانجام به دولتی معتبر متحول شود که تمام عراقی ها را بدون توجه به مذهب ، کیش و زمینه قومی در بر بگیرد. این ملت ، ترکیبات مختلفی دارد ؛ باید شرایطی بوجود آید که مردم عراق بتوانند با هماهنگی با یکدیگر زندگی کنند. به علت مسائل فرقه ای است که ما در چنین وضعیتی قرار داریم.

علاوی همچنین در خصوص نقش آمریکا در بحران اخیر به ناکارآمدی آمریکا اشاره و نقش شورای امنیت و سازمان ملل در این رابطه را مورد تأکید قرار داده و ضمن لزوم کمک رسانی از سوی شورای امنیت به دفع فتنه داعش گفته است:



**علاوی از حامیان مجاهدین از داعش به عنوان یک گروه بدنام تروریستی یاد کرد**  
**بهار ایرانی ، مجاهدین دبليو اس ،**  
**۱۳۹۳ تيرماه**

مجاهدین از این پس باید بین حمایت از داعش و داشتن حمایت امثال علاوی در عراق و حامیان آمریکایی خود یکی را انتخاب کنند.

در حالی که هفته هاست سازمان مجاهدین اصرار دارد وقایع و بحران اخیر عراق را به کنش های اعتراضی بخش های سنی نشین عراق منتصب کند و نقش داعش را کم رنگ و بعضاً مشروعيت ببخشد ، اظهارات علاوی نخست وزیر برکنار شده عراق و از حامیان جدی سازمان مجاهدین خلق در گفتگو با صدای آمریکا آشکارا هم بر نقش محوری داعش در درگیری های داخلی و هم بر تروریست بودن و بد نام بودن این گروه تأکید دارد.

نشانه های آشکاری از جمله همین موضع علاوی حاکی از دور شدن تدریجی مجاهدین از موضع گذشته در حمایت از گروه تروریستی داعش دارد. پیش از بررسی این موضوع مروری داریم بر موضع علاوی در گفتگو با صدای آمریکا در خصوص وضعیت کنونی عراق و بخصوص گروه تروریستی



برای اولین بار از داعش به عنوان یک گروه سنی افراطی یاد کرده و نوشته است :

”در حالی که گروه افراطی سنی « دولت اسلامی عراق و شام » با حمله به مناطق شمالی عراق و تصرف بخش‌هایی از آن، دولت و نیروهای امنیتی عراق را به چالش کشیده است، ... ”

این که تغییر موضع مجاهدین درباره داعش ادامه خواهد داشت یا تابع متغیرها خواهد بود، باید به انتظار تحولات روزهای اخیر نشست.

اما نکته حائز اهمیت این که مجاهدین از این پس باید بین حمایت از داعش و داشتن حمایت امثال علاوی در عراق و حامیان آمریکایی خود یکی را انتخاب کنند.

هر چند کم رنگ شدن حمایت مجاهدین از داعش را نمی‌توان بی ارتباط با گسیل ناو بوش به خلیج فارس و حضور نیروهای پیاده آمریکا در عراق و همچنین قول مساعدت آمریکا در کمک به دفع حملات داعش ارزیابی کرد.

پایگاه خبری السومریه نیوز در این رابطه خبر داده : وزارت دفاع آمریکا پنتاقون در حال ادامه دادن به سیاست تجمیع نیرو و تجهیزات نظامی در اطراف عراق برای انجام حملات نظامی ضد نیروهای تروریستی داعش در این کشور است.

”امروز آمریکا دیگر قدرتی در عراق ندارد که کاری انجام دهد. اما شورای امنیت (سازمان ملل متحد) باید کاری کند که از مداخله کشورهای همسایه، از جمله ایران، جلوگیری شود و دولت عراق را برای متوقف کردن اقدامات فرقه‌ای، که به کشور صدمه زده است، تحت فشار بگذارد؛ و البته به عراق برای اقدام علیه القاعده کمک کند؛ نه با اعزام سرباز، بلکه، در حالی که نیروهای امنیتی عراق رو به تحلیل می‌روند، با دادن اطلاعات کمک کنند تا بتوانند با القاعده و داعش مبارزه کنند.“

به نظر می‌رسد مواضع امثال علاوی در قبال داعش که از حامیان جدی مجاهدین محسوب می‌شود، عرصه را هر چه بیشتر بر علیه سازمان مجاهدین تنگ تر خواهد کرد.

همچنانکه مواضع مجاهدین در قبال داعش تا اینجا به اصطکاک هر چند بیرونی نشده مواضع حامیان آمریکایی مجاهدین منجر شده است.

واقعیت این است که مواضع امثال علاوی در عراق و همچنین حامیان آمریکایی مجاهدین در خصوص داعش مواضع اولیه مجاهدین در قبال این گروه را به شدت تحت تاثیر قرار داده و طی روزهای آینده با وضوح و شفافیت بیشتری شاهد تغییر موضع مجاهدین خواهیم بود.

مجاهدین با درک این مهم و برای اولین بار عقب نشینی رندانه و متظاهرانه ای از مواضع روزهای اخیر در قبال داعش به نمایش گذاشته اند. مجاهدینی که به کمتر از صفت انقلابیون به تروریست‌های داعش رضایت نمی‌دادند و سیمای آزادی را یکپارچه به انکاس فتح و پیروزی‌های داعش اختصاص داده، برای اولین بار در مقدمه خبر گفتگوی علاوی با صدای آمریکا هر چند از اطلاق تروریست به این گروه خودداری نموده، اما



شرق و غرب عالم از جمله اقداماتی است که رجوی انجام می‌دهد. بسیاری از این اقدامات توسط شرکتها و اشخاص متخصص در این کار انجام می‌شود. به عنوان مثال به گفته رسانه‌های خارجی کمپانی آمریکای-انگلیسی براون لوید جیمز که از سال ۲۰۱۱ به استخدام مجاهدین درآمد، تنها بابت ارائه مشاوره در ۲ ماه مه و ژوئن در همان سال ۴۰ هزار دلار دریافت کرد.

این شرکت طی مدت قرارداد خود با مجاهدین وظیفه لابی‌گری و استخدام سخنران و راه اندازی گردهمایی با پرداخت مبالغ هنگفت و پول توجیی و وعده اقامت نفرات را بر عهده داشت.

از سوی دیگر آژانسی آمریکایی به نام هری واکر فعالیتی مشابه کمپانی براون لوید جیمز را برای مجاهدین انجام می‌دهد و مشغول برگزاری جلسات و سخنرانیها در هتل‌های مجلل و استخدام سخنران است.

هوارد دین (رئیس پیشین حزب دموکرات) نیز اعتراف کرده است که وی توسط این شرکت برای سخنرانی در جلسات فرقه رجوی استخدام شده و دستمزد می‌گیرد.

یک مقام وزارت خارجه آمریکا که به قراردادهای سخنرانی آشناست، در گفتگو با پایگاه اینترنتی کریستین ساینس مانیتور اذعان کرد، معمولاً به هر سخنران برای هر سخنرانی ۲۰ دقیقه‌ای ۲۰ هزار دلار از پیش پرداخت کرده است و علاوه بر هزینه سفر، ۲۵ هزار دلار هم بعد از اتمام سخنرانی به حساب سخنران واریز می‌کند.

این شرکت‌ها، همچنین جمع کردن و استخدام سیاهی لشکر برای گردهمایی‌های این فرقه را بر عهده دارند. لذا بسیاری از افرادی که در این مراسم شرکت می‌کنند صرفاً بخاطر گشت و گذار رایگان



رجوی در ویلپنت به دنبال چیست؟

جميل بصام ، انجمن نجات مرکز تهران ،  
۱۳۹۳ تیرماه

سالهای است که در سالگرد ۳۰ خرداد ، به مناسبت مهمترین اتفاقات و سرفصل‌هایی که در فرقه رجوی افتاده مراسمی برگزار می‌شود. برگزاری این مراسم چند سالی است که بصورت متمرکز در پاریس و در سالان ویلپنت انجام می‌گیرد. بعد از برگزاری هر بار این مراسم مطالب زیادی از نحوه گردآمدن سخنرانان و مخاطبین و هزینه‌هایی که روی دست رجوی می‌گذارد نوشته می‌شود. واقعیت این است اعداد و ارقام صرف شده قابل تردید می‌باشد. در واقع به نوعی برای گروهی که زیر ذره‌بین تمام سازمانهای اطلاعاتی قرار دارد و بطور خاص روی نحوه گردآوری درآمدهایش حساسیت وجود دارد این اعداد و ارقام قبل از محتوای سخنرانیها خود نشان‌دهنده وضعیت کنونی فرقه رجوی و به نوعی قدرت‌ستج آن شده است.

خرید سناتورهای آمریکایی ، پرداخت هزینه تردد سیاهی لشکر، آوردن انواع و اقسام سیاستمدار و کارشناس و چهره سیاسی ، هنری ، اجتماعی از



لیبرتی دلهره و ترس از موشکباران در قلب ساکنان کاشته شد. آمریکا در زمینه حفاظت فیزیکی و یا انتقال امن هیچ اقدام جدی انجام نداد. ۱۶ نفر کشته، ۲۰ نفر فوتی و تنها ۳۲۰ نفر انتقال به کشور ثالث، حاصل کار بود. در میان کشته‌شدگان تعداد زیادی از کادرهای برجسته به چشم می‌خوردند.

شرايط ساکنان لیبرتی نسبت به چند ماه قبل نه تنها بهتر نشده بلکه بسا خطرناک‌تر گردیده است. از طرف دیگر عراق نیز دچار تنش و تهدیدهای فراوان سیاسی و اجتماعی داخلی و خارجی شده است. وقایع ماههای اخیر در عراق و سوریه و سایر کشورهای منطقه، نشان از بروز حوادثی خارج از تحملهای سیاسی و پیش‌بینی‌های معمول می‌کند. هرگونه موضعگیری اشتیاه در قبال این رویدادها منجر به پرداخت سنگینی از جانب گروه‌ها، سازمان‌ها و حتی دولتهای منطقه خواهد شد.

در سال ۲۰۰۳ که آمریکا عراق را اشغال کرد شرايط خاصی برای مجاهدين فراهم آمد، رجوی نقطه اتكای صدام – بعضی خود را به نیروی مهاجم و غالب آمریکا تغییر داد و ضمن گرفتن تضمین‌هایی حاضر به خلع سلاح شد. صدام سرنگون شد. اکنون عراق، ۱۱ سال پس از آن تاریخ مجدداً در آستانه تغییراتی اگرچه نه به آن شدت و حدت شده است. شاید سرفصلی جدید در راه باشد. باید دید رجوی از این مرحله چگونه گذر می‌کند. و برگزاری ویلنیت ورای تمام زرق و برق و میلیونها دلایی که خرجش شد، چه مسیری را برای مجاهدين رقم خواهد زد. آیا نشانه‌ای از عبرت و درس‌گیری از وقایع گذشته اشرف و لیبرتی در او دیده خواهد شد و یا همچنان بی‌کله و ترمز، بیا بیان و با دست خالی، هل من مبارز گویان، به سوی سرنوشتی محظوظ خواهد شافت.

جمیل بصام

در نقاط مختلف فرانسه بویژه پاریس به این مراسم می‌آیند.

در مراسم ویلنیت سال گذشته بعضی رسانه‌ها از قول شرکت کنندگان خارجی گزارش دادند که برخی از آنها راجع به موضوع برنامه بی‌خبر بوده‌اند.

همچنین به گفته رسانه‌ها بسیاری از مقامات بازنیسته آمریکایی در مقاطع زمانی مختلف به دریافت مقادیر هنگفت پول در مقابل حمایت از رجوی اذعان کرده‌اند. افرادی مانند اد رنل، فرماندار پیشین پنسیلوانیا بیش از ۱۵۰ هزار دلار در ازای سخنرانی دریافت کرده است. از افراد دیگری که حاضر به دریافت پول شده‌اند می‌توان به هوارد دین، فرماندار پیشین ورمونت و رودی جولیانی شهردار پیشین نیویورک اشاره کرد.

جان بولتون نماینده سابق آمریکا در سازمان ملل، مایکل موکازی دادستان کل آمریکا (۲۰۰۷-۲۰۰۹)، تام ریچ وزیر امنیت آمریکا، هوارد دین رئیس پیشین حزب دموکرات، اندره کارد وزیر پیشین ترابری و رئیس دفتر بوش، لوئیس فری رئیس افبی‌ای در سالهای (۱۹۹۳-۲۰۰۱)، بیل ریچاردسون وزیر بازرسانی دولت اوباما، لی همیلتون رئیس سابق کمیته روابط خارجی کنگره آمریکا، رودی جولیانی شهردار سابق نیویورک، مایکل ریس (مشاور میت رامنی) و بسیاری دیگر از مقامات آمریکایی در ازای حمایت از فرقه رجوی و حضور در اینگونه مراسم مبالغ هنگفتی دریافت کرده‌اند.

اما سال گذشته علیرغم این همه هزینه و سخنرانی، شاید سخت‌ترین سال حضور فرقه رجوی در خارج از کشور به شمار می‌رفت. در این یکسال رجوی مجبور به تخلیه ساکنان مستقر در اشرف به زندان لیبرتی گردید. اشرف و لیبرتی در این مدت هر کدام سه بار مورد حمله قرار گرفتند طوریکه در



با پایه شناس به بهانه این اقبال عمومی گفت و گو کردیم و او هم نکات جالبی را با «وطن امروز» در میان گذاشت.

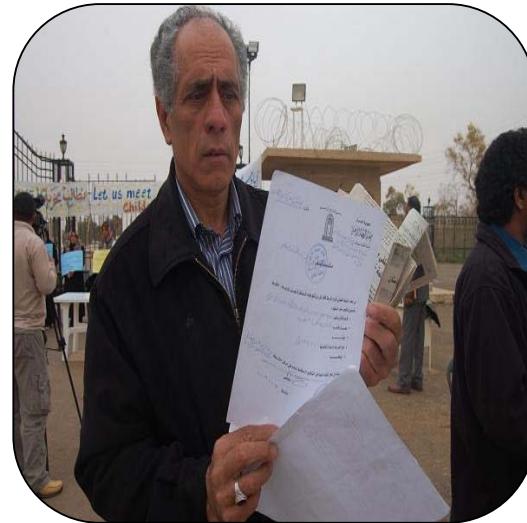
در ابتدا می خواهم سوالی کلیشه ای پرسم که اگر لازم نبود نمی پرسیدم و آن هم چگونگی رسیدن به چنین فیلمی با این ایده بسیار درخشنان است.

بنده از بهار ۱۳۸۲ در گیر موضوع کمپ اشرف هستم و جسته گریخته مطالعاتی دارم. همان سال ها قرار بود مجموعه ای کار کنم راجع به این موضوع که منتظر شدم اما سال ۸۷ یا ۸۸ بود که به من کاری درباره سازمان مجاهدین خلق داده شد. من به طور جدی این کار را شروع کردم که منتهی شد به فیلم مستندی به نام ملاقات پشت دیوار اشرف که سال ۸۹ از تلویزیون پخش شد.

من حین تولید این اثر با آقای مصطفی محمدی (پدر سمیه) آشنا شدم و در واقع از همان زمان تصمیم گرفتم مستندی درباره زندگی ایشان بسازم اما سفارش دهنده ای در کار نبود تا اینکه در سال ۱۳۹۰ سیما فیلم سفارش داد راجع به پادگان اشرف یا اردوگاه اشرف فیلمی ساخته شود.

آقای شکیبانیا هم وقتی موضوع تولید چنین مضمونی را با من در میان گذاشت ، من گفتم الان راجع به اشرف ذهنیتی ندارم اما راجع به آقای مصطفی محمدی و آنچه بر او گذشته است می خواهم مستندی کار کنم. موافقت های اولیه حاصل شد و کارم را شروع کردم و ۲ سالی طول کشید تا ساخت این اثر تمام شود.

یکی از نکات جذاب گفت و گو با افراد بریده از گروهک تروریستی رجوی است. با افرادی مثل بتول سلطانی و سایر



### عصاره رفتارهای فرقه ای

**گفت و گوی «وطن امروز» با مرتضی پایه شناس ، کارگردان «فیلم ناتمامی برای دخترم سمیه»**

گروه فرهنگ و هنر: در ایام برگزاری جام جهانی و دقیقاً شب هایی که رویکرد رسانه ملی کاملاً فوتbalی است ، در فضای مجازی و از طریق پیامک اخباری منتشر می شد که مستند «فیلم ناتمامی برای دخترم سمیه» را حتماً تماشا کنید.

پخش مستند مورد اشاره از ساعت ۲۳:۴۵ پنجشنبه گذشته آغاز شد اما با استقبال گسترده ای مواجه شد و روز جمعه در ساعت ۱۵ بار دیگر بازپخش شد و پس از تکرار آن در فضای مجازی در سایت های مختلفی قرار داده شد و آمار دانلود آن روند صعودی گرفت.

مرتضی پایه شناس ، کارگردان فیلم را با مستندی تحت عنوان «ملاقات پشت دیوار اشرف» می شناسیم که سال ۱۳۸۹ از رسانه ملی پخش شد.



رجوی ، بساط عیش و نوش و طربی که به راه انداخته است و بتول سلطانی بدان اشاره می کند. سابق براین برای پخش چنین مطالبی در تلویزیون مشکلات عدیده ای وجود داشت ، چرا این خط قرمز در دهه ۶۰ و ۷۰ شکسته نشد؟ چون باید در مقطع دهه ۶۰ و ۷۰ نشان می دادیم چه اتفاقی در اشرف می افتد که اقدام به جذب نیرو نکنند.

بله ، قطعاً باید همینطور می بود. وقتی درباره این موضوعات صحبت می کنید و بخشی از پازل های پنهان را نشان نمی دهید ، بر اثر همین نگفتن ها بسیاری از حقایق موجب آسیب می شود.

ضمن اینکه بیننده احساس می کند مسائلی را از او مخفی می کنید و به سازنده و رسانه ای که اثر از آن پخش می شود ، اعتماد نمی کند.

من زمانی که مراحل تولید این فیلم را پشت سر می گذاشتم هیچ وقت هیچ فیلتری را برای خودم متصور نبودم.

زمانی که نسخه های اولیه را به دوستانم نشان دادم خیلی ها گفتند عمرآ این فیلم از تلویزیون پخش شود.

به من می گفتند صحنه هایی در این مستند وجود دارد که صد سال دیگر هم بگذرد این صحنه ها از تلویزیون پخش نمی شود.

من هم به این دوستان گفتم مهم نیست که این صحنه ها از تلویزیون پخش می شود یا نمی شود ، من کارم را باید بدان شکلی که درست است ، انجام بدhem و خدا را شکر این بینایی را مدیران فرهیخته سازمان صدا و سیما داشتند که در

کسانی که از این سازمان جدا شدند ، چگونه آشنا شدید؟ چون اعترافات سلطانی عطف نگرانی های پدر سمهی است.

شما وقتی وارد ساخت موضوعی خاص در حیطه مستند می شوید ، می توانید تحقیق کنید و سوژه های مرتبط را از طریق جستجوی اینترنتی پیدا کنید. بخشی را هم می توانید از طریق تحقیق میدانی و طی یک فرآیند هرمسی آشنایی با افراد پیدا کنید. با بتول سلطانی در اینترنت آشنا شدم و اطلاعاتی از ایشان به دست آوردم.

**چند نفر از اعضای گروهک تروریستی منافقین هستند که می خواهند اطلاعاتی را از فعالیت های این سازمان افشا کنند؟**

همه کسانی که از سازمان مجاهدین جدا شده اند دل پری دارند. سازمان یک رویه منفی دارد که هر کدام از جداسده ها علیه موجودیت و کنش های سازمان صحبت کنند برچسب مزدوری به آنها اطلاق می شود و زندگی را بر آنان بسیار سخت می کنند.

بنابراین بخشی از آنها امتناع می کنند علیه سازمان صحبت کنند که با این انگ ها و برچسب ها مواجه نشوند اما برخی این مشقت را به جان می خرند و همه اتهامات را می پذیرند اما فعالیت های سیاه سازمان را افشا می کنند. همه در دل دارند.

در این مستند مسائلی مطرح می شود که از خط قرمز های سازمان صدا و سیماست. مثلًا افشاگری درباره تجاوز به محمد ، برهنه کردن زنان در حضور



مجاهدین خلق یعنی اینکه من مستقیماً درباره این سازمان تحقیق می کنم و مستند می سازم. من خیلی اصرار دارم از عبارت سازمان استفاده کنیم تا کسانی که کارهای زشتی را انجام داده اند مسئولیت آن را خودشان برعهده بگیرند.

برای همین من اصرار دارم در گفت و گوها یم از همین لفظ استفاده کنم. آن موقع (۸۹ - ۸۸) اجازه پخش این عنوان را از تلویزیون نمی دادند و نمی شد از تلویزیون گفت سازمان مجاهدین خلق. حتماً باید می گفتی گروهک تروریستی منافقین. من خیلی جنگیدم این عبارت از تلویزیون پخش شود. پس از آن دیدم موجی آغاز شده است که حتی شبکه خبر در مجموعه هایی که تولید کرده است همین عبارت را به کار می برد. راجع به این سازمان حرف های بسیاری می توان زد و مستند و فیلم های بیشماری می توان ساخت.

### چرا الان؟

همین نیازی که در نسل من وجود دارد که درباره این سازمان فیلم بسازیم، نیازی است که در جامعه وجود دارد. سازمان مجاهدین در طول این سال ها ساكت ننشسته و دارند خودشان را پرزنت می کنند و با ابزارهای رسانه های که در اختیار دارند کار خودشان را پیش می بند. سکوتی که سال ها درباره این سازمان وجود داشت و حرفى راجع به آن زده نمی شد اشتباهی بود که سبب شد آنها کارشان را بیشتر پیش ببرند.

این گروهک یا به تعبیر شما سازمان یک شبکه تلویزیونی دارد، برنامه های تولیدی آنچنانی پخش می کند و در دوران کنونی به تهییر خودش دست زده است بابت جنایت های درون سازمانی و ترور ۱۷۲۰۰ هزار شهید. آیا گفتن حقایق گذشته و پیدا کردن ریشه های این گروهک ضاله ضرورتی دارد؟

واقع در یافتن این کار باید بدون رتوش و به همین شکل پخش شود.

**توقع من به عنوان مخاطب از شما که ملاقات پشت دیوار اشرف را ساختید و آخرین اثرتان در حد یک شاهکار است، این است که از لفظ سازمان مجاهدین خلق در اثرتان استفاده نکنید و همان عبارت گروهک تروریستی منافقین را به کار می بردید.**

سر فیلم «ملاقات پشت دیوار های اشرف» یکی از بزرگ ترین چالش های اساسی که داشتم این بود که در فیلمم بگوییم سازمان مجاهدین خلق. چرا؟ شما می دانید سال ها لفظی که در کشور ما به کار می رفت گروهک تروریستی منافقین است که خود شما هم از این لفظ استفاده می کنید و به کار بردن این لفظ باعث می شود کسی کار زشتی را انجام داده و شما به اشتباه شخص دیگری را صدا می زنید. این سازمان تلاش کرده که در دنیا به نام سازمان مجاهدین خلق شناخته شود و من فکر می کنم مسئولیت کارهایشان را باید خودشان برعهده بگیرند. ما با نسلی مواجه هستیم که ماهیت این سازمان را نمی شناسند. ضمن اینکه سازمان بارها و بارها شکل عوض کرده است، یک بار شورای ملی مقاومت را درست کرد، یک بار ارتش آزادی را تشکیل دادند تا با این ترفندها هویت خودشان را در اذهان عمومی دنیا پنهان کنند.

ما هم با اسم بردن گروهک منافقین به آنها کمک می کنیم که اصل موضوع در پشت این نام گم شود. من برای اینکه تکلیفم را روشن کنم که درباره کدام مجموعه دارم مستند می سازم خیلی اصرار داشتم که عنوان «سازمان مجاهدین خلق» را استفاده کنم. وقتی شما می گویید سازمان



کمک می کند در مستند وجود دارد. مسیر مستند را از دریچه رابطه انسانی جست وجو کردیم. اصلاً قصد داشتیم روی روابط خانوادگی مصطفی محمدی متمرکز باشیم. رنج خانواده محمدی آنقدر گسترده بود که نسخه اولیه فیلم ما ۵ ساعت و نیم بود. سختی بسیاری کشیدم ۵ ساعت و نیم را به ۹۰ دقیقه رساندم البته خیلی از دوستان هم در انتخاب سکانس ها کمک کردند تا به بهترین شکل ممکن عرضه شود.

در آن بخش هایی که محمد اعتراف می کند در اشرف به او تجاوز شده ، پدر محمد چگونه حاضر شد چنین راش هایی از گفته های محمد را در اختیار شما قرار دهد. حالابگذریم که سازمان صدا و سیما با شهامتی مثال زدنی آن را نمایش داد. حداقل برای خانواده آقای محمدی یک جور خودزنی بود. برای پدر محمد که اینقدر فرزندانش را دوست دارد مثل این بود که آنها را سر بربرد.

بینید! بزرگ ترین فدایکاری را خانواده آقای محمدی کردند. من کمتر کسی را سراغ دارم که جرأت اعتراف به اشتباه را داشته باشد. مشخصاً بر سر استفاده از این راش ها چندین بار خودم با آقای محمدی صحبت کردم و به آقای محمدی گفتم ، هر چند این راش ها سند شرافت محمد است اما خیلی ها هستند که در این شرایط قرار می گیرند و به این شرایط تن می دهن. من قصه محمد را در فیلم خلاصه کردم. محمد به شدت سختی کشید تا از سازمان جدا شود. آنقدر هم جدا شدن وی آسان نبود. پدر و خانواده اش بیرون از سازمان تلاش می کردند و محمد در داخل خود کمپ اشرف اذیت می شد تا این جدایی ممکن شود و من این مسائل را عرض کردم چون به هر حال این فیلم دانلود می شود و محمد اذیت خواهد شد. آقای محمدی

این سازمان از طریق رسانه هایی که در اختیار دارد سعی می کند ویترین جذابی برای عموم داشته باشد. ممکن است حرف های قشنگی بزند ، همانطور که در شبکه ای که در اختیار دارند از آزادی و دموکراسی دم می زند اما در درون سازمان خبری از این چیزها نیست و در واقع آثاری از این دست مثل مستند سمیه درون این سازمان را هویتا می کند.

**به ساخت مستندی درباره ترورهای این سازمان فکر نکردید؟ اصلاحرا راجع به این سازمان این همه دغدغه دارید؟**

سوژه راجع به سازمان زیاد است ، من در اثر قبلی خود «ملاقات پشت دیوار اشرف» بحث ترور ها را پیش کشیدم. چرا من راجع به سازمان مجاهدین خلق کار می کنم؟ چون به نظرم عصاره و چکیده اغلب رفتارهای فرقه ای داخل این سازمان هست و شما می توانید از رفتارهای هرمی گلدکوئیست تا رفتار شخصی را که کعبه ای در بیان می سازد و جماعتی را به طوف می برد و اعلام می کند من امام زمان هستم ، در این سازمان جست وجو کنید ، تمام رفتارهای فرقه ای را داخل سازمان مجاهدین خلق می توان جست وجو کرد.

**چرا از میان این همه سوژه ، روایت مصطفی محمدی و ۲ فرزندش را انتخاب کردید؟**

این سوژه خیلی انسانی است. روایت سمیه و خانواده اش کمی به نظرم فراتر از مساله سازمان مجاهدین خلق است. به نظرم هیچ سازمانی ، هیچ فردی ، هیچ وزارت خانه ای ، هیچ نهادی اجازه ندارد یک خانواده را از هم بپاشد و رابطه یک دختر را با خانواده اش قطع کند. این فیلم این مساله محکوم می کند و هر آن چیزی که به این مساله



داشته باشد تا جایی که ممکن است تماس خود را با ایران محدود کنند. یکی از مشکلاتی که برای ساخت این فیلم وجود داشت این بود که آقای محمدی نمی خواست اینگ بخورد. در همان ابتدای آشنایی از ارتباط با من که در ایران زندگی می کنم و نماینده جمهوری اسلامی بودم، پرهیز می کرد اما به تدریج که بیشتر با هم آشنا شدیم و در واقع صحنه های فیلم جلو می رفت، متوجه شد که این فیلم با یک شعار صرف و آن چیزی که در رسانه ها مرسوم است پخش شود، تفاوت بسیار زیادی دارد، چون یک مسأله انسانی مطرح است و ما دغدغه های انسانی داریم، بنابراین همکاری ما با یکدیگر جدی تر شد.

### پس از برچیده شدن اشرف خبر دارید سمیه کجاست؟

سمیه هم مثل دیگر اعضای سازمان پس از تعطیل شدن اشرف به اردوگاهی نزدیک بغداد با نام لیرتری منتقل شد که در واقع داخل نura نزدیک بغداد است. این پایگاه کوچک تر از اشرف است که سازمان ملل اینها را آنجا منتقل کرده است تا تعیین تکلیف شوند.

### سمیه باز هم نمی خواهد پیش پدروش بازگردد؟

هیچ کس نمی داند واقعاً سمیه چه می خواهد. آنچه واضح است این است که سمیه در فضای بسته ای زندگی می کند.

### هنوز هم چنین است؟

بله، همچنان اعضا را در فضای بسته ای نگاه داشته اند و آنها از اخبار چیزی نمی دانند و از دنیای بیرون مطلع نیستند و آنچه را فرماندهان به

به من گفت: مرتضی! من، محمد و همه خانواده اگر سر این فیلم آسیب هم بینیم باز هم با کمال میل این کار را انجام خواهیم داد چرا که نگران سمية و سمية ها در داخل اشرف و سمية هایی که ممکن است روزی به این سازمان و سازمان های مشابه ملحق شوند، هستیم.

من آقای محمدی و خانواده اش را ستایش می کنم به خاطر اینکه شجاعت داشتند این کار را بکنند. من به ایشان گفتم و اصرار کردم این اتفاق نیافتد، چون مستندسازان مسئول سوزه ها و عواملی هستند که پس از پخش آثارشان ممکن است آسیب بینند. من حتی قبل از گرفتن فیلم اعترافات محمد درباره تجاوز به وی در اردوگاه اشرف گفتم که ممکن است این فیلم پخش گسترده شود و برای خانواده شما یک فشار عظیم روانی را به وجود آورد.

### احتمال این مسأله وجود دارد که خانواده محمدی آسیب هم بینند؟

قطعاً خانواده محمدی در کانادا بابت انتشار این فیلم تحت فشار قرار خواهد گرفت و ایشان به همراه خانواده این فشارها را پذیرفتند برای روشنگری، تا حرفشان را بزنند. خانواده آقای محمدی هر خطی را که تصور کنید پذیرفت با همه مشکلات و تبعات. مشخص است که آقای محمدی از همه داشته های حداقلی خودش برای پخش این مستند، گذشت.

### خانواده محمدی قصد مراجعت به ایران ندارد؟

کسانی که از سازمان جدا می شوند بلا فاصله برچسب مزدوری به آنها الصاق می شود و در واقع تلاش می کنند برای اینکه حرفشان در دنیا برد



مجاهدین خلق مستند می سازیم. حدس من این است که رغبت نکردن فیلم را مطرح کنند.

**با اینکه یک مستند سیاسی ساختید اما دائماً روی این مسأله تأکید دارید که بگویید من سیاسی نیستم ، چرا از موضع گیری سیاسی رسماً پرهیز می کنید؟ می ترسید؟**

من اثرم را طوری ساختم و تنظیم کردم که در دنیا برد داشته باشد. جهانیان با قضاوت ما درباره سازمان مشکل دارند و به آثار و قضاوت های ما انگ دروغ می زند. من پیام خودم را در فیلم طوری تنظیم کردم که در دنیا برد داشته باشد. من نگاهم به آن سوی مرزهای ایران است. برد اثر در آن سوی مرزها برایم مهم تر است ، دلم می خواهد این مستند تاثیرش را در فرامرزها بگذارد ، بنابراین نمی خواهم وارد ماجرای شوم که روی متن فیلم تاثیر بگذارد. تأکیدم بر دوری از مسائل سیاسی به همین دلیل است. من خیلی از دوستان حرفه ای مستندساز و داوران جشنواره فجر شنیدم که گفتد این فیلم ، مستند خوبی است اما کارگردانی به خصوصی ندارد. من این حرف را بارها و بارها شنیدم و شاید مهم ترین دلیلی که به این فیلم در فجر جایزه ندادند ، همین سخن باشد. البته چنین نگرشی اصلاً ناراحت کننده نیست ، اتفاقاً خوشحال هم شدم ، چون من تمام تلاشم در طول دو ، سه سالی که روی این فیلم کار می کردم این بود که دست کارگردان در فیلم دیده نشود. چون به نظرم ، کارگردان مستند باید به عمق واقعه برود و ردپای کارگردانی اش برجسته نباشد.

روزنامه وطن امروز ، شماره ۱۳۵۴ به تاریخ ۹۳/۴/۱۰ ، صفحه ۹ (فرهنگ و هنر)

آنها می گویند باور می کنند. بنابراین تصمیم گیری در چنین شرایطی ، اصلاً تصمیم نیست. حرف خانواده محمدی خیلی ساده است. خانواده ایشان می گوید مگر نمی گویید سمهیه می خواهد آنجا بماند ، شما سمهیه را با نظارت یک سازمان بین المللی ، سازمان حقوق بشر و هر جایی که شما قبول دارید ۳ روز در اختیار ما بگذارید تا به خانه اش مراجعه کند ، اگر بعد از ۳ روز سمهیه گفت می خواهم بازگردم داخل سازمان ، ما خودمان با هزینه شخصی سمهیه را تحويل سازمان می دهیم. به نظرم خواسته بسیار ساده و منطقی است. اگر این اتفاق بیفتد کسی اعتراضی هم نخواهد داشت.

**با پخش بخش هایی که مصطفی محمدی به مرگ فرزندانش تهدید می شود تا برای آزادی مریم رجوی خودسوزی کند نکته اصلی این است که امکان دارد جان سمهیه هم اکنون در معرض تهدید باشد؟**

من بعید می دانم بعد از این اتفاقات اتفاقی برای سمهیه بیفتد. الان سمهیه برای سازمان تبدیل به یک سمبول شده است ، سازمان حاضر است هر کسی را از دست بدهد اما سمهیه را از دست ندهد و بعید می دانم بخواهد چنین کاری را انجام دهد.

**برخورد جشنواره ای با این فیلم چگونه بود ، چرا در فجر زیاد تحويل گرفته نشد؟**

فیلم در بخش سیاسی جشنواره مستند سینما حقیقت بود و جایزه بهترین فیلم را در این جشنواره گرفت. در جشنواره فیلم فجر بود که جایزه ای به فیلم تعلق نگرفت. قبول کنید موضوع بسیار حساسی است ، با اینکه تمام تلاش خود را به کار بستم تا یک شرایط انسانی را مطرح کنم اما به هر حال کلیت فیلم سیاسی است. چون داریم راجع به



منبع آگاه نیز در مورد هزینه‌های گروهک تروریستی منافقین، در گفتگو با واشنگتن تایمز گفته است که «رندل» برای حضور و سخنرانی در هر گردهمایی ۲۰ هزار دلار دریافت می‌کند.

بنابر گزارش نیویورک تایمز، خود ادوارد رندل نیز اعتراف کرده است که مبلغی بین ۱۵۰ هزار دلار تا ۱۶۰ هزار دلار برای سخنرانی و شرکت در همایش‌های منافقین دریافت کرده است.

اما او در یک استدلال کرده که این پول توسط هواداران منافقین به او تقدیم شده! و بطور مستقیم از گروهک تروریستی منافقین پول دریافت نکرده است.

وی مدعی شده است پرداخت‌های مربوط به سخنرانی‌هایش از پول‌های جمع شده از شهروندان آمریکایی و ایرانیان ساکن در اروپا که معتقد به حذف این گروهک از فهرست سازمان‌های تروریستی آمریکا هستند، پرداخت می‌شود.

عذر بدر از گناه رندل به قدری مضحك است که هر شنونده‌ای را به خنده و می‌دارد. حمایت از یک گروهک تروریستی هیچ فرقی با شرکت در جنایات آن ندارد چه این حمایت لفظی باشد و چه با دریافت پول و رشوه!

حتی اگر امثال رندل، بولتون و منندز و دیگرانی که با دریافت رشوه و پول از منافقین از اعمال تروریستی آنها حمایت کرده اند، به دلیل حاکم بودن مناسبات ناسالم سیاسی بر جهان امروز به کسی پاسخگو نباشد بدون شک آنها در پیشگاه افکار عمومی جهانی محاکوم هستند.

**ادوارد رندل (Edward Rendell)** فرماندار پیشین: از منافقین (فرقه رجوی) پول گرفته ام

مجاهدین دات کام ، ۱۳۹۳ تیرماه ۱۱

ادوارد رندل (Edward Rendell) فرماندار پیشین ایالت پنسیلوانیای آمریکا یک یهودی صهیونیست حامی رژیم اشغالگر قدس و از طرفداران و حامیان سرسخت منافقین است.

به گزارش "مجاهدین"، اسم او در همه برنامه‌های مربوط به گروهک منافقین و از جمله شوی ویلت همواره تکرار می‌شود و پای ثابت نمایش‌های گروهک است.

تلاش برای تشدید تحریم‌ها علیه ایران، تلاش برای پیچیده شدن برنامه هسته‌ای ایران، تحریک دولت آمریکا برای حمله به مراکز هسته‌ای ایران، حمایت از منافقین حاضر در عراق (کمپ لیبرتی) تنها بخشی از کارنامه کاری رندل در حمایت از منافقین است.

البته لازم به ذکر است اسم رندل به طور مرتب در پرونده‌های مربوط به اخذ رشوه‌های کلان از سوی منافقین نیز در خبرگزاریهای آمریکایی تکرار شده است.

نیویورک تایمز صراحةً در گزارش خود اذعان کرد رندل در قبال سخنرانی برای حذف گروهک تروریستی منافقین از فهرست گروهک‌های تروریستی آمریکا از این گروهک مبالغی را دریافت کرده است. بخش مبارزه با تروریسم وزارت خزانه داری آمریکا نیز بر دریافت رشوه از منافقین توسط رندل طی گزارشی صحه گذاشت.



یک مقام عالیرتبه‌ی امریکایی که نخواسته نامش  
فاش شود در مصاحبه‌ای با سی ان ان عنوان کرده  
است که: هم اکنون حوادث سوریه و عراق بحث  
غالب در مجمع ضد تروریسم می‌باشد.

این مقام آگاه می‌گوید که داعش هم اکنون بر  
عراق تمرکز شده است اما "نگرانی عمدۀ" این  
است که تمرکز خود را به سمت غرب متمايل کند  
یعنی شناسایی، استخدام و آموزش اشخاص غربی  
که هنگام بازگشت به وطن خود به افراد سخت و  
مبازین آموزش دیده افراطی تبدیل شده باشند.

دولت‌های اروپایی تخمین می‌زنند که لااقل ۱۴۰۰  
تن از شهروندان شان به عنوان جهادی‌های  
داعش می‌جنگند، اگرچه رقم واقعی فراتر از این  
می‌باشد - یک عضو پارلمان بریتانیا می‌گوید که  
۱۵۰۰ تن از شهروندان بریتانیایی در خدمت داعش  
مبازه می‌کنند حال آن که رقم رسمی اعلام شده  
۵۰ نفر می‌باشد.

مقامات فرانسوی معتقدند که ۸۰۰ نفر با مليت  
فرانسوی به سوریه سفر کرده‌اند و یا قصدش را  
دارند.

تحلیلگران همچنین معتقدند که در حدود  
۱۰۰ امریکایی تبار هم در این مسیر هستند.

از طرف دیگر گروه تروریستی مجاهدین خلق که  
پیش از این هم فعالانه گروه‌های افراطی در  
منطقه و یا هرجای دیگر را پشتیبانی کرده است، با  
بی‌اعتنتای تمام نسبت به اخبار شوک آور و تصاویر  
هولناک از قتل‌های دسته جمعی و جنایات  
وحشیانه‌ی داعش بر علیه مردم عادی، وقیحانه  
از گروه حمایت می‌کند. حامیان گروه در پارلمان  
اروپا اعمال داعش را کم اهمیت نشان می‌دهند.



**آویختن به تروریست‌های داعش،  
تلاش نافرجام مجاهدین خلق  
(فرقه رجوی) برای بقا**

**الف. سپینود، انجمن نجات، مرکز فارس،  
دوشنبه ۱۶ تیرماه ۱۳۹۳**

در پی حمله‌ی مرگبار یک جنگجوی داعشی - در  
زمان بازگشت از نبرد در سوریه، به موزه یهودیان  
در بروکسل در روز شنبه ۲۴ می (۳ خرداد ۱۳۹۳)  
که منجر به کشته شدن چهار تن گردید، اروپا  
عاقبت این حقیقت را پذیرفت که خشونت بیرون از  
مرزهایش متوقف نمی‌ماند.

دولت اسلامی عراق و شام موسوم به داعش،  
پیشرفت قابل ملاحظه‌ای در استخدام نیرو، جمع  
آوری سلاح و پول از منابع مختلف داشته است.  
این پیشرفت‌ها دولت‌های غربی را که زمانی این  
گروه را مسلح و بر علیه دولت‌های قانونی عراق و  
سوریه حمایت کردند، نگران کرده است.

گروه تروریستی داعش که اکنون ارتشی تروریستی  
تشکیل داده است به نظر می‌رسد قصد درگیر  
شنن با غرب را دارد.



بیافزاید و یا به نظر می‌رسد وی ممکن است برای سرکوب آماده شود.»

حمایت سازمان مجاهدین خلق و همکاری دوجانبه این گروه با گروه‌های افراطی در منطقه به نظر می‌رسد علاوه بر ماهیت تروریستی سازمان بر مبنای این حقیقت باشد که سازمان برای بقا خود را محتاج آشوب می‌بیند.

در حالی که عراق و سوریه شاهد ناآرامی و آشوب در خاکشان هستند، مجاهدین مشتاقانه از شورشیان و خرابکاران حمایت می‌کنند.

در مردادماه ۱۳۹۱، چند تن از اعضای مجاهدین که قصد ورود به خاک سوریه را داشتند توسط نیروهای دولت امنیتی سوریه بازداشت شدند. این افراد اعتراف کردند که این گروه در حال دادن آموزش‌های نظامی به تروریست‌های سوری در داخل خاک ترکیه می‌باشد.

بعد از سقوط صدام حسین مجاهدین فعالانه از عوامل حزب بعث و دیگر گروه‌های افراطی بر علیه دولت قانونی عراق که خواستار اخراج مجاهدین از خاک کشورشان بودند، پشتیبانی کردند.

به هر ترتیب، حمایت و خدمات دوجانبه‌ی سازمان با گروه‌های تروریستی و افراطی هیچ دستاورده‌ی برای مجاهدین به همراه نداشته است. جز این که ممکن است پایگاه چند ده ساله‌ی خود را در فرانسه از دست بدنه؛ همانگونه که در عراق از دست دادند.

آنها ادعا می‌کنند که حرکات خشونت آمیزی که در عراق رخ می‌دهد از سوی داعش نبوده و در واقع بخشی از "قیام مردمی" علیه حکومت نوری المالکی است.

تجهیزات نظامی و ماشین‌های زرهی سازمان مجاهدین بر اساس گزارش‌ها در اختیار عوامل گروه تروریستی داعش قرار گرفته است.

در تجمع سالانه مجاهدین در پاریس به مناسب گرامیداشت گذشته‌ی خشونت بارشان، مریم رجوی رئیس جمهور خودخوانده مجاهدین از پیشرفت‌های گروه داعش اظهار خشنودی می‌کند.

در همین زمان، سخنگوی وزارت امور خارجه‌ی فرانسه شدیداً گروه تروریستی مجاهدین را محکوم کرد و گفت: "فرانسه هیچ ارتباطی با سازمان مجاهدین خلق ایران که به خشونت متولّ می‌شود، ندارد."

دکتر وبستر گریفین تراپلی، نویسنده و تاریخ‌شناس از واشنگتن، در مصاحبه‌ای با پرس‌تی وی در مورد دلایل پشت پرده اقدام فرانسه در محکومیت مجاهدین می‌گوید: "... زمانی که گروهی مانند دولت اسلامی عراق و شام را که شباهت‌های زیادی به تروریست‌های مجاهدین خلق دارد شاهد هستید، حسی در این گروه (مجاهدین) وجود دارد که آن‌ها نیز باید در گیر شده و خودشان را نشان بدنه‌ی چون در غیر این صورت آن‌ها بودجه‌ای را که طبق روال دریافت می‌کنند دریافت نخواهند کرد."

تراپلی همچنین می‌گوید: "به نظر من فرانسوها اولاند رئیس جمهور فرانسه آن قدر منفور است که دیگر نمی‌خواهد موجی از ترور را به این



اروپای شرقی و بخش هایی از مناطق استقلال یافته شوروی سابق و... هستند.

علیرغم اینکه خبر را به مثابه شوخی ای تلقی کرده و در صحبت های دوستانه اعتنایی به آن نمی کردیم.

ولی وجه قرابت آن با داستان فرقه رجوی ، برایم تامل برانگیز است.

وجه قرابت گروه های تروریستی این است که فکر می کند از لوله تفگ هایشان می توانند توهم قدرت طلبی خود را مستولی کنند.

دربیغ از اینکه دوران این افکار گذشته است.

گفتم وجه قرابت ! بی اختیار با شنیدن خبر نقشه خلافت داعش به یاد عملیات فروغ جاویدان فرقه رجوی افتادم .

رجوی نیز برای خود بلند پردازیهایی داشت .

**سازماندهی نیروهايیش در عملیات فروغ (مرصاد) را به شرح زیر قرار داده بود :**

"محور اول به فرماندهی مهدی برعی ، ۳ تیپ تحت امر ، وظیفه تصرف شهرهای کرند و اسلام آباد را به عهده داشته است.

محور دوم به فرماندهی ابراهیم ذاکری با ۵ تیپ تحت امر ، وظیفه تصرف کرمانشاه



**توهم قدرت طلبی ، وجه قرابت رجوی و داعش**

**انجمن نجات مرکز تهران - حسینی -**

**۹۳ تیر**

چندی پیش خبری مبنی بر نقشه آتی سرزمین های تحت سلطه گروه تروریستی داعش در خبرگزاریها منعکس شد . که به قرار زیر است :

" به گزارش ایسنا به نوشته روزنامه دیلی میل ، این نقشه ها در چند روز گذشته در توییتر به اشتراک گذاشته شده اند .

این نقشه ها بخش هایی از آفریقا ، خاورمیانه و حتی اروپا را نشان می دهند که به رنگ مشکی هاشور خورده اند و نشان دهنده مناطقی هستند که داعش امیدوار است بخش هایی از کشور تحت حکومت اش شوند ." نقاط هاشور خورده شامل : ایران ، عراق ، کشورهای حوزه خلیج ، سوریه ، مغرب ، کشورهای مسلمان آفریقایی ، قسمتهایی از



و مثلاً می شنویم طی یک روز از موصل به جلوه‌ای در مرز خسروی رسیده است.

شاخص گروههای تروریستی این است که پایگاه اجتماعی ندارند.

ولی در عوض تا دلتان بخواهد توسط طرفهای شارژ شده است.

آن موقع رجوی با استقرار در خاک عراق و تحت سیطره صدام که دشمن مردم ایران بود، به عنوان ستون پنجم ایفای نقش کرد و البته با تجهیز سلاح و مهمات و جنگ افزار و قول پشتیبانی آتش به سمت خاک ایران روانه گشت.

حال هم داعش با افزونه‌هایی چون سلاح و مهمات و دلار و ادوات جدید تراپری به جان مردم عراق و سوریه افتاده است.

**وجه قربت گروه‌های تروریستی** این است که فکر می کنند از لوله تفنگ هایشان می توانند توهمندی خود را مستولی کنند. دریغ از اینکه دوران این افکار گذشته است.

را تا ساعت ۱۲ شب به عهده داشته است.

محور سوم به فرماندهی محمود مهدوی با ۲ تیپ تحت امر، وظیفه تصرف همدان را به عهده داشته است.

محور چهارم به فرماندهی مهدی افتخاری با ۲ تیپ تحت امر، وظیفه تسخیر و پاکسازی قزوین را به عهده داشته است.

محور پنجم به فرماندهی محمود عطایی، که ریاست ستاد فرماندهی کل را نیز بر عهده داشت و با معاونت مهدی ابریشمچی با ۱۳ تیپ تحت امر، مسئولیت اجرای مرحله نهایی عملیات یعنی تصرف تهران را داشته است.

(هر تیپ شامل ۱۰۰ الی ۱۵۰ نفر بود)

بلحاظ تاکتیکی، آن موقع رجوی می گفت: تاکتیک پرش شیر را اجرا خواهیم کرد.

به زبان ساده یعنی اینکه جاده آسفالت را صاف گرفته و با سرعت حرکت کنید.

که باز هم قربت جالبی با شیوه حرکت تیم‌های تروریستی داعش در عراق دارد.



بود، غافل از اینکه رهبران سازمان او را در آلمان شکار می کنند و به عراق می بردند.

مادر مجید گفت: بعد از سالیان، سال ۸۲ با پسرم در اشرف ملاقات کردم به او گفتم به ایران برگرد من همه مسائل تو را حل می کنم، و تمام زندگی ام را پایت می گذارم.

متاسفانه بعد از آن سال دیگر رهبران سازمان به هیچ خانواده ای اجازه ملاقات ندادند و سودای دیگری در سر داشتند، با عراقیها درگیر شدند که مجید در درگیری پاهاش را از دست می دهد.

نفرین بر مسعود و مریم این دو باعث همه مصیبتها هستند آنها در صدند بچه های ما را در عراق نابود کنند.

خانم بابائی که از این وقایع متأثر شده بود گفت: بعد از این ماجرا من دیگر حال و روزی درستی ندارم با خودم صحبت می کردم و می گفتم کاش که مجید به آلمان نمی رفت مثل برادرش در ایران دستگیر، و روانه زندان می شد حداقل سرگذشت او مثل برادرش رقم می خورد برادرش بعد از مدتی زندانی به زندگیش برگشت و در کنار ما رفاقتمندانه زندگی می کند.

وی در حالی که قرآن جلویش باز بود دستهایش را رو به آسمان گرفت و آرزو کرد و از خدا خواست تا قبل از مرگش یکبار دیگر فرزندش را در آغوش بگیرد، سپس رو به ما کرد و گفت: من منتظر خبرهای خوش از جانب شما هستم.

محمد رضا گلی



خانم بابائی: از خدا می خواهم تا قبل از مرگم یک بار دیگر پسرم را در آغوش بگیرم.

**محمد رضا گلی، انجمن نجات، مرکز  
مازندران، ۱۲ تیرماه ۱۳۹۳**

روز اول ماه مبارک رمضان با مادری به همراه یکی از دوستانم در قائم شهر دیدار داشتیم، مادر مجید محمدی گل افshan در حال قرائت قرآن بود که با دیدن ما بسیار خوشحال شد.

پای درد دل او نشستیم. وی در مورد پسرش مجید با ما صحبت کرد.

او ضمن بیان خاطرات زندگی پسرش بعد از انقلاب و رفتن وی به آلمان جهت ادامه تحصیل، گفت ماجراهی مجید از آنجا شروع شد، که وی در آلمان توسط یکی از افراد سازمان به عراق فرستاده شد.

وی اشاره کرد ما خانواده، خوشحال از این که فرزندمان به دنبال تحصیل رفته است و پدرش برای همین امر تعدادی کتاب برای مجید فرستاده



به سرنگونی می کنیم . در این فاز ، عملیاتها به اسم راهگشائی نام گرفت و وسعت آن نسبت به عملیاتهای سحر ، گسترش زیادی داشت و اکثر افراد درگیر آن بودند. وقتی که نتیجه نداد و عکس عمل کرد و ایران با هفتاد و هفت موشک قرارگاههای مرزی را کویید ، حالت یاس و پاسیو در تشکیلات حاکم شد. از طرفی ، دولت وقت عراق هم از ترس ایران ، مانع ادامه عملیات سازمان شد. رجوی برای اینکه توجیهی در نگه داشتن افراد داشته باشد ، در این مرحله بحث "طعمه" و خارجه گرایی ، نشست های معروف به "دیگ" قرارگاه باقرازاده را برگزار کرد و تمام سطوح سازمان را وارد آن نمود. این سری نشستها که با مسئولیت مسعود و مریم رجوی صورت می گرفت ، چه فشارهای روحی و روانی و جسمی که به نفرات وارد شد؟ چه کتف کاریها و رکیک ترین ناسزاها به سوژه انجام نمی گرفت؟ چه افرادی به علت سختی و فشار ناشی از این همه قساوت و بی رحمی مسئولین سازمان ، با بر تن مالیدن پیه طعمه و خارجه گرایی و خطر جانشان ، روانه زندان مخوف ابوغريب که نشدنده؟ و بعد یا سر به نیست شده و یا تحويل ایران داده شدند؟ بهانه رجوی این بود که اکثر افراد در "ج" جنسیت ، غرقند و هوای بورژایی و خارجه گرایی ، در سر دارند ، پس باید یا تمام عیار با انقلاب مریم باشند و خود را تراز آن کنند و یا به قول او از گردونه انسانیت خارجند و تکلیفسان با کرام الکتابین است. این بود که بحث غسل و تفتیش عقاید و لحظات جنسی افراد را به میان کشید و بعنوان یکی از بندهای انقلاب مریم ، مطرح کرد و هفتگی نفرات باید با گزارش مکتوب لحظات جنسی خود را نوشت و در جمع می خوانند و کاملاً مطیع و در چنگال اختاپوس قرن ، قرار گیرند و عین و ذهن و روحشان را به او بسپارند. هدف ، تربیت افرادی است که جنایتشان در حق انسانیت را الان به عینه در گروههای تندرو می بینیم و جنایات داعش و امثالهم را لمس می کنیم.

## خط ترور در داخله و خفقان و سرکوب در مناسبات

عبدالکریم ابراهیمی ، ۱۶ تیرماه ۹۳

به علت محدودیت ها روی اعضاء و فشارهای روحی و روانی برآمده از به اصطلاح انقلاب درونی مجاهدین ، نارضایتی ها و ناراحتی ها به اوج خود رسیده و حالت انفجاری به خود گرفته بود به حدی که افراد نمی توانستند همدمیگر همدمیگر را تحمل کنند. از این رو رجوی برای غلبه بر این وضعیت و فریب افراد ، دست به اقدامی زد تا موقتاً آتش خشم درون تشکیلات را خاموش کند و مدتی اعضا را سرگرم آن نماید. رجوی موجی راه انداخت به اسم عملیات داخله و سعی داشت تمام بدنی تشکیلات را به آن مشغول کند ، ابتدا قرارگاههای تاکتیکی مرزی درست کرد و تشکیلات را به تناسب سازماندهی و روانه قرارگاهها نمود. مرز مشترک ایران با عراق ، به سه منطقه شمالی با مسئولیت قرارگاههای ازلی و علوی و مناطق میانی ، با مسئولیت قرارگاه کوت و قرارگاه همایون در العماره و منطقه جنوبی با مسئولیت قرارگاه حیب ، در بصره تقسیم شد و مسئولیت تمام مراحل و طراحی ها در نهایت با تأیید مسعود و مریم رجوی صورت می گرفت و عامل اجرایی و کارها توسط خانم مهوش سپهری معروف به هند جگر خوار که جنایات بی حد و حساب به دست او در حق نفرات صورت می گرفت ، بود. نفوذ به داخله و ترور و آوردن نفر ، خط اصلی سازمان بود. بعد از یکسال ، رجوی یک توقف کوتاه به آن زد و تمام قرارگاههای تاکتیکی آماده و تقسیم بندی نیروئی و استقرار افراد در قرارگاهها انجام گرفت به صورتی که قرارگاه اشرف از نفرات تخلیه شد و فقط یکان زنان آنجا باقی ماندند. بعد از نشست جمع بندی ، گفته شد دامنه عملیاتها را گسترش خواهیم داد و ایران را مجبور به تن دادن



تماس گرفت، باز همان آش بود و همان کاسه و نیمه شب زمستان و در آن سوز و سرمای کویر، با بی رحمی ما را در بیابان ول کردند. در حالی که می دیدند یک کودک خردسال هم همراه ماست. "آقای ناطقی با غمی که در چهره اش بود ادامه داد: "فرقه رجوی سیستم های مخوف کنترلی دارد، وقتی با هزار زحمت و بعد از اینکه در سرما به نیروهای آمریکایی مراجعه کردیم و گفتیم که بخارط این کودک خردسال جایی به ما بدھید تا شب را صبح کنیم، دل سرباز آمریکایی سوخت و ما را بداخل راه داد.

در نهایت هم چون توسط آمریکایی ها وارد قرارگاه شدیم مسئولین فرقه مجبور شدند ما را پذیرند و ما بعد از نزدیک به ۲۰ سال فرزندمان را دیدیم.

به پسرم گفتم با ما بیا و از اینجا فرار کن که دیدیم او با اشاره به ما می فهماند که حرف نزنید.

بعد یواشکی به ما گفت که محل ملاقاتمان با دوربین کترل می شود و باید مواظب حرف زدن مان باشیم. جمال گفت من اینها را قبول ندارم اما اینجا گیر کرده ام و در اولین فرصت از اینجا فرار خواهم کرد.

آقای ناطقی که خود از فراق فرزند رنج می برد ضمن بیان حال مادر جمال می گفت: "مادرش همیشه گریه می کند اما این لعنتی ها او را اسیر کردند و مانع از انجام ملاقات و تماس می شوند" نفرات جدا شده نیز ضمن همدردی با این خانواده، هر یک به شرح گوشه ای از جنایات رجوی ها پرداختند ولی تأکید کردند که با تمام محدودیتی که رجوی ها ایجاد نمودند باز هم تاکنون تعداد بسیار زیادی موفق به فرار از این فرقه شدند و آرزو کردند که جمال نیز هر چه زودتر موفق به رها کردن خود از این فرقه جهنمی بشود.

## درد و دل یک پدر درد کشیده از جنایات رجوی ها

### انجمن نجات مرکز مازندران، شنبه ۱۴ تیر ۱۳۹۳

چند روز قبل تعدادی از جدا شدگان استان مازندران با خانواده جمال ناطقی یکی از قربانیان فرقه رجوی، ملاقات کردند. خانواده ناطقی ضمن استقبال گرم و صمیمی از دوستان سابق فرزندشان، پیگیر آخرین اخبار فرقه و وضعیت جمال بودند. در این ملاقات همچنین درباره راههای ممکن برای نجات اعضای اسیر از چنگال فرقه نیز صحبت شد.

آقای ناطقی که از دیدار دوستان سابق فرزندشان بسیار خوشحال بودند، به شرح درد دل و بیان خاطرات خود از رفتن به اشرف برای ملاقات با فرزندش جمال برای آنان پرداختند و با لعنت و نفرین به رجوی ها گفتند:

"ما و تعداد زیادی از خانواده ها برای ملاقات با فرزندان مان به درب اشرف رفتیم اما رهبران فرقه نه تنها به ما اجازه ملاقات ندادند بلکه با این ترفند که این اتوبوس هایی که شما با آن آمدید متعلق به وزارت اطلاعات است !! به تحریک نیروهای آمریکایی علیه ما پرداختند و به دروغ به آنها گفتند که اینها خانواده اعضای ما نیستند بلکه ماموران نیروی قدس می باشند که برای کشتن نیروهای ما به اینجا آمده اند !!"

سپس نیروهای آمریکایی با زرهی به سمت ما آمدند و در نهایت هم با تهدید، ما را که در بین مان از پدر و مادر پیر تا فرزندان خردسال هم بودند، با دلی شکسته از آنجا راندند.

تعدادی از ما همان شب بار دیگر به قرارگاه اشرف برگشتیم و به فردی از فرقه که در آنجا نگهبانی می داد گفتیم حالا دیگر بهانه ای برای راه ندادن مان ندارید و ما بصورت جدا برای ملاقات آمده ایم. اما بعد از اینکه وی با فرماندهان فرقه



سرودی ساخته بودند و می گفتند:

سرکوچه کمینه، مجاهد پر کینه  
آمریکایی بیرون شو، خونت روی زمینه  
ولی دیگر حتی پخش آن سرود و سرودهای مشابه  
در مقرهای این فرقه منوع شد و مبارزه  
ضد امپریالیستی و شعار مرگ بر آمریکا از حافظه  
سازمان هم پاک گردید.

زنانی که رجوی در رأس قدرت قرار داده بود به  
فرمان او با حرکات و رفتارهای جلف و زننده در  
برابر سربازان و فرماندهان آمریکایی تلاش  
می کردند تا دل آنها را بدست بیاورند.

زنانی که در برخورد با نیروهای زیردست خودشان  
همچون سگ وحشی و هار بودند و از توهین و  
افتراء به آنها از زن و مرد کوتاهی نمی کردند تا به  
اصطلاح رجوی که حرفهای مزخرف زیاد می زد  
نزینه وحشی مردان و ماد زنان را کنترل کنند.

اما در برابر آمریکایی ها چه خوش رقصی ها که  
نمی کردند، مصدق این را از خود مریم رجوی  
می توان مشاهده کرد.

دقت کنید به پوشش این زن در کنفرانسها و  
میتینگهایی که با شخصیتهای سیاسی و نظامی  
آمریکایی و اروپایی می گذارد، جوراب استریت  
نازک با دامنی نسبتاً کوتاه و خنده ها و حرکات  
زننده او در طول گردههای ها.

در عین حال رجوی که دیگر می دید شرایط تغییر  
کرده و الان صدام وجود ندارد که بتواند زیر سایه  
حمایتهای بی دریغ او با خیال آسوده به سرکوب  
فیزیکی و روانی نیروهای خود پردازد مجرور شد تا  
تاکتیک عوض کند و کمی رفتار نرم از خود نشان  
دهد.

در اوایل اشغال عراق توسط نیروهای آمریکایی  
یک فضای نسبتاً باز توسط رجوی در مناسبات  
ایجاد شد و همین اشتباه او را به ورطه فروپاشی  
کامل تشکیلاتی کشاند و بعد از آن هر قدر خواست  
به دوران قبل برگرد و سرکوب استالینی خود را از

## خیانت رجوی به نیروهای خودی: احمد

### (نجات یافته از فرقه رجوی در آلبانی)

دوشنبه ۱۶ تیر ۱۳۹۳

بزرگترین خیانتی که مسعود رجوی مرتکب شد  
خیانت به ملت ایران در همکاری با دشمن متباوز  
به خاک میهن بود. خیانتی که رجوی در زمان  
جنگ کرد و عملاً در طرف صدام حسین وارد  
جنگ با مرزبانان و مدافعان میهن گردید که از  
حافظه تاریخ محظوظ نخواهد شد.

رجوی در همین راستا با انجام عملیات خیانتبار  
فروع جاویدان مسبب کشته شدن هزاران نفر شد و  
با تاکتیکهای نظامی بسیار غلط و کودکانه افراد  
خودش را به سمت مرگ کشاند. او سپس برای  
سریوش گذاشتن بر این شکست خفت بار وارد  
انقلاب ایدئولوژیک درونی و بحث طلاق همگانی  
شد که در پشت آن خیانت ها و جنایت های  
بسیاری نهفته بود.

دهها نمونه از این موارد را می توان نام برد ولی  
من می خواهم در این مقاله به اشتباهات و  
خیانتهای مسعود رجوی در سالهای بعد از سقوط  
صدام حسین بپردازم.

انشاء الله اگر فرصتی باشد به دیگر جنایتهاي او در  
سالهای پیشین هم خواهم پرداخت.

رجوی بعد از سرنگونی صدام حسین از همه بهتر  
می دانست که عراق جای ماندن برای او و  
نیروهایش نیست و باید قید عراق را بزند؛ ولی چون  
او فردی بی جربه و ترسوست، که جرأت اعتراف  
به اشتباه را ندارد، سیاست جدیدی در پیش گرفت  
و در پیامی که به نیروهای خود فرستاد اعلام کرد  
که صاحبخانه عوض شده و الان در عراق  
صاحبخانه جدیدی به اسم آمریکا آمده و باید با او  
کنار آمد، که در عالم سیاست معنایش این است  
که باید از این لحظه مزدوری آمریکا را نمود.

از آن لحظه خوش خدمتی به افسران آمریکایی  
شروع شد، همان آمریکایی که روزی برایش



بیرون بروند باز هم او پایش را در یک کفش کرده بود که هرگز به ذهن خود خطور ندھید که آمریکا از عراق بیرون برود.

دولت بوش رفت و اوباما آمد، او با جدیت تمام سیاست خروج نیروها از عراق را پیش برد ولی رجوی همچنان به نیروهای خود می گفت که آمریکا همه نیروهای خود را بیرون نمی کشد و قرار است حدود بیست هزار نیرو بماند.

بعد دید خیر هیچ کسی نمی ماند گفت قرار است نیروهای نظامی خصوصی که مشهور به بلک واتر هستند به عراق بیایند که آنها هم وقتی آمدند در تعداد محدود بودند که فقط برای حفاظت از سفیر و کارکنان سیاسی آمریکایی در عراق بود.

اینها را می گفت چون می دید نیروهایش نگران هستند که بعد از رفت آمریکایی ها چه کسی حفاظت را به دست خواهد گرفت.

آمریکا هم رفت و حفاظت دست نیروهای عراقی افتاد که جریانات بعد از آن را شاهد بودیم.

### نگاهی به سطح زندگی افراد در مناسبات فرقه رجوی در اشرف و لیبرتی

خیلی ها که از بیرون به مناسبات سازمان مجاهدین خلق نگاه می نمایند فکر می کنند آنها دارای دنیایی پر از صفا و صمیمیت هستند و هیچ فرقی بین سر و بدن وجود ندارد و به قول خودشان در دنیایی عاری از طبقات و در جامعه بی طبقه توحیدی که رجوی هر بار دم از آن می زند زندگی می کنند.

ولی آیا در واقعیت هم همینطور است؟

من خودم سالهای زیادی در کنار این افراد زندگی کردم و لحظه به لحظه وقایعی که در آنجا می گذرد را دیده و لمس نمودم.

یکی از موارد رابطه ای است که بین رجوی و نیروهایش وجود دارد.

نو شروع کند دیگر آنطور که باید و شاید در این سرکوب موفق نبود.

در عین حال دروغ پشت دروغ گفته می شد. در بحث ها و خطوط سیاسی به نیروهای خودی القا می گردید.

دروغ هایی که باعث کشته شدن یا فوت بیش از صد نفر از زمان روی کار آمدن حاکمیت جدید در عراق شد.

رجوی که خود جرأت ماندن در صحنه را نداشت، چون هرگز اهل فداکاری و از خودگذشتگی نبوده و نیست و این را در سرفصل های مختلف به اثبات رسانده است، این بار هم به سوراخ موشی خزید و از آنجا فرامین و دستورات خود را به اجرا گذاشت.

یکی از دروغ های رجوی به نیروهای خودی که در هر نشستی به آنها می گفت این بود که نیروهای آمریکایی هرگز عراق را ترک نخواهند کرد چون این کار به معنای تقدیم دو دستی عراق به دست ایران می باشد.

او می گفت آمریکا نیامده که کشته بدھد میلیاردها دلار صرف مصارف جنگی بکند میلیاردها دلار صرف بازسازی عراق بکند، میلیاردها دلار صرف استقرار نیروهای خود در عراق بکند بعد باید به نیروهای نظامی خود بگوید از عراق بیرون بروید.

او با همین استدلال قبل از آغاز تهاجم می گفت که آمریکا هرگز به عراق حمله نخواهد کرد.

اما در عمل چه شد؟ دیدیم که آمریکا به عراق حمله کرد و این کشور را اشغال نمود و از عراق خارج شد و حتی یک سرباز خود را هم در عراق باقی نگذاشت.

ولی رجوی آنقدر پرورو و وقیح است که هر بار که می دید آمریکا به لحظه خروج نزدیک تر می شود توجیه جدیدی برای نیروهای خود می تراشید.

وقتی دولت جرج دبلیو بوش با دولت مالکی قرارداد معروف به قرارداد سوفا را امضاء کرد که بر طبق آن قرار شد نیروهای آمریکایی تا ۲۰۱۱ از عراق



ستادها می باشد و او را چند بار در ماه نزد خود صدا می کرد.

وقتی به مقر برمری گشت و سایلی با خود به همراه می آورد که قابل باور نبود.

بهترین لباسها و ادکلنها و رادیو که داشتن و گوش کردن به آن منمنع بود ولی برای او داده شده بود همچنین لپ تاپ و دوربین عکاسی و دهها چیز دیگر.

چیزهایی که برای دیگران فکر کردن به آن هم منمنع بود و داشتن آن قدغن، همچون رادیو و دوربین عکاسی.

حتی ادکلن هم محدود بود و فقط ادکلنها ی قابل استفاده بود که کیفیت بسیار پایینی داشتند چرا که ادکلن نماد بورژوازی و سرمایه داری است و ضد انقلاب مریم رجوی می باشد ولی خود زنان از بهترین آنها استفاده می کردند.

البته زنان که می گوییم منظورم آن زنان و دختران بدیختی که گول رجوی و فرقه او را خورده و در مناسبات هستند و هیچ مقامی ندارند نیست بلکه زنان وحشی و دریده ای که به جان نیروهای زیردست خود افتاده بودند و از هیچ اقدامی جهت تحقیر و توهین به آنها کوتاهی نمی کردند تا در نگاه مسعود و مریم عزیزتر بشوند که این خود بحث و مقاله جداگانه ای نیاز دارد که به آن بعداً می پردازیم.

در اشرف که بودیم همه زنان یک ماشین مدل بالای هیوندا در اختیار داشتند و برای رفتن از یک مقر به مقر دیگر که فاصله آن چندان هم زیاد نبود و گاهی اوقات حتی فاصله آن سیصد متر هم نبود از آن ماشین استفاده می کردند ولی به افراد پایین دست می گفتند برای رفتن به جایی مثلًا به قرار پزشکی باید پای پیاده بروی چون دولت مالکی سوخت را تحریم کرده و کمبود سوخت داریم و وسیله نقلیه ای برای جابجایی وجود ندارد.

ظاهر امر را که نگاه می کنی هیچ فرقی بین افراد وجود ندارد و همه یکسان می باشند، همه در یک سالان غذاخوری و سریک میز غذاخوری غذا میخورند، فرمانده با نفر پایین دست در یک آسایشگاه استراحت می کند، نوع غذای همه یکسان است، همه یک دست لباس می پوشند و در کل همه چیز برای همه یکی و برابر می باشد (البته این ظاهر قضیه می باشد).

حال بیاییم کمی این جسم را کالبد شکافی کنیم تا ببینم چه چیزی در درون آن وجود دارد. قبل از هر چیزی خط قرمزی است که بین نیروها و رهبران بالای سازمان همچون مژگان پارسایی، صدیقه حسینی، زهره اخیانی و مسئولین بالای نهادها و شاخه های سازمانی که همه در دستان زنان است وجود دارد.

البته بودن در میان آنها و دیدن شرایط زندگی آنها امری است که هر کس نمی تواند آن را ببیند ولی نمونه هایی وجود دارد که هم خود دیده ام و هم از افرادی که اقوام نزدیک آنها در رأس فرماندهی بودند و با آنها دیدار داشتند به من گفته اند.

بعنوان مثال من خود دوبار نزد فهمیه اروانی رفته ام. او دوبار مرا به شام دعوت کرد امری که برای برخی افراد انجام می دهنده تا دل آنها را بدست بیاورند و با این ترفند آنها را در مناسبات خود نگه دارند.

امکانات رفاهی که دست او می باشد به راحتی می توان گفت در دستان حداقل یک نماینده پارلمان کشور اروپایی وجود دارد.

بهترین سیستمهای گرمایشی و سرمایشی، اینترنت، سه دستگاه لپ تاپ و کامپیوتر، تلویزیون و ماهواره، یخچال اختصاصی برای اتفاق که در آن انواع خوردنی ها وجود دارد و سایر امکانات.

همچنین یکی از دوستان من خواهش در یکی از



وسیله سرمایشی در آن وجود نداشت. در لیرتی هم وضعیت همینطور بود و فرقی نداشت و زنان سورای رهبری رجوی هنوز امکانات بالا را داشتند ولی دیگر زنان بدبخت و همچنین مردان از کمترین امکانات بی بهره بودند.

جالب اینجاست که در لیرتی که دیگر دولت عراق اجازه نداده بود زنان ماشین های لوکس خود را بیاورند و آنها مجبور بودند روی سنتگلاخهای لیرتی که راه رفتن روی آنها واقعا سخت بود تردد کنند شکوه و شکایت داشتند و می گفتند می بینید دولت عراق چه جنایتها بی علیه ما مجاهدین خلق می کند؟

ولی ما خوشحال بودیم چون برای ما که فرقی نداشت در اشرف هم همین بدبختی را داشتیم ولی در جمع خودمان که صحبت می کردیم می گفتیم مالکی دستت درد نکند کاری کردی که حداقل این زنان تنبیل و مفت خور مجبور باشند کمی راه بروند و بفهمند ما چه می کشیدیم.

بخواهم بنویسم صفحه ها می توانم بنویسم ولی خواستم فقط گوشه ای از واقعیتهای مناسبات به اصطلاح بی طبقه توحیدی رجوی را به شما نشان داده باشم.

در اشرف که بودیم همه زنان یک ماشین مدل بالای هیوندا در اختیار داشتند و برای رفتن از یک مقر به مقر دیگر که فاصله آن چندان هم زیاد نبود و گاهی اوقات حتی فاصله آن سیصد متر هم نبود از آن ماشین استفاده می کردند ولی به افراد پایین دست می گفتند برای رفتن به جایی مثلًا به قرار پیشکی باید پایی پیاده بروی چون دولت مالکی سوخت را تحریم کرده و کمبود سوخت داریم و وسیله نقلیه ای برای جابجایی وجود ندارد.

نفراتی در آنجا وجود داشتند که در عملیات نظامی معلوم شده بودند و تردد برایشان سخت و بعضًا امکان ناپذیر بود ولی باید پایی پیاده از این مقر به آن مقر می رفتد.

بعد از تحويل حفاظت اشرف به نیروهای عراقی سران فرقه اعلام کردند که دولت عراق محدودیت برق برای ما گذاشته و از طرفی هم سوخت و پول نداریم که ژنراتورها را روشن کنیم.

بنابراین در تابستان نمی توانیم کولرهای گازی و آبی را روشن کنیم مگر فقط برای دو سه ساعت در طی روز اما در همین محدودیت برق و سوخت زنان رجوی در اتفاقهای فرماندهی خود تمام روز کولرهایشان روشن و فعال بود و معلوم نبود آیا مالکی سوخت را فقط برای نیروهای پایین دست محدود و منع کرده یا اینکه موضوع چیز دیگری است؟

آخر خدا رو شکر زنان فرمانده و اتفاقهای آنها هم که یکی دو تا یا ده تا و بیست تا نبود که بگوییم باشد محدود است.

ماشالله بالای دویست اتفاق در سطح اشرف خاص زنان فرمانده بود که مستمر کولرهایشان روشن بود تا مبادا خانم های ناموس ایدئولوژیک رهبری (اصطلاحی که رجوی برای زنان سورای رهبری گذاشته بود و آنها را ناموس ایدئولوژیک خود می دانست) گرماده نشوند.

اما مردان بدبخت از ساعت شش و نیم صبح تا ساعت دوازده و نیم باید در گرمای بالای پنجاه درجه سانتیگراد اشرف به کارهای سختی همچون بنایی، ساخت کانکس، کلنگ زدن و درست کردن باعچه و کارهایی از این قبیل مشغول می شدند.

البته یک تعداد بسیار محدودی به کار با افراد عراقی مشغول بودند که تعداد آنها هم اندک بود ولی همانها هم باید در اتفاقهایی با افراد عراقی به کار چت یا نامه نگاری مشغول می شدند که هیچ



میان هواداران به شدت رشد کرده و افراد سؤالاتی که قبلاً جرأت طرح آنها را نداشتند مطرح می نمایند. او نوشه بود که هواداران در میان خود حول مسائلشان صحبت می کنند و همه به این نتیجه رسیده اند که سازمان فقط به دنبال ممانعت از رشد روزافزون جریان مسئله داری است و انگار دغدغه دیگری ندارد و هرگز در صدد توجیه نیروها و پاسخ به سؤالاتشان بر نمی آید.

مواردی که بیشتر مورد سؤال قرار می گیرد حول رفتن به عراق و همکاری با صدام حسين عليه میهن و ملت و همچنین اصرار بر ماندن در عراق در حال حاضر و به کشنن دادن نفرات است که سازمان نه تنها پاسخی نمی دهد بلکه سؤال کننده را سرکوب نموده و تهدید می کند که از این حرفاها دیگر تکرار نشود. حتی در مواردی سؤال کننده مورد بازخواست قرار گرفته که چه کسی چنین سؤالاتی را در ذهن او فرو نموده و با چه کسانی در ارتباط می باشد. مسئولین مراقب هستند که افراد پاسیو و مسئله دار یکدیگر را پیدا نکنند. رهنمود سازمان به جداسدگان ایست که باید سکوت کنند تا کسی متوجه نشود که آنها جدا شده اند و در این خصوص حتی تهدید هم می شوند.

یک نفر نوشه بود که به مسئول سازمان در شهرمان گفتم که همه می دانند سازمان در باتلاق عراق گیر کرده و استراتژی ارتش آزادیبخش ملی به بن بست رسیده و سازمان راه پس و پیش ندارد؛ اما مسئول مربوطه در کمال تعجب به جای اینکه حرف مرا کند و تلاش نماید تا مرا نسبت به عکس این موضوع توجیه و قانع نماید تها از من خواست که این موضوع را در بین هواداران دیگر اشاعه ندهم و از من در این رابطه قول گرفت. همچنین نوشه بودند که مسئولین سازمان به شدت روی اعضاء و هواداران دقیق هستند تا متوجه شوند که چه کسانی احیاناً گرفته و در خود هستند و فوراً با آنها برخورد کرده و خصوصاً تلاش می کنند

## جريان مسئله داری در سازمان مجاهدين خلق و سخنی با هواداران

ابراهیم خدابنده ، یکشنبه ۸ تیر ۱۳۹۳

چو می بینی که نابینا و چاه است - اگر خاموش بنشینی گناه است

اخیرا ایمیل هایی از جانب برخی اعضاء و هواداران سازمان مجاهدين خلق در اروپا ، که با من آشنائی قبلی داشته اند ، به دستم رسیده است که محتوای آنها شایان تأمل و تعمق است. اینکه آنان ، که برخی حتی اعلام جدائی هم نکرده اند ، در شرایط فعلی برای من ایمیل داده و از وضعیت سازمان و خودشان می گویند نیز به نوبه خود قابل توجه است. در ایمیلی از جانب یکی از کسانی که تصور می شود هنوز عضو سازمان است وی نوشه بود که بعد از بحث و فحص های مفصل جهت کاره گیری از سازمان ، نهایتاً مسئولین از وی خواستند تا چیزی از جداسدن خود نزد هوادارانی که او را می شناسند بروز ندهد و طوری وامود کند که گوئی هنوز عضو تشکیلات است. او همچنین تهدید شده بود که اگر کسی بوئی از جداسدنش ببرد آن وقت سازمان هم می داند چگونه با او برخورد کند. در ایمیل دیگری ، یکی از هواداران سازمان که سالیان سال است هوادار سازمان می باشد نوشه است که هر بار سؤال از مسئولین سازمان می پرسم با الفاظی نظری "خجالت بکش" ، "شرم نمی کنی؟" ، "حیا کن" پاسخ داده می شود و به جای اینکه تلاش کنند جواب سؤال را داده و مرا توجیه نمایند فقط نگران این هستند که مبادا سؤالات من به سایر هواداران سرایت کند و تنها از من خواسته می شود که این سؤالات را جای دیگری تکرار نکرده و به ذهن سایرین انتقال ندهم.

یکی از هواداران که از زمان های خیلی قبل او را می شناسم نوشه بود که فضای مسئله داری در



کسانی که از ایران می‌آیند دفاعی از عملکرد سازمان داشته یا کسی را احیاناً جذب نمایند.

ایمیل یکی از جداسدگانی که هیچ فعالیتی علیه سازمان ندارد برایم خیلی جالب بود که نوشه بود: "خودم تا قبل از اینکه پایم از عراق به اروپا برسد در این توهمند بودم که مردم از سازمان و از رجوی حمایت می‌کنند؛ اما بعد از گذشت این سالها و برخورد با خانواده و دوستان و ایرانیان مختلف و حتی شهروندان اروپائی دریافتمن که سازمان در میان مردم نه تنها وجهه‌ای ندارد بلکه فوق العاده منفور است. چندی قبل بطور اتفاقی سه تن از اعضا سازمان را دیدم و با آنها در همین رابطه صحبت کردم که جالب است یکی از آنها اذعان نمود که سازمان بدنام شده و مردم از آنها فرار می‌کنند".

با تعدادی از اعضا سابق سازمان مجاهدین خلق و شورای ملی مقاومت که به ایران تردد داشتند و مایل نبودند نامشان علنی شود نیز دیدار و گفتگو داشتم. یکی از آنها می‌گفت که با وجودی که بارها به نفرات سازمان گفته ام که دیگر خط و خطوطشان را قبول ندارم اما باز سراغ من آمده و درخواست کمک مالی می‌کند. او می‌گفت که به فردی که برای گرفتن کمک مالی آمده بود گفته است که دارد به ایران برای دیدار با خانواده می‌رود که مسئول مربوطه توصیه کرده که این کار را مخفیانه و بدون اینکه کسی متوجه شود انجام دهد و گرنم خودش می‌داند. یعنی عبور از مرز سرخ رفتن به ایران می‌تواند قابل قبول باشد اما بیان آن در میان سایر هواداران اشکال دارد و کسی نباید بفهمد. یکی از هواداران فعلی سازمان نوشه بود که مسئولین می‌گویند که مبارزه بها دارد و باید خود هواداران بهای مبارزه را بپردازند و از سازمان طلبکار نباشند. به نوشه او مسئولین سازمان ادعا می‌کنند که در زمان شاه وقتی مجاهدین خلق دستگیر می‌شوند طوری دفاعیه

متوجه شوند که اخیراً با چه کسی یا کسانی صحبت داشته‌اند. همچنین در خلال نوشه‌ها متوجه شدم که نوشه‌های آقای مصدقی که مستند و مستدل تنظیم شده‌اند، بویژه در خصوص شخص مسعود رجوی، فوق العاده تأثیرگذار بوده بطوری که مسئولین سازمان از شنیدن نام او نیز برآشته می‌شوند. همچنین جدائی آقایان یغمائی، قصیم، و روحانی و اظهارات آنان هم فوق العاده در باز شدن باب سؤالات در بین هواداران مؤثر بوده است.

سؤالی که از جانب بسیاری از هواداران، با وجودی که مرز سرخ اعلام شده، به کرات مطرح می‌شود اینست که در شرایط فعلی مسعود رجوی کجاست و چرا به اصلی ترین مسائل روز و سؤالات هواداران پاسخ نمی‌دهد. در جواب، مسئولین مسائل امنیتی را مطرح می‌کنند که به هیچ عنوان قانع کننده نیست چرا که مریم رجوی، که سازمان ادعا می‌کند او هدایت اعضا را به عهده دارد، آشکارا فعالیت و مسافرت می‌کند و هیچگونه مشکلی او را تهدید نمی‌نماید. اگر سازمان و کشورهای غربی توانسته اند حفاظت مریم رجوی را تأمین کنند قطعاً حفاظت مسعود رجوی که قبلاً هم ۵ سال در پاریس اقامت و فعالیت آشکار داشت را هم می‌توانند تأمین نمایند و این بهانه‌ای بیش نیست و این دلیل کسی را قانع نمی‌کند.

در یک ایمیل یکی از کسانی که بی سروصدای سازمان جدا شده مطرح می‌کرد که با مسئولین سازمان مدام بحث داشته که خطی که سازمان تا به حال به جلو برده به هیچ نتیجه‌ای نرسیده است، که در جواب تنها به این بسنده شده که او چیزی سرش نمی‌شود و حق ندارد در اموری که صلاحیت ندارد دخالت کند و نظر بدهد. او نوشه است که در حال حاضر تنها با برنامه‌های تفریحی و سرگرمی هواداران رانگاه می‌دارند و واقعاً هیچکدام از آنها نمی‌توانند در برابر مردم عادی یا



طرح می کردند که واقعاً جدا شدن علی از سازمان بسیار سخت است و از شانتاژ و جنگ روانی سازمان می ترسند و سؤال می کردند که چگونه می شود بر این ترس فائق آمد. آنان حتی نگران خانواده خود نیز در این رابطه هستند و می گویند از ترس آسیب رسیدن به آنها سکوت اختیار کرده اند و گزنه مایل هستند ماهیت سازمان را به همه نشان دهن.

من در نامه های جداگانه و همچنین در دیدارها جواب های خودم را به این دوستان دادم اما در کل سخنم با هواداران اینست که باید جو و فضای ترس ایجاد شده توسط سازمان را به هر نحو شکست و لازم است افرادی که از سازمان جدا می شوند این را به صراحت اعلام کنند و اجازه بدنهن تا دیگرانی که مسئله دار هستند نیز در جریان قرار گیرند و زمینه نجات آنان هم فراهم گردد. سازمان از ترند های کنترل ذهن روانی استفاده می کند و به این ترتیب افراد را در اسارت ذهنی نگاه می دارد و لازم است در برابر این ترند های فرقه ای ایستاد و از چیزی نترسید.

کسانی که از سازمان جدا شده و نسبت به خیانت های گسترده رجوی، چه به ملت ایران و چه به اعضاء و هواداران سازمان، دست به افشاگری می زنند نه تنها کارشنان خیانت نیست بر عکس به وظیفه انسانی خود در قبال کسانی که با اهداف این فرقه و رهبریش آشنا نیستند عمل می نمایند. برخی افراد ناآشنا با ماهیت فرقه ای سازمان مجاهدین خلق ممکن است در معرض این تهدید که فریب خورده و در دام این فرقه بیفتند قرار دارند که وظیفه کسانی که نسبت به این موضوع آگاهی دارند اینست که آنان را نسبت به خطرات احتمالی آگاه نمایند. هر کس موجبات جداشدن یک فرد از سازمان را فراهم آورد او را از اسارتی برده وار نجات داده و به زندگی عادی انسانی بازگردانده است.

خود را می نوشند که حتماً اعدام شوند. او نوشته است که با خودش فکر کرده که قطعاً مسعود رجوی و مهدی ابریشم چی و سایر مسئولینی که در زندان شاه بودند از این نوع دفاعیه ها نوشته اند چرا که اعدام نشده اند اما جرأت نکرده بود این را به مسئول مربوطه بگوید.

آنچه از خلال این ایمیل ها و دیدارها دریافتمن اینست که مسئله داری در میان اعضا و هواداران سازمان در اروپا به جریان تبدیل شده و از دست سازمان هم خارج گردیده است و سازمان تمام تلاش خود را بکار می گیرد تا از سرایت این موضوع به دیگران ممانعت به عمل آورد. تنها نگرانی سازمان اینست که اپیدمی رها کردن سازمان و بازگشت به ایران که هم اکنون به جریانی فراغیر تبدیل شده گسترش یابد و فضای ساختگی که سازمان بوجود آورده از بین برود و به قول معروف سر کلاف باز شود. هم اکنون سازمان به شدت تلاش می کند و تمام سعی خود را بکار می گیرد تا اعضا و هواداران نفهمند که کدام یک از اعضاء جدا شده و کدام یک از جداشدهان به ایران تردد دارند.

مسئولین بالاتر تلاش می کنند علت مسئله داری را بدرفتاری مسئولین پائین تر با اعضاء و هواداران جلوه دهنده حال آنکه کاملاً روشی است که عدم پاسخگوئی رهبری فرقه به انبوه سؤالات و ابهامات بوجود آمده در خصوص سیاست و عملکرد سازمان کار را به اینجا کشانده است. در دیدار با یکی از حامیان سابق شورای ملی مقاومت در تهران وی می گفت کارمان به جائی رسیده که در کنار جان بولتون از یک طرف و القاعده از طرف دیگر ایستاده ایم و کسی هم جوابگو نیست. او می گفت مسعود رجوی در سال ۱۳۵۰ دستگیر شد و به افرادی اوین رفت و از آن زمان از انفرادی بیرون نیامده است. اما فضای ترس از جداشدن هنوز بطور عموم در بین اعضا و هواداران وجود دارد و برخی



استیونسون جدای از روابط گرم و صمیمی که با منافقین دارد با گروه های تروریست داخل عراق نیز روابط خوبی برقرار کرده است.

طارق الهاشمی که از مسببین اصلی حملات تروریستی سال گذشته عراق بود، در کنار بعضی ها و سلفی ها با وی روابط حسنی دارند.

استیونسون در واقع بیشتر از آنکه نماینده مردم اروپا باشد، دغدغه منافقین و تروریست ها را دارد از سال ۲۰۰۹ که وی رئیس هیئت رابط پارلمان اروپا با عراق شده است به طور مرتب در حمایت از منافقین در اشرف و لیبرتی بیانیه صادر کرده است.

البته استیونسون سالهای است که متهم به دریافت مستمری و رشوی و در کنار آن گرفتن دستور از منافقین است وی در قبال این مبالغ با سوء استفاده از موقعیت خود در پارلمان اروپا و تولید ادعاهای ساختگی، برنامه های مشخصی را علیه دولت عراق و در جهت دامن زدن به درگیری های درونی عراق به اجرا در آورده است.

دیگر مقامات عراقی در مصاحبه ها و بیانیه های مختلف در مطبوعات بین المللی و عراقی به این نکته اشاره کرده اند که استیونسون در سالهای جنگ ایران و عراق از پشتیبانان سر سخت رژیم بعث و منافقین بوده است.

وی بعد از سقوط صدام به حمایتش از بقایای صدام و بخصوص گروهک منافقین ادامه داد.

استیونسون در این دوران سفرهای متعددی به اردن (مقر دختر صدام و بقایای بعضی ها) و لندن انجام می داد.



**استرون استیونسون (Struan Stevenson) : من نماینده منافقین (فرقه رجوی) در اروپا هستیم**

**مجاهدین دات کام ، تهران ، ۱۳۹۳ تیرماه**

استرون استیونسون (Struan Stevenson) عضو اسکاتلندی پارلمان اروپا و رئیس هیئت رابط پارلمان اروپا با عراق از دیگر حقوق بگران گروهک منافقین است و عوامل اصلی لابی گری این گروهک در اروپا محسوب می شود که از بابت این خوش خدمتی نیز تاکنون هزاران دلار به جیب زده است.

به گزارش پایگاه اطلاع رسانی "مجاهدین" ، به دلیل حمایت های مستمر و مداوم از گروهک تروریستی منافقین ، ادبیات و خلق و خوی آنها نیر در استیونسون درونی شده است. بیش از ۹۰ درصد اخبار و گزارش های مربوط به استیونسون مربوط می شود به حمایت های وی از منافقین و بیانیه هایی که در حمایت از این تروریست ها صادر می کند و سخنرانی هایی که بر ضد دولت ایران و دولت عراق انجام می دهد.



فرزندان خودشان در این سازمان ، اذیت و آزار جنسی زنان و وادار کردن آنها به طلاق اجباری و جدایی از فرزندان و موارد بسیاری دیگر.

آیا شما از عدم دموکراسی و سرکوب شدید و خفغان و سانسور شدید در این سازمان خبر دارید؟  
آیا شما از پول شویی های این سازمان در کشورهای غربی اطلاعی دارید؟

آیا شما از مزدوری این سازمان در زمان صدام و شرکت در عملیات کردکشی و سرکوب شیعیان جنوب عراق و شرکت در جنگ ایران و عراق و سرباز کشی اطلاعی دارید؟

آیا شما از اقدامات تروریستی این سازمان در زمان صدام عليه مردم ایران و خمپاره باران مناطق مسکونی و کشتن افراد غیر نظامی در داخل ایران خبر دارید؟

آیا شما از دخالت‌های این سازمان در امور سیاسی عراق از زمان بعد سرنگونی صدام که ریشه اصلی کشته شدن افراد سازمان در کمپ های اشرف و لیبرتی که ناشی از دخالت‌های بی‌جا و تحریک نیروهای عراقی بوده است خبر دارید؟

یا شما از تفتیش عقاید و مغز شویی و محدودیتهایی که سران این سازمان برای نیروها ایجاد می کنند و نمی گذارند آنها خودشان برای سرنوشت آینده شان تصمیم بگیرند خبر دارید؟

ما از شما خواهشمندیم در ضمن اینکه نگران دموکراسی در عراق هستید کمی هم نگران دموکراسی در این سازمان فرقه گرا باشید و از آن حمایت نکنید و قدری هم نگران سرنوشت افراد گرفتار در کمپ لیبرتی باشید و خواستار رهایی و خروج آنها از کشور نا امن عراق گردید»

وی عملاً رابط شبکه بین المللی منافقین ، بقایای صدام و لابی رژیم صهیونیستی در عراق ، اردن و اروپا بود.

وی پس از انتخابات پارلمان اروپا در سال ۲۰۰۹ خود را از کمیته ایران (که در آنجا برای صدام عليه ایران کار می کرد) به کمیته عراق در پارلمان اروپا منتقل کرد و ریاست این کمیته را بر عهده گرفت بعد از این تاریخ نیز تمام فکر و ذکر و استیونسون این بوده که راهی برای حضور بیشتر منافقین در عراق پیدا کند و یا با منافقین و سایر گروههای تروریستی حاضر در عراق برای برهمن زدن ثبات و امنیت این کشور لابی کند.

حمایت های بی حد و حصر استیونسون از منافقین تا آنجا پی رفت که کانون جداشدگان از گروههای منافقین با صدور بیانه ای خطاب به وی نوشت :

«شما در حالی از وضعیت انتخابات و عدم دموکراسی در عراق ابراز نگرانی کرده اید که همزمان از یک سازمان غیر دموکراتیک و غیر سیاسی و فرقه گرا تحت نام "سازمان مجاهدین" (منافقین) حمایت می کنید و حرفهای تکراری و دیکته شده آنها تحت نام بیانیه از طرف شما در سایت های این سازمان منتشر گردیده است ما در رابطه با سازمان که شما شدیدتر و افراطی تر از اعضای مورد اعتماد آن ، از این فرقه طرفداری می کنید و حرفهای تکراری و دیکته شده اش را در مورد عراق و دولت سوری مالکی بیان می کنید از شما سوالاتی را داریم که امیدواریم طی یک بیانیه ای پاسخ بدھید.

آیا شما از وضعیت نقض فاحش حقوق بشر در سازمان اطلاع دارید؟

مواردی مثل بکارگیری افراد زیر ۱۸ سال در عملیات نظامی و ممانعت از ملاقات خانواده ها با



در خصوص تماس تلفنی و حضوری خانواده‌های دردمند گیلک از مسئول انجمن خواستند که مواضع مشروع و به حق خانواده‌ها را به جهانیان و هر وجдан آگاه و بیداری اطلاع رسانی کنند که در صدر نگرانیهای موجود سلامت و حفاظت اسرای گرفتار در زندان لیرتی دغدغه خاطرآنان هست خصوصاً اینکه شرایط فعلی عراق بسیار بحرانی و نامن است و طلب می‌کند که بطور عاجل اعضای نگون بخت گرفتار به محل امنی انتقال داده شوند که از نظر ما امن ترین و ایمن ترین محل زندگی برایشان کانون گرم و پر مهر خانواده و وطن زیبای خودمان ایران است. خانواده‌های اعضای گرفتار در فرقه بدنام رجوی در خاتمه مطالبات مشروع خود ضمن محکوم کردن شوی ویلن و مشابه آن که با صرف هزینه‌های هنگفت انجام می‌گیرد اذعان داشتند چنانچه رجوی بخواهد براحتی با درصدی از هزینه‌های انجام گرفته درنمایش ویلن می‌تواند عزیزانمان را به کشورهای ثالث انتقال دهد ولیکن ما عمیقاً واقفیم که رجوی به حمایت امریکا و صهیونیسم و حضور داعش والقاعدہ در سوریه خصوصاً عراق چشم دوخته و ابلهانه گمان می‌کند در این رهگذر شاید آبی برایش گرم شود و از بحران لاعلاج نجات پیدا کند و خوب می‌داند که دارد قیمت آنرا از رنج و شکنجه و خون عزیزانمان می‌پردازد.

Khanooadeh-hai چشم انتظار گیلک که از بازگشت عضو جدشده از فرقه رجوی رضا رجب زاده به وطن و کانون گرم خانواده مطلع شده بودند فرصت را غنیمت شمردند و از مسئول انجمن خواستند که ترتیبی داده شود که بتوانند در دفتر انجمن چهت کسب خبر از وضعیت عزیزانشان با رضا رجب زاده ملاقات و دیدار حضوری داشته باشند که مسئول انجمن نیز در این خصوص قول مساعدت دادند که در اولین فرصت به درخواست خانواده‌ها اجابت خواهد کرد و در دستور کارشان قرار خواهد داد.

**پشت نمایش ویلن در حمایت از رجوی،  
سیاست امریکا و صهیونیسم خواهید است**

## انجمن نجات مرکز گیلان، پنجمین تیر ۱۳۹۳

متعاقب نمایش ویلن پاریس که پیامش تماماً حمایت از تروریسم برای ایجاد بحران در منطقه و ثبات قدرتهای بیگانه طراحی شده بود، مریم رجوی را مامور کردند که جهت جلب رضایت امریکا و صهیونیسم به حمایت از تروریستهای داعش و القاعده و بقایای صدام عثی برخیزد و کل سخنرانی دیکته شده اش را حول همین موضوع متصرکز کند و چنین هم شد و مریم قجر بی‌پرده بار دیگر و رسماً از تربیونی که برایش مهیا کرده بودند ضمن خوشایند جلوه دادن بحران موجود عراق و سوریه و حمایت از داعش با عبارت کذایی شورش‌گران و عشايرانقلابی به اربابان خود چراغ سبز نشان داد که این پتانسیل را دارد تا هر کجا که بخواهند سرسپردگی اش را نشان خواهند داد به شرط اینکه در عوض پاداش مزدوری یادشان نرود! شماری از خانواده‌های چشم انتظار گیلک ضمن تماس تلفنی و بعضی حضوری در دفتر انجمن نجات گیلان در خصوص مضمونه ویلن پاریس یادآور شدند که پرواضح است که پشت این قدرت نمایی کذایی طبعاً امریکا و صهیونیسم و لایبهای مرتبط با آن صفت کشیده اند و آنچه را قرائت می‌کنند که برایشان دیکته کرده اند صرفاً به اینکه مزد خود را تمام و کمال دریافت کنند ولیکن حرف ما دقیقاً به سازمان ملل که همواره سنگ حقوق بشر را به سینه می‌زنند این است که: "سازش و مماشات و حمایت از یک سازمان تروریستی بس است و بیش از این راه به قربانگاه فرستادن عزیزانمان در زندان لیرتی ساخته و پرداخته رجوی درکشور ناامن عراق را هموار نکنند که این همسویی با جنایت علیه بشریت را هیچگاه نخواهیم بخشید"



و سرکوب را پیش بردند، و مسبب قتل عام سال ۶۷ شدند، و عواطف مادران به فرزندان و خانواده‌ها را حرام شمردند، در واقع همه حرام‌های خدا را حلال و همه حلال‌های خدا را حرام شمردند و به کردکشی در عراق روی آوردند، و از شکنجه و کشتن اعضاء خود عبور کردند، و همه شکنجه‌ها و کشتارهای اشرف و لیبرتی را توجیه کردند و اکنون برای نجات خود از ورطه عراق و بن بست‌ها و سیاست‌های جنایتکارانه خود و برای گریز از ورطه‌ای که در آن گرفتار آمده‌اند، به دامن بدنام ترین و وحشتناک ترین و جنایتکارترین و تروریست ترین نیروهای داعش چنگ زده‌اند، فیلم‌های جنایت وحشتناک و تیر خلاص زنی و دیگر فجایعی آنها فقط در عراق چشمها را خیره کرده است و تمام سازمانهای حقوق بشری و سازمان ملل و تمام منطقه خاورمیانه و دولت‌های آنها و دول غربی این گروه را خطر و فاجعه خاورمیانه می‌خواند، چگونه است رجوی‌ها آن را لحظه حساس تاریخ ایران و خاورمیانه می‌دانند!!!! و تیر خلاص زدن و کشتار مردم بیگناه عراق ستمدیده را که دل هر انسانی را به درد وا می‌دارد و شدیداً نگران می‌کند انفجار خشم مردم عراق می‌دانند!!!؟! اکنون سالها است که مردم ستمدیده عراق در محاصره مرگبار شهرهای خود و جنگ داخلی و انفجارات و عملیات انتشاری و بمب و ترور و از دست دادن سرمایه‌های کشور خود و فقر و اوارگی و خانه بدشی هستند.

باید به مریم قجر گفت چگونه است که یک زن تا این حد به انحطاط کشیده می‌شود و عقل و هوش خود را در فرمالیزم و دکور و مانکنی از دست می‌دهد و صرفاً به بازگویی نوشته‌های سخیف و خیانت بار مسعود رجوی تن می‌دهد!!!! و یک اجماع گسترده‌ای که در عراق و منطقه و در سطح بین‌المللی وجود دارد، در مورد مردم بیگناه و ستمدیده عراق و کشتار وحشتناک آن و فاجعه‌ای بنام گروه تروریستی داعش و اعلام حکومت



### مریم رجوی در ویلنست : داعش علیه بنیادگرایی است؟!

زهرا سادات میرباقری ، ۱۴ تیرماه ۱۳۹۳

مریم رجوی در صحبت‌هایش در شوی ویلنست پاریس به مناسبت سالگرد خشونت و ترور علیه خود و فرقه اش افشاگری کرد: "سلام بر ملت‌های به پا خاسته سوریه و عراق و کارزار آنها برای آزادی و دموکراسی و علیه تروریسم و بنیادگرایی.

ما در لحظهٔ حساسی از تاریخ ایران و خاورمیانه هستیم؛

انفجار خشم مردم عراق، اشغالگری ولايت فقيه بر اين کشور را به لرده انداخته ...."

هرچه زمان می‌گذرد مریم رجوی ماهیت واقعی فرقه رجوی را برای ما و جهانیان شفاف تر و روشن ترمی کند، آری در فرهنگ رجوی‌ها زمانی که از کشتار بی‌رحمانه مردم کوچه و بازار و شهرهای ایران، و انفجار بمب‌ها تحت نام عملیات انتشاری علیه سرینجه‌های اختناق آفرین گذشتند، و مسیر "هدف وسیله را توجیه می‌کند" را ادامه دادند، فرمان‌های نظامی و خیانت به میهن تحت نام فریبنده آزاد سازی شهرهای تحت اختناق



## کشیدن سیگار و قلیان

نشستن زنان بر صندلی

مردم رقه نیز برای اینکه این مجازات‌ها گریبانشان را نگیرد به جز در موارد ضروری از خانه خارج نمی‌شوند.

و در سایتهای خود فاجعه خاورمیانه و کشتار مردم بیگناه و ستمدیده عراق را تحت نام انفجار خشم مردم عراق اینگونه پوشش می‌دهید!!!:

اخبار خاورمیانه

عراق : درگیری در تکریت

تلوزیون‌های عربیه الحدث گفت: ابو محمد التکریتی عضو شورای نظامی انقلابیون عشایر عراق درباره جدیدترین حملات نظامیان مالکی به تکریت گفت: در نبردهای جنوب تکریت انقلابیون ۱۶ خودرو نظامی و ۳ تانک را منهدم کردند و یک تانک را به غنیمت گرفتند. همچنین یک هلی کوپر و یک هواپیما منهدم شد و هم اکنون تعداد زیادی کشته از نظامیان مالکی در خیابان افتاده است . ( ۷ تیر ۹۳ )

زهی بیشتر می‌از این فرهنگ دغل و دروغ و وفاحت و جنایت رجوی‌ها، آری فقط یک چیز می‌توان گفت از دیکته‌ای که مریم رجوی بی‌هویت که اذعان کرده است و تمام هویتش را از مسعود رجوی گرفته است، از خودش چیزی ندارد و چیزی نمی‌فهمد، این دیکته شخص مسعود رجوی است که مریم قجر در ویلپنت پاریس، صرفاً بیان کرده است.

اسلامی آن و خطری که خاورمیانه را تهدید می‌کند را نمی‌بیند ؟!!

باید به مریم رجوی گفت آیا سطور زیر برای آزادی و دموکراسی و علیه ترویریسم و بنیادگرایی، مد نظر ایشان است ؟!!

قوانين وضع شده توسط داعش

قوانين گروه تروریستی داعش در اجرای احکامی که می‌گوید اسلامی است؛ (منبع، ویکی پدیا)

داعش پس از تسلط بر رقه، قوانینی را وضع کرد که عدول از آنها مستوجب مجازات سنگین می‌باشد.

فهرست این قوانین ممنوعه به شرح زیر هستند:

پوشیدن شلوار جین (برای زنان)

پوشیدن شلوار جین توسط مردان کمر باریک

کوتاه کردن مو

نمایش لباس‌های زنانه در ویترین و کار کردن مردان در فروشگاه لباس زنانه

ورود مردان به مغازه‌های لباس خیاطی زنانه

تبليغ آرایشگاه‌های زنانه

استفاده از کلمه داعش

مراجعة زنان به دکتر زنان و زایمان

شانه کردن موی سر و صورت (برای مردان)



## دفاتر انجمن نجات

نام استان	تلفن - فکس - صندوق پستی
آذربایجان شرقی	تلفن : ۰۴۱۱۳۳۷۹۴۳۰ - ۰۹۱۴۱۱۶۴۲۶۷ - ۰۵۱۳۸۵-۱۶۳۱ صندوق پستی : ۵۱۳۸۵-۱۶۳۱
آذربایجان غربی	تلفن و فکس : ۰۴۴۱۲۲۵۲۷۹۳ - ۰۹۱۴۱۴۵۱۵۰ - ۰۵۷۱۵۵-۱۱۵۷ صندوق پستی : ۵۷۱۵۵-۱۱۵۷
اردبیل	تلفن : ۰۴۵۱۲۲۵۴۱۰ - ۰۹۱۴۱۲۶۵۰ - ۰۳۱۱۲۶۵۰۶۷۶ صندوق پستی : ۰۵۶۱۳۵/۱۶۱
اصفهان	تلفن : ۰۹۱۳۳۰۳۶۰۱۳ - ۰۹۱۴۶۵ - ۰۸۱۴۶۵/۱۴۹۹ صندوق پستی : ۰۹۱۳۳۱۹۸۲ - ۰۸۴۱- ۳۳۳۱۹۸۲ صندوق پستی : ۰۶۹۳۱۵-۳۹۵
ایلام	تلفن : ۰۹۱۷۱۷۱۴۰۲ - ۰۹۱۷۱۷۱۴۰۲ صندوق پستی : ۰۹۱۷۱۷۱۴۰۲
تهران	تلفن : ۰۲۱۸۸۹۶۱۰۳۱ - ۰۲۱۸۸۹۶۵۲۱۸ فاکس : ۰۲۱۸۸۹۶۵۲۱۸ صندوق پستی : ۰۱۴۱۴۵/۱۱۹
چهارمحال و بختیاری	تلفن : ۰۸۸۱۵۵-۵۱۵ صندوق پستی : ۰۹۱۵۱-۰۹۳۶۰ همراه : ۰۸۸۳۸۲۸۹ - ۰۵۱۱ صندوق پستی : ۰۹۱۷۳۵-۷۸۶
خراسان رضوی - مشهد	تلفن : ۰۶۱۱۳۳۶۲۸۹۱ - ۰۹۱۶- ۰۹۱۴۵۹۲۱ همراه : ۰۹۱۴۵۱۱۶۱ صندوق پستی : ۰۶۱۵۵۵۱۱۶۱
خوزستان - اهواز	تلفن : ۰۹۷۱۷۵ - ۳۶۷ صندوق پستی : ۰۹۷۱۷۵
خراسان جنوبی - بیرجند	تلفن : ۰۴۵۱۹۵/۱۴۵۶ - ۰۲۴۱۷۲۸۶۳۲۰ صندوق پستی : ۰۴۵۱۹۵/۱۴۵۶
زنجان	تلفن : ۰۳۵۱۴۵-۴۱۳ - ۰۹۱۹۴۳۲۱۸۷۷ صندوق پستی : ۰۳۵۱۴۵-۴۱۳
سمنان	تلفن : ۰۶۶۱۳۵-۳۶۱ - ۰۹۱۸۶۴۶۸۸۷ صندوق پستی : ۰۶۶۱۳۵-۳۶۱
سمندج	تلفن : ۰۹۸۱۵۰-۵۱۵ - ۰۹۱۳۲۵۰-۶۳۹ همراه : ۰۹۳۶۴۲۴۰-۸۴۴ صندوق پستی : ۰۹۸۱۵۰-۵۱۵
سیستان و بلوچستان	تلفن : ۰۹۱۵۷۹۶۰-۰۴۹ - ۰۹۱۵۷۹۶۰-۰۴۹ صندوق پستی : ۰۹۴۱۰۵-۱۴۷۹
خراسان شمالی	تلفن : ۰۷۱۵۵۵-۵۴۵ - ۰۷۱۱۲۳۴۴۵۵۴ صندوق پستی : ۰۷۱۵۵۵
فارس - شیراز	تلفن : ۰۰۲۵۱۷۸۳۵۷۵۰ - ۰۰۲۵۱۷۸۳۵۷۵۰
قم	تلفن : ۰۳۴۱۸۵ - ۳۱۴۵ - ۰۹۱۲۱۸۲۸۳۵ صندوق پستی : ۰۳۴۱۸۵
قزوین	تلفن : ۰۷۶۱۳۵-۳۵۴۶ - ۰۹۱۳۳۹۳۱۹۳۰ صندوق پستی : ۰۷۶۱۳۵-۳۵۴۶
کرمان	تلفن : ۰۶۷۱۵۵-۱۶۶۳ - ۰۸۳۱۸۲۲۹۷۴۷ صندوق پستی : ۰۶۷۱۵۵
کرمانشاه	تلفن : ۰۳۱۵۸۵-۱۶۹۱ - ۰۹۳۵۸۱۷۹۹۵۸ همراه : ۰۲۶۳ ۲۲۰-۳۲۴۲ صندوق پستی : ۰۳۱۵۸۵
کرج	تلفن : ۰۰۳۷۷ - ۰۹۱۱۲۲۶۰-۲۳۴ همراه : ۰۹۱۱۲۷۵۲۷۲۱ صندوق پستی : ۰۴۹۱۷۵
کهگیلویه و بویر احمد	تلفن : ۰۰۳۷۷ - ۰۹۱۱۲۲۶۰-۲۳۴ همراه : ۰۹۱۱۲۷۵۲۷۲۱ صندوق پستی : ۰۴۹۱۷۵
گلستان - گرگان	تلفن : ۰۰۴۱۷۹۹-۳۶۸۳۵ - ۰۰۴۱۷۹۹-۳۶۸۳۵ کد پستی : ۰۰۴۱۷۹۹-۳۶۸۳۵
گیلان - رشت	تلفن : ۰۶۸۱۳۵/۱۸۷ - ۰۶۸۱۳۵/۱۲۱۲ صندوق پستی : ۰۶۸۱۳۵/۱۲۱۲
لرستان	تلفن : ۰۴۸۱۷۵-۱۵۱۳ - ۰۱۵۱۲۲۶۵۶۵۲ صندوق پستی : ۰۴۸۱۷۵-۱۵۱۳
مازندران - ساری	تلفن : ۰۳۸۱۹۵-۱۳۱۴ - ۰۸۶۱۴۰-۲۹۲۶۳ صندوق پستی : ۰۳۸۱۹۵-۱۳۱۴
مرکزی - اراک	تلفن : ۰۰۰۹۶۲۸۸۲۸۶۶ - ۰۰۰۹۶۲۸۸۲۸۶۶
هرمزگان - بندرعباس	تلفن : ۰۰۶۵۱۵۵-۹۶۶ - ۰۹۱۸۱۲۶۰-۱۲ صندوق پستی : ۰۰۶۵۱۵۵-۹۶۶
همدان	تلفن : ۰۰۸۹۱۶۵-۵۹۴ - ۰۰۳۵۱۶۲۰-۲۵۲۶ صندوق پستی : ۰۰۸۹۱۶۵-۵۹۴
یزد	تلفن : ۰۰۸۹۱۶۵-۵۹۴ - ۰۰۳۵۱۶۲۰-۲۵۲۶ صندوق پستی : ۰۰۸۹۱۶۵-۵۹۴





[WWW.NEJATNGO.ORG](http://WWW.NEJATNGO.ORG)

E.MAIL: [info@nejatngo.org](mailto:info@nejatngo.org)